

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فصلنامه علمی-ترویجی پژوهشنامه موعود

با استناد به نامه شماره ۱۵۷۲۸ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه های علمیه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ دو فصلنامه پژوهشنامه موعود از شماره یک به رتبه علمی-ترویجی ارتقا یافت.
بر اساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

سال پنجم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛
مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی
سر دبیر:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی
ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

مترجم انگلیسی:

حجت الاسلام و المسلمین حمید سعادت

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقرالعلوم قم)

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (استاد حوزه علمیه قم)

شاکری زوردهی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران پردیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه المصطفی العالمیه)

عرفان، امیرمحسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)

مروجی طبسی، نجم الدین (استاد حوزه علمیه قم)

یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، مدیر پژوهشکده مهدویت موعودگرایی انتظار پویا)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفتایه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دوزنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴۱-۲۷۱۷

قیمت: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پرنسنگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.
۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
 ۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
 - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
 - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
 ۵. **نتیجه‌گیری:** نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی،

مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. **ارجاعات:** ارجاع به صورت یاورقی و به صورت ذیل آورده شود:

- **قرآن:** بقره: ۵۰.
 - **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
 - **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
 - **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.
۷. **ارجاع پایانی (فهرست منابع):** کتاب شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پر رنگ)، مترجم/ محقق/ مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضوری:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):

- از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
- از طریق سایت به آدرس: www.mouoodmag.ir؛
- از طریق رایانامه به آدرس: mouoodmag@gmail.com؛
- از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag.

فهرست مقالات

- جایگاه حجّتِ حیّ الاهی در هندسهٔ دین ۵
محمود اباذری
- تأثیراندیشه مقاومت بر تقویت ماهیت و کارکرد انتظارپویا؛ با تکیه بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای ۲۵
مصطفی بهشتی پور
- تحلیل نقش حاکمیت دینی در تقویت و استحکام بینش منتظران در عصر غیبت ۵۳
عادل فاطمیان
- مهندسی فرهنگ اقتصاد در تمدن مهدوی (با تأکید بر اصل قناعت، و مساوات) ۸۱
خدامراد سلیمیان - امیرعباس خسروی
- پیامدهای سطحی‌نگری به مفهوم انتظار در عرصه تمدن جدید اسلامی ۱۰۳
حجت حیدری چراتی - مرضیه عیوضی
- صورت بندی چالش‌های امنیتی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت ۱۲۵
رضالک زایی
- ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی ۱۵۵

جایگاه حجتِ حیّ الاهی در هندسهٔ دین

محمود اباذری^۱

چکیده

دین اسلام، کامل‌ترین برنامهٔ رستگاری انسان است که برای هر یک از اجزای این نقشهٔ راه، جایگاه خاصی از حیث اهمیت قرار داده شده است. از مهم‌ترین باورهای شیعهٔ امامیه، باور به «وجود حجت الاهی» در هر زمان است. آن چه در این زمینه نقش اساسی دارد، این است که بنگریم جایگاه این باور در دین کجاست؟ با بررسی آیات و روایات به این معنا دست می‌یابیم که ولایت حجتِ حیّ الاهی به منزلهٔ درگاه ورود به حقیقت دین است و توحید عملی با پذیرش و اطاعت حجتِ حیّ، عملیاتی شده و سعادت و شقاوت ابدی انسان با نوع تعامل با چنین حجتی گره خورده و فروع دین در بستر این ولایت، عبودیت خدا محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع سبب شده است در متن وحی الاهی، سرگذشت پیشینیان با محوریت حجتِ حیّ مورد توجه قرار گیرد تا با تدبیر در آن، چپستی، چگونگی، و چرایی تعامل با امام زمان را یاد بگیریم. در نوشتار پیش رو سعی شده است با رویکرد معرفتی، تبیینی صورت گیرد تا این باور در کانون توجه منتظران قرار گرفته و در مسیر دستیابی به چنین معرفتی تلاش کنند.

واژگان کلیدی: حجتِ حیّ، مهدویت، امام زمان، قرآن، دین، هدایت.

مقدمه

خدای حکیم موجودی متفاوت از سایر موجودات به نام «انسان» «در بهترین صورت و نظام»^۱ آفرید؛ به گونه‌ای که اگر سرمایه وجودی بالقوه انسان در مسیر صحیح شکوفایی قرار گیرد، می‌تواند از فرشتگان برتر و ابدیتی بی نظیر برای خود رقم بزند.

محصور شدن روح ملکوتی انسان در جسم مادی و تأثیر و تأثرات بر همدیگر، مختار بودن او و نفس اماره، سکونت در دار تزاخم و محدودیت‌ها همراه با حجاب اسباب و مسببات و از دیگر سو، وجود یک دشمن قسم خورده، سبب شده سیر و حرکت او را با انبوهی از موانع و پیچیدگی‌ها مواجه کند و از همه مهم‌تر این‌که به فعلیت رساندن استعداد بالقوه، به گزینش و شیوه زندگی افراد بستگی دارد و این مهم جز در پرتو برنامه‌ای دقیق و جامع امور جسمی و روحی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی برای انسان قابل دستیابی نیست.

با شکل‌گیری اولین جامعه انسانی، یعنی حضرت آدم و حوا، برنامه سعادت و رستگاری نیز نازل و حضرت آدم به عنوان پیامبر خدا برگزیده شد.^۲ سپس سلسله هدایتگران الهی استمرار یافت و با بعثت خاتم پیامبران، حضرت محمدﷺ، آخرین و کامل‌ترین دین در اختیار بشر قرار گرفت و «قرآن» به عنوان معجزه‌ای جاویدان با جامع‌ترین برنامه سعادت که هرگز باطل در آن راه ندارد؛^۳ پایان بخش کتاب‌های آسمانی گردید.

دین اسلام، مجموعه‌ای منسجم و هدفمند از اعتقادات، اخلاقیات و قوانین و مقرراتی است که برای هر یک از این اجزا، جایگاهی قرار داده شده است.^۴ در نتیجه شرط اساسی رسیدن به سعادت و رستگاری، نگاه جامع به دین و توجه به جایگاه هر یک از اجزا و آموزه‌های آن است. اکنون باید دید جایگاه «حجت حیّ الاهی» در هندسه دین کجاست؛ تا متناسب با آن جایگاه

۱. تین: ۴.

۲. بقره: ۳۷ و ۳۸ و آل عمران: ۳۳.

۳. فصلت: ۴۲.

۴. رک: جوادی آملی، دین‌شناسی، فصل اول.

مورد توجه قرار گرفته و انسان برنامه و سیر و حرکت توحیدی خود را با آن تنظیم کند. نگاه جزیره‌ای و تک بُعدی به دین می‌تواند نتیجه عکس دهد و انسان را به ورطه سقوط بکشاند؛ آن‌گونه که در مورد خوارج و امثال آنان اتفاق افتاد؛ غفلت از جایگاه ولایت سبب شد اسلام از مسیر اصلی‌اش، یعنی صراط مستقیم غدیر خارج و در بی‌راهه سقیفه به سمت دره سقوط و نابودی سوق داده شود.

اتفاقی تلخی که بعد از رحلت رسول اعظم خدا ﷺ افتاد، قطع ارتباط با «ولئى الله بود» و مع الاسف «ابلیس گمان خود را درباره آن‌ها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان!»^۱ نتیجه چنین اتفاق شوم این شد که شخصی چون یزید در رأس امور قرار گرفت و اهداف شیطان در کلام و رفتار او منعکس شد:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِأَمْلِكِ فَلَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٍ نَزَلَ، بنی هاشم با حکومت بازی می‌کردند، نه خبری [از آسمان غیب] آمده و نه وحی نازل شده است.

چنین وضعیتی جامعه را به سمت الحاد و بی‌دینی سوق می‌دهد و تمام زحمات انبیا و اوصیا و اولیای الهی در معرض نابودی؛ و امت در معرض سقوط در دره شرک و فساد قرار می‌گیرد.

این فساد بنیانی، سنت را میرانده و بدعت‌ها را زنده و در یک کلمه: وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ؛^۲ دیگر باید با اسلام، خداحافظی کرد؛ وقتی که حاکمی مثل یزید بر سر کار بیاید و اسلام به حاکمی مثل یزید، مبتلا گردد!

این جاست که امام حسین علیه السلام برای بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح توحید و تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی و نجات امت اسلام از جهالت و گمراهی و بازیابی عزت اسلام با تمام داشته خود به میدان می‌آید و آن حماسه عظیم را می‌آفریند.^۳

۱. سبأ: ۲۰.

۲. ابن طاووس، لهوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۴.

۳. رک: خامنه ای، چهار گفتار، انتشارات انقلاب اسلامی.

خطا و غفلت امت از مکر شیاطین جن و انس سبب شد «حجت حی» مهجور شود^۱ و چنین فاجعه عظیمی رقم بخورد.

یکی از مهم‌ترین دغدغه متکلمان شیعی در طول تاریخ، اثبات غدیر و حقانیت ولایت و امامت و بیان ادله عقلی و نقلی استمرار حجت الاهی در هر زمان بوده و کتاب‌های و مقالات متعددی در زمینه ضرورت وجود حجت حی الاهی نوشته شده است؛ اما در مورد جایگاه حجت حی در منظومه دین و رابطه دینداری با ولایت حجت حی، آثار کمی تألیف شده است؛ کتاب «امام حی غائب» از آقای قنبر علی صمدی، به تبیین آثار وجودی امام در جامعه پرداخته است. همچنین آقای علی مؤیدی در مقاله‌ای که در مجله مطالعات مهدوی چاپ شده، در مورد نقش حجت حی در اسلام به ویژه ارتباط آن با قرآن و خلافت الاهی نکاتی بیان کرده است. بررسی عمیق و جامع جایگاه حجت حی به ویژه از دیدگاه قرآن امری اجتناب ناپذیر است؛ چرا که سعادت و شقاوت انسان با نوع تعاملش با چنین حجتی رقم می‌خورد.

«حجت» به معنای چیزی است که در مقام بحث و اثبات ادعا و غلبه بر طرف مقابل مورد استفاده قرار گیرد.^۲ بدین سبب قرآن فلسفه ارسال رسل را همین امر بیان می‌کند: «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، [و بر همه اتمام حجت شود]»^۳ و به انبیای عظیم الشان الاهی و اوصیای الاهی آنان و همچنین کتاب‌های آسمانی، حجت می‌گویند؛ زیرا آفریدگار انسان در عالم آخرت با این‌ها بر خلائق احتجاج می‌کند.

مقصود از «حجت حی الاهی»، انسان کاملی است که خدای حکیم برای هدایت انسان فرستاده است و هرگز عالم انسانی از وجود چنین حجتی که نبی یا وصی اوست، خالی نبوده و نخواهد بود.

۱. «لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعْنَاكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا» (بخاری، ج ۹۸، ص ۲۹۱).

۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۹۸، ذیل واژه حج.

۳. نساء: ۱۶۵.

مقصود از هندسهٔ دین، مجموعهٔ نظام مند، منسجم و هماهنگ اجزای دین است که طبق مشیت حکیمانهٔ الهی برای هر یک از آن اجزا، جایگاه خاصی قرار داده شده است. در ادامه جایگاه حجت حی را در نظام اصول و فروع دین پی می‌گیریم:

جایگاه حجت حی در ارتباط با توحید

توحید و اعتقاد به یکتایی خدا، مراحل و ابعاد متعددی دارد؛^۱ از جمله توحید در ذات،^۲ توحید در صفات،^۳ توحید در خالقیت،^۴ توحید در عبادت^۵ و توحید در ربوبیت. توحید در ربوبیت به این معناست که تدبیر عالم ممکنات به دست خداست و اسباب و علل، همه تحت تدبیر پروردگار عالمیان است. بدین سبب، تدبیر مخلوقات هرگز از خلقت آن‌ها جدا نیست و با اثبات توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت نیز ثابت می‌شود. این توحید، گسترهٔ وسیعی دارد و تمام خلقت را شامل می‌شود و در عالم آفرینش هیچ مدبری بالذات و مستقل غیر از ذات ربوبی وجود ندارد.

آفریدگار حکیم، آن چه را برای تحقق هدف خلقت انسان و نزدیک شدن او به این هدف، لازم است فراهم کرده و آن را در اختیار انسان گذاشته است؛ چرا که خدای عالم، حکیم، قادر، لطیف و جواد، در آفرینش هدف دارد و هدف خلقت عالم، خدمت به انسان است^۶ و هدف از خلقت انسان، کمال است و برای رسیدن به این هدف دو چیز مورد نیاز است:

الف) راه؛

۱. ر.ک: ربانی، محاضرات فی الالهیات، الباب الثانی: فی التوحید و مراحل، ص ۴۳.

۲. توحید در ذات، یعنی خدا بسیط است و هیچ جزئی ندارد و هیچ نظیر و مثل و مانندی نیز ندارد؛ یکتا و بی همتاست.

۳. توحید در صفات، یعنی صفات خدا عین ذات اوست و از هر صفت و ویژگی مخلوقات منزّه و میزاست و کثرت اسما و صفات خدا به عالم مفهوم بر می‌گردد.

۴. توحید در خالقیت، بدین معناست که غنی بالذات فقط خداست و همه مخلوقات ممکن بالذات و فقر محض هستند در نتیجه هر اثری که در عالم وجود شکل می‌گیرد بلاواسطه یا با واسطه از خدای علیّ اعلاست.

۵. حقیقت عبادت، خضوع و تواضع در گفتار یا عمل است در برابر کسی با این اعتقاد که او خالق و مالک و ربّ است.

۶. لقمان: ۲۰.

(ب) راهنما.

حکیم، هر آن چه را در تحقق هدفش، دخالت دارد، به نحو اتم و اکمل فراهم می‌کند؛ و الاً نقض غرض لازم می‌آید.^۱

نتیجه این که تا خدا، خداست و تا انسان، انسان است باید راه و راهنما از سوی خداوند، تأمین شده باشد.^۲

چنین راهبر و راهنمایی که از طرف خدا تعیین شده و مظهر اسما و صفات اوست، «خليفة الله» محسوب می‌شود و اطاعت از او اطاعت از خدا و عصیان او عصیان خداست و این چنین توحید عملی با نوع تعامل ما با او پیوند می‌خورد.

توحید نظری و توحید عملی

«توحید نظری» به عالم شناخت و اندیشه مربوط است؛ یعنی خدا را به یگانگی شناختن؛ و «توحید عملی» یعنی خود را در عمل، یگانه و یک جهت و در جهت ذات یگانه ساختن. به عبارت دیگر، توحید نظری، یعنی شناخت یگانه بودن خدا، و توحید عملی یعنی یگانه شدن انسان؛^۳ در سوره حمد ابتدای سوره مربوط به توحید نظری است، و از ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ...﴾؛ به بعد بیان توحید عملی است.^۴

اگر خالق و مالک و مدبّر و مربّی ما خدای یکتاست و او این چنین نسبت به نگین خلقت، یعنی انسان، عنایت دارد و در هر زمان برترین مربی و مناسب‌ترین برنامه را تأمین کرده است؛

۱. همان‌گونه که مدیر خبره و کار آموزده برای باسواد شدن دانش پژوهان، فضای مناسب درسی، کتاب و محتوای لازم، استادان و مربیان متناسب با این هدف (لطف مُحْصِل) و همچنین عوامل ترغیب و تشویق دانشجویان، مثل پایه‌های درسی، آزمون‌ها و جوایز را در نظر می‌گیرد تا زمینه باسوادی فراهم و حجت بر آنان تمام باشد. (لطف مُقَرَّب).

۲. آن چه بیان شد، تبیینی است از برهان لطف. (ر.ک: یوسفیان، مهدی، قاعده لطف و اثبات وجود امام حی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۵).

۳. «یگانه شدن» انسان، یعنی سبک زندگی موحدانه، و در همه امور خدا را در نظر گرفتن.

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۹۷.

پس یکتا راه رُشد و رستگاری ما فرمانبرداری از اوست و در یک کلمه «عبد الله» شدن است و این، یعنی «توحید عملی»؛

توحید عملی، یعنی زندگی موحدانه و اطاعت از خالق یکتا در همه عرصه‌های زندگی. پس آن‌گاه که خدای حکیم، انسان کاملی را به عنوان «ولی» و «امام» قرار داد و اطاعتش را بر امت واجب کرد؛ اقتضای توحید، اطاعت از چنین امامی است و عبودیت و بندگی خدا با اطاعت از «حجت حی‌الاهی» تحقق می‌یابد. بدین سبب، با بعثت رسول خدا ﷺ قرآن می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۱ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است؛ همچنین فرمود: «بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد»^۲

آن چه در سوره مبارکه حمد شایان دقت است، این که وقتی می‌گوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، فقط تو را عبادت می‌کنیم (توحید در عبادت) و در ادامه می‌گوییم: «وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و فقط از تو استمداد می‌طلبیم. یعنی در عبد محض خدا شدن و دستیابی به قلّه توحید عبادی باید از خدا استمداد بجوییم. آن چه در ادامه سوره ملاحظه می‌شود. همان کمک خدا در راه رسیدن به توحید است که به عنوان «صراط مستقیم» مطرح شده است؛ و راه مستقیم رسیدن به توحید، «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است؛ راه کسانی که خدا بر آنان نعمت (ولایت) عطا کرده است؛ نه مورد غضب خدا هستند و نه گمراهند؛ و اینان همان «حجت‌های الاهی» هستند.

قرآن در مورد اهل کتاب که خدا و پیامبران به جز رسول خدا و کتاب‌های آسمانی به جز قرآن را قبول دارند می‌فرماید: اینان دین ندارند!

بجنگید با آنان که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و رسول حرام کرده است، حرام نمی‌دانند، و به دین حق گردن نمی‌نهند؛ از کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده تا جزیه

۱. نساء: ۸۰.

۲. آل عمران: ۳۱.

معین را با دست بدهند؛ در حالی که به حکومت اسلامی خاضع هستند.^۱
 امام رضا علیه السلام ذیل آیه شریفه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۲؛ فرمودند:

مراد از «فطرت الله»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و «عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» است.^۳
 سپس فرمودند: «إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدُ» توحید تا این جاست؛^۳ یعنی با پذیرش ولایت، توحید شکل می‌گیرد.

از این رو، در نیشابور هم پس از بیان حدیث نورانی سلسله الذهب: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَنَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي»؛ فرمودند: «بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»؛ یعنی ورود به دژ و قلعه مستحکم توحید و نجات از عذاب، شروطی دارد و از جمله آن شروط من هستم.^۴ یعنی توحید با پذیرش ولایت حجت حیّ زمان، تحقق می‌گیرد؛ چرا که نفی «وَلِيِّ اللَّهِ» نفی «اللَّهُ» است؛ همان‌گونه که ردّ سفیر یک کشور به معنای اعلام جنگ با آن کشور است.

موسی بغدادی می‌گوید:

از امام عسکری علیه السلام چنین شنیدم: گویا شما را می‌بینم که پس از من درباره جانشین من اختلاف می‌کنید؛ آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا مقرر باشد؛ اما منکر فرزندم شود، مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد؛ اما نبوت رسول اکرم را انکار کند و منکر رسول خدا مانند کسی است که جمیع انبیای الهی را انکار کند؛ زیرا اطاعت از آخر ما مانند اطاعت از اول ماست و منکر آخر ما مانند منکر اول ماست.^۵

امروز اطاعت خدا با اطاعت از حجت حیّ زمان، حضرت مهدی علیه السلام قابل تحقق است؛ او «ولی

۱. توبه: ۲۹.

۲. روم: ۳۰.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۷.

۴. همان، ص ۸.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

الله است؛ یعنی اگر «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آن‌ها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد.»^۱ در عالم اسباب و مسببات، مظهر این ولایت، امام زمان است و تنها و تنها از طریق او می‌توان حرکت از تاریکی‌ها به سمت نور توحید را آغاز کرد و ادامه داد.

در زمینه جایگاه حجت حئی الهی، اگر هیچ بیانی جز حدیث نورانی «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲ نداشتیم؛ کافی بود تا بر اهمیت و جایگاه این عقیده واقف شویم. اگر نظام امامت شکل نگیرد، جاهلیت و طاغوت جامعه را در بر می‌گیرد؛ زمان امام صادق علیه السلام، ایشان امام حاضر بود؛ اما امامت غایب بود؛ زیرا مردم ایشان را در تحقق نظام ولایت و امامت یاری نکردند و همچنان مهوریت امام استمرار پیدا کرد و جاهلیت و طاغوت بر امت اسلام غلبه داشت. قبل از انقلاب اسلامی در ایران اعتقاد به خدا و امام زمان وجود داشت؛ مردم فی الجمله نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند؛ اما در عین حال جاهلیت و طاغوت حاکم بود.

با انقلاب اسلامی توسط امام راحل، و تحقق نظام ولایت فقیه، جامعه به سمت زمینه سازی برای تحقق نظام امامت حرکت کرد. به همین سبب، ایشان در پیام تبریک ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ هجری شمسی فرمودند: صبحگاه ۱۲ فروردین - که روز نخستین حکومت الله است - از بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند.^۳

جایگاه حجت حئی در مورد معاد

بر اساس آن چه در بحث ارتباط توحید با حجت حئی گذشت، طبعاً ابدیت انسان و سعادت و شقاوت و سرنوشت او در عالم آخرت نیز با نوع تعاملش با «ولی زمان» گره می‌خورد؛ چرا که

۱. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷).

۲. کلینی، کافی، ج ۱، کتاب الحججه، باب من مات و لیس له امام، ص ۳۷۷. مسلم، صحیح مسلم، کتاب الامارة، باب وجوب ملازمة المسلمین حدیث: ۳۴۳۷.

۳. بر گرفته از بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی در مراسم رونمایی از تفسیر گرانسنگ تسنیم (دار الشفاء حوزه علمیه قم، دوشنبه، ۶ اسفندماه ۱۴۰۳).

آخرت، بازتاب و ثمرهٔ انتخاب‌ها و عملکردهای انسان در عالم دنیا است.

با نفخ صور و زنده شدن خلق اولین و آخرین، اولین سؤالی که انسان با آن مواجه می‌شود؛ این است که امامت که بود؟

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۱ [به یاد آورید] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! اگر امام حق را شناخته و مأمومش گشته باشد، نامه اش به دست راستش داده می‌شود و اهل سعادت و نجات خواهد بود؛ ﴿فَسَنُؤْتِيكِ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۲ و اگر نسبت به شناخت چنین امامی ناآگاه و غافل بوده، کور وارد صحرائی محشر می‌شود و وضعیت بسیار سختی را در پیش رو خواهد داشت؛ ﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾^۳

امام محمد باقر^{علیه السلام} می‌فرماید: وقتی آیه ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾ نازل شد، مسلمانان عرض کردند: ای رسول خدا! آیا شما امام همهٔ مردم نیستید؟! حضرت فرمودند: «من رسول خدا به سوی همهٔ مردم هستم؛ ولی پس از من از سوی خدا پیشوایانی از اهل بیتم بر مردم خواهند بود که پیشوایان کفر و گمراهی و پیروانشان، آنان را تکذیب و به ایشان ستم می‌کنند. پس کسی که ولایت چنین امامان را بپذیرد و از آنان پیروی و تصدیق کند از من و با من خواهد بود و مرا ملاقات خواهد کرد آگاه باشید کسی که به آنان ستم و تکذیب کند از من و با من نیست و من از او بیزار خواهم بود.»^۴

طبق این بیان، انسان برای رسیدن به بالاترین درجه، یعنی همراهی با اشرف مخلوقات در زندگی ابدی، باید عالم را بر اساس معادلهٔ حق و باطل بنگرد و آگاهانه حق را انتخاب و دیگران را نیز در این مسیر یاری کند و با تمام داشتهٔ خود مدافع و ناصر حجت حیّ زمانش باشد.

۱. اسراء: ۷۱.

۲. همان.

۳. همان: ۷۲.

۴. کافی: ج ۱، ص ۲۱۵.

جایگاه حجت حی نسبت به فروع دین

زراره از امام محمد باقر^{علیه السلام} و امام صادق^{علیه السلام} نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «اسلام بر پنج چیز استوار گشته است: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت.» زراره پرسید: کدامیک از این‌ها برتر است؟ امام فرمودند: «ولایت افضل است زیرا ولایت، کلید همه این‌ها و دلیل و راهنمای همه این‌هاست.»^۱

یعنی ولایت به منزله نخ تسبیح فروع دین است. تمام اعمال عبادی اگر در بستر «ولایت حجت حی خدا» انجام گیرد، عبودیت و بندگی خدا محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت، همان اعمال، معصیت خواهد بود و هرچه بیش‌تر در اجرای این اعمال بکوشد، از مقصد دورتر خواهد شد.^۲

تعلیل امام نسبت به جایگاه ولایت: «لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْنَ»، اهمیت بی‌نظیر آن را نشان می‌دهد. ولایت، کلید ورود به سرزمین عطرآگین و نورانی عبودیت و بندگی خداست و با پذیرش آن و سلمان گونه پا جای پای «ولی خدا» گذاشتن، حرکت توحیدی انسان شکل می‌گیرد و قدر و منزلت می‌یابد.

جان کلام این که تمام آموزه‌های قرآنی، بر محور «ولایت حجت حی» تعریف می‌شود؛ چرا که سعادت و شقاوت انسان با نوع تعامل با ایشان گره خورده و دشمن قسم خورده انسان، دقیقاً همین را هدف قرار داده است و با قطع ارتباط انسان با ولی اش به هدف خود دست یافته و نه تنها دیگر نگران چیزی نیست، بلکه چنین انسانی را به انجام دادن ظواهر دین تشویق کرده تا دچار وارونگی شده و خود را در مسیر حق و ولایتمداران را مشرک و گمراه بدانند!

راهکار قرآن برای تبیین جایگاه حجت حی با بیان سرگذشت امت‌های قبل

قرآن در ماجراهایی که از امت‌های گذشته بیان کرده است، رویکرد تاریخی ندارد، بلکه

۱. همان، ج ۲، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳.

شخصیت اصلی ماجرا «حجت الاهی» است و نوع تعامل مردم با او و نقش جهالت و رذایل اخلاقی و زمینه‌هایی را که خواسته یا ناخواسته برای نفوذ شیاطین جن و انس ایجاد می‌شود، به تصویر می‌کشد.

تمام سرگذشت پیشینیان و ماجراهای امت‌های گذشته که در قرآن بیان شده است، در واقع آموزش «زیست ولایت‌مدرانه» است و «چیستی، چرایی و چگونگی اطاعت از امام زمان (عج)» را به ما یاد می‌دهد.

واژه «امت» به معنای آن چه به طور معین و مشخص مورد قصد قرار می‌گیرد، می‌باشد؛ چه این که متشکل از افراد یا قطعات زمان یا عقیده و فکر و یا حتی فردی باشد که مورد توجه خاص قرار گرفته است و «امام»، یعنی کسی یا چیزی که مورد قصد و توجه خاص قرار می‌گیرد.^۱

در قرآن واژه «امت» حدود ۵۵ بار به صورت مفرد و ۱۰ بار به صورت جمع ذکر شده است. پیام چنین تعبیری در مورد جامعه انسانی، این است که برای آنان، هدف و مقصدی در نظر گرفته شده و همانند مسافران یک کشتی سرنوشتشان به هم پیوند خورده و لازم است در فرصت‌ها و تهدیدهایی که در پیش رو دارند و برای به پای داشتن خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها یار و یاور همدیگر باشند.^۲

با توجه به این معنا، «امت» بدون «امام» ابتر است و در رسیدن به مقصد ناکام خواهد ماند. بدین سبب است که عالم انسانی هرگز از وجود «امام امت» و رهبر آسمانی بی بهره نبوده است؛ امامی که نقش مرئی را داراست و با علم و آگاهی لازم و رها بودن از هواها و نفسانیات با داشتن مقام والای عصمت، تمام هم و غم او رشد و تعالی جامعه بشری است و نسبت به ما از خود ما مهربان‌تر و دلسوزتر است؛^۳ زیرا علم و آگاهی اش نسبت به خواسته‌های واقعی ما بیش‌تر و فراگیرتر است و از دیگر سو، مظهر اسما و صفات الاهی است و بی نیاز از ما. از این رو، امام برای ما

۱. مصطفوی، التحقیق، ج ۱، ص ۱۴۹ ذیل واژه «ام».

۲. آل عمران: ۱۰۴.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۴۳.

همانند «پدری دلسوز، برادری همزاد و چنان مادری مهربان نسبت به نوزادش و پناه بندگاه خدا در سختی‌ها و شداید است.»^۱

«امت»، متشکل از آحاد انسانی است که هر کدام از نعمت اختیار بهره مند است و از نظر داشته‌های مادی و معنوی در درجات متفاوتی قرار دارد و از دیگر سو، وجود عوامل قوی و متعدد درونی و بیرونی تفرقه سبب می‌شود انسجام و همدلی امت در معرض خطر قرار گیرد. بدین سبب این توقع که هر کدام همچون دانه‌های تسبیح در نخ ولایت قرار گرفته و فرمانبردار «ولّی الله» باشند تا به هدف خلقت دست یابند به سادگی امکان پذیر نیست.

از مهم‌ترین راه حل‌های این معضل، آگاهی بخشی و شناخت عوامل صعود و سقوط امت هاست؛ باید خود را در آینه امت‌های گذشته ببینند تا از فرجام آنان درس و عبرت لازم را بگیرند؛ و به عبارت دیگر سرگذشت امت‌های قبل را به عنوان تاریخ ننگریم، بلکه خود را در آن شرایط تصور کنیم و راه و رسم سعادت یعنی: تعامل با «حجت حی» را بیاموزیم.

نفس اماره انسان و زمینه نفوذی که از این طریق برای وسوسه‌های شیطان فراهم می‌شود، جبهه دیگری را می‌گشاید که با حسادت نسبت به پرچمداران حق، سعی می‌کنند پرچم دیگری را در مقابل حق، برافراشته کنند و این چنین تقابل حق و باطل در صحنه گیتی شکل می‌گیرد.

استقامت حق مدارن و ایستادگی‌شان در برابر صاحبان زر و زور، سبب رُشد و تقرب آنان به خالقشان خواهد شد. قاعده و قانون الهی در این مصاف آن است که وجود مستمر انسان کامل و طرح و برنامه متناسب با هر زمان با خداست؛ اما به پاداشتن حق، با تبعیت از «ولّی خدا» با مردم است و تا زمانی که مردم بر محور ولایت می‌چرخند و اتحاد و انسجام دارند، از دشمن کاری ساخته نیست؛ اما با مهجوریت حجت خدا، زمینه برای نفوذ دشمن و سیطره و غلبه اش بر جامعه انسانی و نهایتاً بردگی و اسارتشان رقم می‌خورد.

شکل‌گیری «جامعه مؤمنانه» بر محور ولایت ولّی خدا و تلاش جمعی در مسیر اقامه قسط، همچنین صبر و استقامت بر این راه تا پای جان، شرط تحقق عدالت جهانی است.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

بی تفاوتی و سستی و ظلم پذیری امت سبب مهجوریتِ حجت خدا و نهایتاً موجب محرومیت آنان از حضور حجت خدا و به ناچار امامت غائبانه رقم می‌خورد. بزرگ‌ترین مانع تحقق عدالت جهانی این بود که «بیش‌تر آن‌ها را بر سر پیمان خود نیافتیم، [بلکه] اکثر آن‌ها را فاسق و گنهکار یافتیم!»^۱ و دعای عهد برای درمان این درد است. حفظ و تقویت «جامعه مؤمنانه» رسالت و وظیفه هر مؤمنی است. بدین سبب دین مبین اسلام بر وحدت و همدلی و پرهیز از تفرقه تأکید ویژه ای دارد و زیارت خالصانه مؤمنان نسبت به همدیگر به منزله زیارت خدا^۲ و عداوت نسبت به همدیگر عداوت با خدا تلقی شده است.^۳ به همین دلیل، یکی از اهداف مهم بیان سرگذشت پیشینیان در قرآن، توجه به همین خلأ و عبرت گرفتن از ناکامی‌ها و شکست‌های جبهه حق است و با چنین نگاهی لازم است ماجراهای امت‌های قبل را در قرآن مورد دقت قرار دهیم.

چهار نقش آفرین در جامعه بشری

۱. خدا

«الله» تبارک و تعالی عنایت تام نسبت به سعادت و رستگاری آفریده اش دارد و بدین سبب در هر زمان، برترین انسان را برگزیده تا با در اختیار داشتن مناسب‌ترین برنامه، زمینه رشد انسان فراهم و حجت بر او تمام باشد.^۴

توجه به سنت‌های حکیمانه و تغییر ناپذیرِ الهی^۵ در زندگی انسان، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در رصد سرگذشت پیشینیان باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. به همین سبب، قرآن، پیوسته تأکید می‌کند: «بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند،

۱. اعراف: ۱۰۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷۶، باب زیارة الإخوان.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۰۰.

۴. نک: نساء، ۱۶۵.

۵. «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»، فاطر: ۴۳.

چگونه بود! بیش تر آن‌ها مشرک بودند!»^۱

۲. ولی خدا

خدای عزّ و جلّ، وجود نامحدود است و برای هدایت موجود محدود، نیازمند واسطه‌ای هستیم که از سویی آیینۀ تمام نمای خالق است و از چنان مقام و منزلتی برخوردار است که می‌تواند فیض را از ذات ربوبی دریافت کند و از سوی دیگر، به دلیل این که مخلوق و محدود است، مردم می‌توانند از طریق او معرفت تفصیلی نسبت به خالقشان پیدا کنند. به واسطه او که شاخص حق است و داری عصمت؛ حق را بفهمند و در هر زمان رضای خدا را از این طریق کشف و مسیر هدایت را از طریق این الگوی الاهی، به درستی طی کنند.

شایان ذکر است که مَثَلِ امام، مَثَلِ کعبه است؛^۲ امت باید پروانه وجودش شوند تا امور سامان یابد.

۳. شیطان

با فرمان الاهی مبنی بر سجده به آدم، غرور و تکبر ابلیس سبب شد^۳ از امتثال این فرمان حکیمانه و صعود به مرتبه‌ای بالاتر باز بماند و با چنین عصیانی سقوط کرد و از درگاه الاهی رانده شد.

این رذیله اخلاقی او را به سمت لجاجت سوق داد و به فکر انتقام از مسجود ملائک افتاد. بدین سبب پس از مهلت گرفتن از خدا، گفت:

اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن‌ها [=فرزندان آدم] کمین می‌کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها، به سراغشان می‌روم و

۱. روم: ۴۲.

۲. «قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي (فاطمه زهرا) فَمَا بَالُهُ قَعَدَ عَن حَقِّهِ قَالَتْ يَا بَا عُمَرَ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَنْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي» بحار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

۳. اعراف، آیات ۱۱ به بعد.

بیش‌تر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت!^۱

در پی این تهدید، زنگ هشدار قرآن به صدا در می‌آید: «ای فرزندان آدم! مبادا شیطان فریبتان دهد، آن گونه که پدر و مادر [نخستین] شما را از بهشت بیرون کرد، [با وسوسه‌ی خوردن از آن درخت] لباس را از تن آن دو برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان آشکار سازد. همانا شیطان و گروهش شما را از آن‌جا که شما آن‌ها را نمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را دوستان و سرپرستان کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار دادیم.»^۲

اساسی‌ترین مطلبی که پیروان حق در ارزیابی وضعیت امت‌های گذشته باید تیزبینانه و هوشمندانه بنگرند، نقش شیاطین جن و انس است چرا که آنان «وسوسه‌گران پنهانکارند»^۳ و جز اهل بصیرت متوجه نقش آفرینی آنان نمی‌شوند.

۴. انسان

از منظر قرآن، مقام و منزلت انسان در بلندترین قله‌ی رستگاری دیده شده و همه امکانات برای صعودش فراهم گشته است. از ضروری‌ترین عوامل رُشدِ انسان، آگاهی و بصیرت است و جهل و غفلت نیز از مهلک‌ترین اسباب سقوط اوست. انسان شناسی زمینه و پایه‌ی همه‌ی معارف است^۴ و بدون آن نمی‌توان توقع نجات و سعادت داشت.

کمال طلبی نامحدود، سیری ناپذیری، حُبّ بقا و میل به جاودانگی، حقیقت‌جویی، قدرت طلبی، عواطف و احساسات قوی، و اموری از این قبیل، آیات انفسی و درونی است، با شناخت دقیق از خود، می‌توان این امید را داشت تا در دار انتخاب، زیباترین و سعادت‌بخش‌ترین انتخاب‌ها را رقم بزنیم.^۵

۱. همان، آیات ۱۶ به بعد.

۲. اعراف: ۲۷.

۳. ﴿مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ ناس: ۴.

۴. ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۶۹، ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده.

۵. ر.ک: مصباح، انسان‌شناسی در قرآن، نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

لازم است حق جویان موارد ذیل را در نحوه تعامل امت‌ها با حجت حیّ زمانشان مورد مذاقّه قرار دهند:

الف) تحلیل ترک فعل‌ها و سستی‌ها در اطاعت از حجت خدا؛

ب) عصیان و نافرمانی در برابر حجت خدا، علل و عوامل؛

ج) بررسی فرجام پیروان و مخالفان.

در بررسی سرگذشت پیشینیان، باید نقش هر یک از نقش‌آفرینان چهارگانه مذکور را با دقت ارزیابی کرد و عوامل صعود و سقوط امت‌ها را شناسایی و شامه دشمن شناسی را تقویت کرد و نهایتاً به «مهارتِ ژشد» دست یافت.

با توجه به آن چه گذشت با چنین دید و نگاهی باید سرگذشت امت‌های قبل در قرآن را مورد بررسی قرار داد و از نجات مسافران کشتی حضرت نوح و سوء فرجام متمردان، از جمله فرزند حضرت، علت نزول عذاب بر قوم حضرت هود و حضرت صالح و حضرت شعیب، گرفتار شدن بنی اسرائیل در وادی «تیه»، تجلیل قرآن از حبیب نجار، مؤمن آل فرعون، آسیه خاتون و امثال آنان و اموری از این قبیل، رمز گشایی کرد و رابطه فرجام اشخاص و امت‌ها را با نوع تعاملشان با حجت حیّ زمانشان مورد ارزیابی قرار داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه حجت حئی در نظام دین و رابطه دینداری با این باور، می‌توان نتیجه گرفت که اعتقاد به «حجت حئی الاهی» جزئی از اجزای دین نیست، بلکه وجه دین و آستانه ورود به دین مرضی خداست. ولایت چنین حجت و امامی از سوی خدا، به منزله نخ تسبیح دین خواهد بود و دینداری تحت ولایت او عامل صعود امت و مهجوریت و خروج امت از این مسیر، سبب سقوطشان خواهد شد.

توحید عملی با تبعیت از چنین حجتی عملیاتی می‌شود و سعادت و شقاوت انسان در حیات ابدی اش در گرو نوع تعامل با امام زمانش خواهد بود و همه فروع دین در بستر ولایت، عبودیت و بندگی خدا محسوب می‌شود.

وقتی جایگاه حجت حئی را به قرآن عرضه می‌کنیم؛ ملاحظه می‌شود که گویا قرآن تماماً در پی فهم این معنا به ماست.

تبیین آثار و برکات مادی و معنوی ولایتمداری و بیان هنرمندانه پیام قرآن در گفتمان «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَّكُمْ» می‌تواند در بیداری ملت‌ها، زمینه‌سازی ظهور و تعجیل فرج نقش کلیدی ایفا کند.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، **اللهوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه فهری، تهران، ۱۳۴۸.
۲. جوادی آملی، عبد الله، **دین شناسی**، تنظیم: مصطفی پور، محمد رضا، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۸.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، (۳۰ جلدی) ج ۱۲، ص ۳۰۰، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۴. سبحانی، جعفر، **محاضرات فی الالهیات**، تلخیص: ربانی، علی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۸ ق.
۵. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، **کمال الدین و تمام النعمة**، ج ۲، ص ۴۰۹، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۶. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۷. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، کتاب الامارة باب وجوب ملازمة المسلمین بیروت، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۱ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۱، کتاب الحجّه، باب من مات و لیس له إمام، ص ۳۷۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۹. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، ج ۳، ص ۲۷۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. مصباح، محمد تقی، **انسان شناسی در قرآن**، تدوین و تنظیم: فتحعلی محمود، تهران، نشر مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۲، ص ۱۹۸، ذیل واژه حجّ، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۱۲. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج ۲۶، ص ۹۷، قم، صدرا، بیتا.
۱۳. سایت مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2605&p=2>

تأثیر اندیشه مقاومت بر تقویت ماهیت و کارکرد انتظارپویا؛ با تکیه بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

مصطفی بهشتی پور^۱

چکیده

خداوند، استقامت در برابر زورگویی را نوعی وظیفه دانسته و به بندگان خویش فرموده است که در برابر بی عدالتی‌ها سر تسلیم فرود نیاورند و با تمام وجود با آن به مقابله بپردازند. «نظریه مقاومت»، همان راهبرد اساسی است که امامین انقلاب اسلامی در مقابل این هجوم، آن را به همگان ارائه و توصیه کردند. با توجه به این که مهدویت و انتظار، از اهداف کلان فرهنگ مقاومت محسوب می‌شود و جایگاه بی بدیل و متقابلی نسبت به هم دارند؛ این سؤال مطرح است که تقویت اندیشه مقاومت، چگونه می‌تواند بر انتظارپویا و فعال تأثیرگذار باشد؟

نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با کمک از منابع کتابخانه‌ای درصدد است به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که ماهیت و مؤلفه‌های انتظار پویا در اندیشه امام خامنه‌ای چیست و تأثیر فرهنگ مقاومت بر تقویت ماهیت و کارکرد انتظارپویا چیست. مقاومت می‌تواند با تقویت عناصر ماهوی انتظار پویا، یعنی انتقاد، اعتقاد، اعتماد و اشتیاق و در کارکرد عینی با تحول در گفتمان جهانی و تحقق شرایط ظهور و سرعت بخشیدن به آن، تقویت امید و ایمان و روحیه مبارزه در منتظران، تربیت نسل منتظر، بیداری اسلامی و اتحاد و همبستگی مظلومان جهان، تقویت صبر و استقامت و روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه منتظر؛ توان ملت انقلابی و امام زمانی را تا رسیدن به آرمان‌های بلند آن - که تمدن جدید اسلامی و ظهور ولایت عظمای امام عصر است - به صورت مستمر افزایش دهد.

واژگان کلیدی: اندیشه مقاومت، انتظارپویا، مقاومت، مهدویت، آیت‌الله خامنه‌ای.

مقدمه

مقاومت که بر آموزه‌های قرآنی و الهی مبتنی است، به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شناخته می‌شود. در جهان اسلام در عصر کنونی، به رغم پیشرفت‌های صنعتی. علمی که باید بشر در سایه این پیشرفت‌ها به جهان انسانی مطلوب دست می‌یافت؛ اما آدمی به خاطر دست زدن به ستمگری و فساد و جنگ و کشتار، چنان‌که در قرآن بدان اشاره شده است: «مَنْ يُفْسِدْ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ»؛ کسی که تباہکاری کند و خون‌ها ریزد^۱؛ روز به روز از ماهیت انسانی و الهی خود دور گشته و به دره نابودی و سیاهی خودش را نزدیک کرده است. در چنین عصری ضرورت پیدا کردن راه برون‌رفت از این سیاهی‌ها و تباہی‌ها و بازگشت به انسانیت، از دغدغه‌های جدی انسان معاصر محسوب می‌شود.

مطالعه قرآن کریم نشان می‌دهد ایستادگی و پایداری در مقابل دشمنان از منظر اسلام از اهمیتی بالا برخوردار است؛ زیرا در فرهنگ قرآن کریم همه مسلمانان به رعایت دو عنصر «تولاً» و «تبراً» مکلف هستند و از دوستی با غیرمسلمانان و رفتن به زیر بار حاکمیت آنان نهی شده‌اند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي»^۲

بنابراین، نمی‌توان ادعای انتظار و اصلاح‌گری در مسیر حاکمیت قرآن و مهدویت را ادعا داشت؛ اما در عمل به آن پایبند نبود. آیات متعددی دیگری هم در قرآن کریم بر ضرورت ایستادگی و مبارزه با ظلم تأکید دارند؛ از جمله آیه ۳۹ سوره حج «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ حُرِّمُوا...» که این آیه نشان‌دهنده جواز و مشروعیت مقاومت در برابر ظلم است.

در مواجهه با حملات همه‌جانبه و انواع ترفندهای سیاسی، نظامی اقتصادی و فرهنگی بود که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی و پس از وی، خلف صالح ایشان،

۱. بقره: ۳۰.

۲. ممتحنه: ۱.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با طرح اندیشه «مقاومت» در مقابل این هجوم همه جانبه دشمنان صف آرایی کردند و نزدیک به نیم قرن، انقلاب اسلامی ایران را به سمت اهداف و آرمان‌های آن با همه فرازها و فرودها به پیش بردند. از همین رو امام خامنه‌ای چنین تأکید دارند:

نظریه مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه را تبلیغ کنید؛ ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل ما عقب نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه مقاومت یک نظریه اصیل و درست است؛ هم درمقام نظر، هم درمقام عمل.^۱

مقام معظم رهبری فرموده است:

تنها راه، مقاومت است و آن چیزی که امروز آمریکا را و متحدینش را دست پاچه کرده که به حرف‌های یاوه متوسل می‌شوند؛ به کارهای غلط متوسل می‌شوند؛ ایستادگی ملت‌های مسلمان است و این ایستادگی نتیجه خواهد داد.^۲

در جای دیگر فرموده است:

فقط با ایستادگی و مقاومت است که یک ملت می‌تواند روی پای خود بایستد؛ حق انسانی خود را به دست آورد و زندگی افتخار آمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است؛ کسب کند.^۳

در آموزه‌های اسلامی، مقاومت یکی از اصول بنیادین برای مقابله با ظلم و برپایی عدالت است. این اصل، در مفاهیمی همچون توحید، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و حمایت از مستضعفان ریشه دارد. مقاومت در برابر ظلم، در قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی معرفی شده است.

۱. بیانات معظم له ۰۴/۰۹/۱۳۹۷.

۲. بیانات معظم له ۲۹/۰۵/۱۳۷۶.

۳. بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۲/۸/۱۳۹۷.

از نظر غایی و کارکردی، مقاومت، هدفی فراتر از مبارزه با ظلم دارد و آن، برپایی عدالت و آمادگی برای ظهور منجی است. از طرف دیگر ماهیت انتظار، مفهومی پویا و تحول آفرین است که علاوه بر بُعد اعتقادی، مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود. این مفهوم در قرآن و سنت، به عنوان نیرویی برای اصلاح جامعه و مقابله با فساد، مورد تأکید قرار گرفته است. انتظار در اسلام، مفهومی فعال است که منتظران را به تلاش در جهت تحقق اهداف الهی سوق می‌دهد.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند:

«انتظروا الفرج، ولا تياسوا من روح الله، فإن أحب الأعمال إلى الله انتظار الفرج.»^۱

این بیان، نشان می‌دهد که انتظار نه تنها نوعی امیدواری ذهنی، بلکه عملی پیوسته برای تغییر وضعیت است. از وجه دیگر، هدف اصلی انتظار، برپایی عدالت جهانی تحت رهبری امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام است. قرآن کریم در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

این آیه، وعده الهی برای حکومت صالحان و برپایی عدالت در سراسر جهان را مطرح می‌کند که وصف «صالحون» اشاره به لزوم وجود افراد صالح و دارای صلاحیت قبل از ظهور می‌باشد.

قرآن کریم در مورد ویژگی‌های «صالحون» در آیه ۱۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید:

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در اجرای کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ و آن‌ها از صالحانند.

طبق این آیه شریفه، امر به معروف و ناهی از منکر بودن و پیشی گرفتن در انجام دادن خوبی‌ها از شاخصه‌های صالحون در قرآن کریم می‌باشد که با در نظر گرفتن مراحل قلبی، لسانی و عملی

۱. منتظر فرج باشید، و از روح خدا مأیوس نشوید، که محبوب‌ترین اعمال در پیشگاه خدا انتظار فرج است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۳).

امربه معروف و نهی ازمنکر و در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، باید صالحان و منتظران ظهور، دارای اندیشه مقاومت در هر زمانی باشند.

اندیشه رهبر معظم انقلاب از آن لحاظ دارای اهمیت است که ایشان از زمره عالمان و دانشمندانی هستند که هم در بعد بهره‌مندی از علوم و فنون استنباط مجتهدانه از متون دینی و هم از لحاظ داشتن منظومه فکری و نگاه جامع، زبانزد خاص و عام و اندیشمندان داخلی و خارجی هستند و در زمینه انتظارپویا و خصوصا اندیشه مقاومت، بیاناتی کامل و با سبک و سیاقی جدید ارائه کرده‌اند. علاوه بر این دو ویژگی، جنبه سومی وجود دارد که بررسی اندیشه‌های ایشان را در زمینه مقاومت و مهدویت ضروری می‌نمایاند و آن جایگاه زعامت و رهبری انقلاب اسلامی ایران است که پس از چهار دهه از وقوع این انقلاب تأثیر شگرف آن همچنان بر جهان و معادلات آن و برای نخبگان جلوه‌نمایی می‌کند. علاوه بر اصل وقوع انقلاب، امروزه همگان معتقدند که آنچه باعث ثبات جمهوری اسلامی و صدور محتوای انقلابی آن به دنیا شده است؛ موضع‌گیری‌های حکیمانه رهبر انقلاب بوده که در ادامه همان خطی مشی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، یعنی امام خمینی بوده است. آنچه در خوانش جامع اندیشه‌های مهدوی و منتظرانه مقام معظم رهبری اولویت دارد، فهم ماهیت و مؤلفه‌هایی است که در اندیشه انتظارپویا و اندیشه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای وجود دارد.

در موضوع اندیشه مقاومت و مهدویت و انتظار پویا، مقاله «ماهیت و مولفه‌های بنیادین انتظار، در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، نوشته حسن ملایی به تعریف انتظارپویا و سازنده ازمنظر رهبرانقلاب و با مولفه‌های انتقاد، اعتقاد، اعتماد و اشتیاق پرداخته است. در مقاله «محور مقاومت و انتظارپویا در مکتب شهید سلیمانی»، محمدرضا دهشیری به نقش محور مقاومت و شهید سلیمانی در عدالت‌خواهی و نفی نظام سلطه و احیای تمدن اسلامی و انتظار سازنده پرداخته است. مقاله «نقش مهدویت بر اندیشه مقاومت در انقلاب اسلامی، با تأکید بر آرای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، نوشته حسن ملایی، به کارکردها و فواید آموزه مهدویت در تقویت اندیشه مقاومت پرداخته است. نوشتار حاضر باروش توصیفی-تحلیلی و با کمک از منابع کتابخانه‌ای درصدد است به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که ماهیت و مؤلفه‌های انتظار پویا

در اندیشه امام خامنه‌ای کدام‌اند و تأثیر فرهنگ مقاومت در تقویت ماهیت و کارکرد انتظار پویا چیست.

مفهوم شناسی واژگان

۱. مقاومت و ایستادگی: مقاومت از ماده «قوم» گرفته شده و برخی لغویان زبان عربی، مصدر قیام را نقیض جلوس (نشستن) معنا کرده‌اند.^۱ برخی دیگر نیز برای این ریشه معنای مداومت و ثبوت را قائل هستند.^۲ در زبان فارسی نیز این کلمه به ایستادگی، پافشاری استقامت و پایداری معنا شده است.^۳

تاکتیک‌های متنوع جبهه حق در برابر سلطه باطل، جان مایه شکل‌گیری فرهنگی در عرصه‌های مختلف زندگی شیعیان گشت. این فرهنگ عمومی که از آن به «فرهنگ مقاومت» تعبیر می‌کنیم، به عنوان اصلی راهبردی، رهگشای شیعیان در برهه‌های تاریخی پس از عصر معصومان می‌باشد. این فرهنگ، چنان گسترده و وسیع است که مبارزه فیزیکی در میدان جهاد، تنها یکی از راهبردهای مقاومتی آن محسوب می‌شود و مراد از اندیشه مقاومت، فرهنگ صبر و استقامت و دفاع قرآنی، در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و غیره در برابر ظالمان و دشمنان اسلام برای رسیدن به هدف می‌باشد.

با بررسی جملات اندیشمندان مختلف می‌توان گفت مقاومت در اصطلاح امروزی مسلمانان عبارت است از: ایستادگی در برابر سلطه جویی مستکبران در عرصه‌های مختلف؛ کما این‌که در بیانات مختلف امامین انقلاب این معنا به دست می‌آید. امام خمینی ضمن یک سخنرانی فرمودند:

از مردم ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی

۱. محمد بن منظور، لسان العرب، ذیل ماده «قوم».

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ذیل ماده «قوم».

۳. دهخدا، لغتنامه، ذیل کلمه «مقاومت».

انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است.^۱

رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این زمینه تصریح کردند:

مقاومت در مقابل سلطه استکبار، یکی از اهداف انقلاب است. طبیعت استکبار، سلطه است. دنبال سلطه است، دنبال فراگیر کردن سلطه است. هر ملتی و هر نظامی که مقاومت نکند، اسیر خواهد شد و در کمند آن‌ها خواهد افتاد.^۲

مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن مستکبر، یکی از عناصر پر اهمیت برای دستیابی به آرمان‌ها محسوب می‌شود و حفظ و تقویت آن از همین رو است.

۲. ماهیت، یعنی حقیقت و نهاد و ذات چیزی^۳ حقیقت، طبیعت، نهاد، سرشت^۴ و در نوشتار حاضر، یعنی حقیقت و مولفه‌های بحث انتظارپویا.

۳. انتظارپویا: واژه انتظار از واژگان مهم در منظومه تفکر مهدوی محسوب می‌شود و در تبیین تاثیر مهدویت بر مقاومت جایگاهی کاربردی ویژه دارد. امامان شیعه تربیت نظام فکری شیعه را بر اساس اصل اساسی انتظار پایه گذاری کرده‌اند. علی بن یقین از امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند که شیعه با آرزوها تربیت شده است تا هیچ‌گاه گفتمان انتظار به یأس مبدل نگردد: «الشَّيْعَةُ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مُنْذُ مَائَتَيْ سَنَةٍ؛ دو بیست سال است که شیعه به آرزوها تربیت می‌شود.»^۵

یکی از تأکیدهای مهم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله «انتظار»، شناخت معنای دقیق آن است تا جایی که ایشان در لزوم شناخت ماهیت انتظار می‌فرمایند:

انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۱۷.

۲. بیانات رهبری ۱۳۹۵/۳/۶.

۳. فرهنگ معین ذیل واژه.

۴. فرهنگ عمید ذیل واژه.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

اسلام است.^۱

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

دو جور برداشت از قضیه انتظار و ترقب ظهور امام زمان می‌شود داشت: یک برداشت منفی و یک برداشت مثبت. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سال‌های متمادی کوشش می‌کردند به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه و ما چه کاره هستیم که در مقابل ظلم، فساد، کفر، بدی و شرارت بایستیم. ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان خودش بیاید و مشکل را حل کند این برداشت منفی است. این همان برداشتی است که در طول سالیان متمادی سعی کردند در ذهن مردم مسلمان این را وارد کنند. سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت‌ها و بدی‌های موجود در جامعه یک برداشت، برداشت مثبت و صحیح است و آن این است که اگر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام خواهد آمد، پس هر حرکتی و هر مبارزه‌ای یک امیدی و یک آینده روشنی برای خود خواهد داشت.^۲

نکته بسیار مهمی که در شناخت ماهیت انتظار و کاربردی کردن آن در روش زندگی باید به آن توجه کرد، فضایی است که انتظار ظهور در آن فضا مطرح می‌شود. یکی از وصف‌هایی که در مورد انتظار فرج در روایات ذکر شده، وصف انتظار به عمل و تلاش است. در سخنان مهدوی معصومان عباراتی شبیه «أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج» مشاهده می‌کنید که انتظار را از حالت درونی محض بیرون آورده و گویای همراهی انتظار با مقوله عمل است.^۳ همین نکته در سخنان رهبر معظم انقلاب نیز ملاحظه می‌شود. ایشان در این زمینه چنین بیان کردند:

انتظار یک عمل است. یک آماده‌سازی است. یک تقویت انگیزه در دل و درون

۱. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. ملایی، ما منتظریم، ص ۱۵۷.

۳. خزاز، كفاية الأثر، ص ۲۸۰.

است؛ یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه ها.^۱

در جایی دیگر تصریح کردند:

«انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج محقق خواهد شد؛ مشروط بر این که شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد تلاش باشد انگیزه باشد، حرکت باشد.^۲»

نکته مهم دیگری که در فهم حقیقت انتظار ظهور باید توجه کرد، آن است که حتی مطلق عمل را در فهم مقوله انتظار نمی‌توانیم مورد نظر قرار دهیم، بلکه ما قائلیم عمل و تلاشی بر درک انتظار مؤثر است که جهت دار و در تقابل با دشمن باشد؛ زیرا نگرش تطبیقی که بین روایات مربوط به انتظار وجود دارد، نشان دهنده نوعی ارتباط و همراهی انتظار با مقوله جهاد، علاوه بر عمل می‌باشد. به عنوان نمونه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ». ^۳ همچنین آن حضرت در حدیث دیگری در مورد انتظار فرج، قالب این عمل را جهادی معرفی کرده است: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ». ^۴

در جمع بندی معنای اصطلاحی انتظار می‌توان گفت، انتظار، چشم به راهی قیام قائم، توأم با جهاد و تلاش برای آمادگی فردی و زمینه سازی اجتماعی به منظور شرکت در بزرگ‌ترین حماسه تاریخی نبرد حق و باطل خواهد بود. با این حساب، منتظر همان مجاهد و مبارز و زندگی او، زندگی جهادی معنا خواهد شد. از همین روست که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آیه ۵ سوره مائده را بر یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و فَرَجِ الشَّرِيفِ تطبیق می‌دهند:^۵

«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ «خداوند به زودی گروهی را خواهد

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹.

۲. همان.

۳. صدوق، کمال الدین، وتمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴.

۴. حرانی، تحف العقول، ص ۳۷.

۵. نعمانی، الغيبة، ص ۲۱۶.

آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران، با عزت و درشتخو وسخت‌گیر هستند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند.

معنای حماسی از انتظار در بسیاری از سخنان امام خامنه‌ای نیز به چشم می‌خورد. ایشان در یکی از این بیانات فرمودند:

وعده الهی حق است. و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة الله عَلَيْهِ السَّلَام و وَعِیَّةَ الشَّرِیْف انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.^۱

حال اگر این معنای عمیق از انتظار را در مجموعه معارف مهدویت لحاظ کنیم، ارتباط آن به عنصر مقاومت اسلامی روشن تر خواهد بود. با بررسی ماهیت انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اکنون می‌توان ماهیت و مولفه‌های انتظار را در اندیشه ایشان با آسانی بیش‌تری شناسایی کرد. مقصود از «مؤلفه‌های انتظار» ظهور حضرت مهدی موعود، یافتن عناصری هستند که به مثابه ارکان انتظار بوده و از به هم پیوستگی آن‌ها، گوهر گرانبمایه‌ای به نام «انتظار» ایجاد می‌شود. با این توضیح اهم مؤلفه‌های انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از اعتقاد، انتقاد، اعتماد و اشتیاق. هر کدام از این واژگان نیازمند توضیحاتی است که در ذیل آن، نقش اندیشه مقاومت در تقویت هریک از آن‌ها بیان خواهد شد.

تأثیر اندیشه مقاومت بر تقویت ماهیت انتظارپویا

۱. تقویت اعتقاد

اولین مؤلفه انتظار فرج را باید در عقایدی چون توحید و ایمان به وعده الهی درباره حکومت جهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دانست؛ زیرا اولاً انتظار، بعد از باور به امری مسلم، در ذهن آدمی

۱. بیانات در ۱۳۶۸/۴/۸.

شکل می‌گیرد و ثانیاً، خداوند متعال درباره پدیده ظهور وعده فرموده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً و یقیناً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد.^۱

به همین دلیل، اعتقاد مسلمانان بر این حقیقت است که خداوند هیچ گاه خلف وعده نمی‌کند. با این وجود مبانی مهدویت ممکن است با مکر و خدعه روشنفکران وابسته به مستکبران جهانی مورد خدشه قرار گیرد. به همین دلیل، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تذکر به این‌که هر عقیده اصیل و مهمی مورد تهاجم دشمنان قرار می‌گیرد؛ نسبت به این امر هشدار می‌دهند:

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز استکباری دنیا و روشنفکران وابسته به آن‌ها، در سطح عالم این طور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. فکر اعتقاد به مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَحَالُفَهُ، نقطه مقابل این تبلیغات غلط و ظالمانه است.^۲

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه آن است که باورها و عقاید اصیل دیگری نیز هستند که با قرار گرفتن در کنار عقیده مهدویت، باعث شکل‌گیری انتظار فرج می‌شوند و باید سهمی هم برای آن‌ها قائل شد. یکی از آن‌ها باور به توانمندی فوق‌العاده انسان و هدف قرار دادن کمال‌نهایی اوست. از مرور بر احادیث و ادعیه و زیارات مهدوی چنین به نظر می‌آید که کسانی حقیقتاً در زمره منتظران واقعی قرار می‌گیرند که آرمان‌گرا باشند و در زمینه اصلاح امور جامعه به کم‌قانع نباشند و به این ندای فطری خود پاسخ مثبت بدهند. آیت‌الله خامنه‌ای در بسیاری از سخنان

۱. نور: ۵۵.

۲. دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

خود در زمینه مهدویت بر مقوله «آرمان» تأکید داشته و از زوایای مختلفی آن را تبیین کرده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان مقوله مهدویت را مقوله‌ای آرمانی معرفی کرده است که انسان‌ها از ابتدای تاریخ تا امروز آرزوی تحقق عدالت را داشته‌اند.^۱

بر همین مبنا، روشن است تنها کسانی حرکتی اساسی و تعیین کننده برای تحقق آن خواهند داشت که در هدف گذاری برای زندگی خود «تفکری آرمانی» داشته باشند و به منافع خود، آن هم در محدوده دنیا بسنده نکنند. در تفکر مقام معظم رهبری زندگی واقعی، دارای چنین رویکردی است.

عقیده دیگری که در کنار باورداشت مهدویت، بر بارورشدن انتظار تأثیر مهمی دارد، اعتقاد به عالم آخرت و ترجیح فلاح و سعادت اخروی بر مزایای موقت زندگی دنیوی است. مروری بر نصوص مهدوی نشان دهنده این نکته است که جهان بینی مذکور، یکی از ریشه‌های شهادت طلبی در مسیر انتظار ظهور و همراهی با حضرت است که منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه آن را از خداوند متعال مسئلت می‌کنند: «و اجعلنا من أنصاره و أعوانه، الذابین عنه، و المجاهدین فی سبيله، و المستشهدین بین یدیه».^۲

حاصل آن که ایمان به مجموعه‌ای از باورهای اصیل، یکی از مؤلفه‌های اصلی انتظار در آموزه‌های اسلامی و منظومه فکری مقام معظم رهبری است که شکل گیری راهبرد انتظار، بدون آن‌ها ممکن نخواهد بود.

اندیشه مقاومت با اعتقاد به پیروزی نهایی مستضعفان عالم و با تلاش برای تحقق آرمان عدالت و با روحیه شهادت طلبی، بر استمرار و رسوخ این عقیده و این مؤلفه مهم در انتظار پویا کمک می‌کند.

۱. بیانات ۱۳۷۴/۹/۲۹.

۲. ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۱۰۷.

۲. تقویت انتقاد

اساساً مقوله انتظار و چشم به راهی در کسی شکل می‌گیرد که هدفی مطلوب را مورد نظر قرار دهد. این امر بدان معنا است که شخص منتظر، به شناخت‌هایی رسیده است؛ شناخت‌هایی که او را از وضع موجودش ناراضی کرده و نگاهش را به قله مطلوبی معطوف می‌کند. مهم‌ترین این آگاهی‌ها، شناخت استعدادهای درونی است که شخص با تفکر در خویش آن را کشف کرده؛ اما هنوز نتوانسته است آن را در خود به فعلیت برساند. به همین دلیل است که در اسلام بر خودشناسی تأکید فراوانی شده است. شناخت بعدی، آگاهی از وضعیت محیط و اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند و در عین حال که باور دارد بسیاری از استعدادهایش در جامعه می‌تواند شکوفا شود؛ به وضعیت کنونی جامعه خود معترض است؛ مبنی بر این که چرا جریان جامعه آن گونه نیست که باعث به فعلیت رسیدن کامل استعدادهای نهفته او شود و چه بسا روند جامعه از بروز آن‌ها نیز جلوگیری می‌کند. قرآن کریم نیز از این موانع به «اغلال» تعبیر کرده و یکی از رسالت‌های مهم انبیا را زدودن همین غل و زنجیرها دانسته و می‌فرماید:

﴿...وَيَصْعَعُ عَنْهُمْ إِضْرُهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾؛ و بارهای سنگین، و

زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود [از دوش و گردنشان] بر می‌دارد.^۱

همین اعتراض است که او را به انتقاد از خود و از محیط اطراف می‌کشاند.

در اندیشه انتظار مقام معظم رهبری این اعتراض و انتقاد یکی از مؤلفه‌های مهم شکل‌گیری

انتظار است. ایشان در سخنی، این امر را یکی از خصوصیات انتظار برشمرده و می‌فرماید:

یکی از خصوصیات که در حقیقت انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود به اندازه پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه روز این پیشرفت را این تحقق حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود و در جامعه بیش‌تر کند.^۲

۱. اعراف: ۱۵۷.

۲. دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

ایشان در برخی از سخنان خود در زمینه مهدویت به وضعیت موجود جهانی اشاره می‌کنند و با توجه به انسان‌شناسی عمیقی که اسلام عرضه می‌کند؛ جریان فعلی جامعه جهانی و نظم غیر عادلانه حاکم بر آن را که سبب گمراهی بسیاری از انسان‌ها شده است؛ مورد انتقاد قرار داده و می‌فرماید:

انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است.^۱

اندیشه مقاومت با شناخت واقعیت‌های جهان اطراف خود و ظلم‌ها و ستم‌هایی که در زمینه‌های فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و... به مستضعفان و جوامع اسلامی می‌شود و دیدن نقص‌ها و کاستی‌های نظم جهانی موجود، با مقاومت در برابر ظلم و بی‌عدالتی‌ها، این باور و مؤلفه اصلی انتظار پویا را می‌تواند تقویت کند.

۳. تقویت اعتماد

مؤلفه بسیار مهم دیگری که در شکل‌گیری انتظار نقش کلیدی دارد و سیر منطقی آن پس از انتقاد به وضع موجود و اعتقاد به وجود آینده مطلوب است؛ عنصر «اعتماد» به آینده‌ای است که مورد اعتقاد است؛ زیرا حتی در اعتقاد به وضع مطلوب و ناخرسندی از وضع موجود، مادامی که علاوه بر توانایی، نسبت به دستیابی به آینده مطلوب خود اعتماد نداشته باشیم و آن را غیر قابل وصول بباییم؛ در این صورت، نه انتظاری شکل خواهد گرفت و نه حرکتی به سوی مطلوب. در مورد انتظار ظهور و حکومت مهدوی همین قانون حکم فرما است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین تصریح می‌کنند:

انتظار واقعی با اطمینان و اعتماد ملازم است کسی که شما می‌دانید خواهد آمد، انتظارش را می‌کشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد لازمه انتظار است و این هر دو ملازم با امید

۱. دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

است.^۱

ایشان در تبیین همین ارتباط بین عناصر مذکور، معتقد هستند:

این امیدی که در دل یک انسان به وجود می‌آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود و حضور منجی خیلی دارای ارزش و قیمت است و یقیناً مایه حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی است.^۲

اگر به نقش یقین و اعتماد واقف باشیم، اهمیت این عنصر بیش از پیش در شکل‌گیری ماهیت انتظار خود را نشان خواهد داد؛ چرا که «اعتماد» به مثابه سرمایه فرد و جامعه و از عوامل مهم تلاش و تحرک است و بدون آن حرکت مؤثری در فرد و جامعه به وجود نخواهد آمد. به همین دلیل، فراهم کردن اعتماد، به عنوان یکی از زمینه‌های امیدآفرینی و انتظار همواره از بایسته‌های پیشرفت محسوب می‌شود این عنصر کلیدی باعث شده است تا بر خلاف بسیاری از اندیشمندان جهان که دنیا را رو به سقوط و اصلاح آن را ناممکن می‌دانند؛ دانشمندان مسلمان و به خصوص شیعی، با تکیه بر یقین به وعده‌های الهی و اعتماد بر آن، همواره امید به اصلاح را در خود زنده نگه دارند و از فرهنگ انتظار، به عنوان عنصری راهبردی برای اصلاحات اجتماعی بهره ببرند.

این همان نکته راهبردی است که امام خامنه‌ای به خوبی نسبت به آن اشراف داشته و در یکی از سخنان خود، آن را این‌گونه طرح کردند:

برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست؛ بی‌معناست. ما می‌گوییم نخیر؛ می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است.^۳

۱. دیدار در سالروز ولادت امام زمان ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت در روز نیمه شعبان ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۳. بیانات رهبری ۱۳۸۱/۷/۳۰.

اندیشه مقاومت با تقویت و افزایش امید و تزریق روحیه به آزادگان عالم که به دنبال عدالت و نظم عادلانه جهانی هستند، این نوید را می‌دهد که تغییر نظم فعلی جهانی و تک‌جانبه‌گرایی و قلدری کشورهای مستکبر، دور از دسترس و امری غیرقابل رسیدن نیست و در نتیجه زمینه اعتماد کردن به این اندیشه مقدس را هموار می‌سازد.

۴. تقویت اشتیاق

«حب» و «دوستی» از جایگاهی کلیدی در مجموعه معارف دینی و مهدوی برخوردار است. اهمیت تأثیر گذاری آن به حدی است که حضرت باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم اگر سنگی ما را دوست داشته، باشد خداوند او را با ما محشور می‌کند. مگر دین، غیر حب و دوستی است؟! خداوند در قرآن کریم فرموده است: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾؛ بگو اگر خدا را دوست دارید، از من تبعیت کنید؛ خداوند شما را دوست می‌دارد و گناهانتان را می‌بخشد.^۱

از مبانی و مؤلفه‌های گرایش مهم در تحقق انتظار موعود نیز، اشتیاق و علاقه به رخداد ظهور امام زمان علیه السلام است؛ چرا که اعتقاد و اعتماد به وقوع حتمی هر رخداد، مادامی که با شوق و حب دستیابی به آن همراه نباشد، لزوماً انتظار را در درون آدمی نمی‌رویاند. بنابراین، هر منتظری قبل از آن که منتظر باشد، مشتاق خواهد بود.

در بیانات مقام معظم رهبری در زمینه مهدویت نیز، بر این عنصر و مؤلفه تصریح شده و بارها ایشان در صحبت از انتظار امام زمان علیه السلام، از اشتیاق و محبت مردم منتظر نسبت به حضرت مهدی سخن به میان آورده و فرموده‌اند:

«انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷.

الاهی باشد.»^۱

«امروز بحمدالله ملت ما توجهشان به مقوله مهدویت و وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام از همیشه بیش تر است. روزبه روز انسان احساس می کند در دل جوانان، در میان آحاد مردم، شوق و عشق و ارادت و تذکر نسبت به وجود مقدس حضرت حجّت علیه السلام بیش تر می شود.»^۲

اندیشه مقاومت با الهام گیری از هدف نهایی خود که استقرارحکومت جهانی مهدوی می باشد؛ با تربیت نسل مهدوی و مشتاق به ظهور و ترویج نوید فردای بهتر برای جهانیان که از عناصرکلیدی ماهیت انتظار پویا و شخص منتظر می باشد؛ خود را تقویت می کند.

تأثیرات اندیشه مقاومت بر تقویت کارکرد انتظارپویا

ارتباط میان اندیشه مقاومت و انتظار پویا در کارکرد، رابطه ای متقابل است که هر دو یکدیگر را تقویت می کنند. مقاومت، با ایستادگی در برابر ظلم، آرمان های انتظار را در عمل تحقق می بخشد و انتظار، به مقاومت معنا و هدف می بخشد که تفصیل این مباحث ذکر خواهد شد.

۱. انتظار و مقاومت به عنوان دو عامل مکمل دینی: «مقاومت»، مبارزه با ظلم و تلاش برای برپایی عدالت است؛ درحالی که انتظار، هدف نهایی این مبارزه را مشخص می کند. مقاومت اسلامی، با ایستادگی در برابر ظلم و تلاش برای تحقق عدالت، زمینه ساز ظهور امام عصر علیه السلام است. انتظار پویا نیز، مفهومی فعال و تحول آفرین است که با جهاد، مبارزه و تلاش اجتماعی گره خورده است. این دو مفهوم، به عنوان دو نیروی مکمل، جامعه اسلامی را به سوی تحقق وعده الاهی و ظهور منجی آخرالزمان هدایت می کنند.

از طرفی، در میان مبانی دینی انقلاب اسلامی نیز مشاهده می کنیم که آموزه مهدویت و انتظار، یکی از ریشه های اصیل انقلاب اسلامی است که در عین حال نقش هدفی قابل توجه را در آرمان

۱. سخنان مقام معظم رهبری ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۲. دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

انقلاب اسلامی و به تبع آن اندیشه مقاومت خواهد داشت؛ چرا که به فرموده امامین انقلاب، اساساً انقلاب اسلامی به منظور زمینه سازی ظهور امام زمان علیه السلام و با همان شعارها صورت گرفته است. امام خمینی در این مورد فرمودند:

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد. نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود... ما تکلیف داریم. این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، پس دیگر بنشینیم درخانه هایمان، تسبیح را در دست بگیریم و بگوییم: «عَجَلِ عَلٰی فَرَجِهِ»؛ با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید.^۱

حضرت آیت الله خامنه‌ای در سخنان گوناگون و همچنین بیانیه مهم گام دوم انقلاب اسلامی آرمان این انقلاب را «مهدویت» معرفی کردند و فرمودند:

شما باید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیش تر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید.^۲

۲. انتظار و مقاومت به عنوان عامل محرک جامعه اسلامی: منتظر واقعی، کسی است که در برابر ظلم و فساد ساکت نمی ماند و در مسیر تحقق اهداف امام عصر علیه السلام تلاش می کند. جهاد و مقاومت به عنوان راهبرد منتظران است که با آن، آماده سازی جامعه برای ظهور و مقدمات ظهور را دنبال می کنند. جبهه مقاومت، نمونه عملی جهاد در راه خدا و محرک جامعه برای ظهور است. این جهاد، مبارزه با ظلم، ترویج عدالت و حمایت از مستضعفان را شامل می شود.

۳. انتظار و مقاومت به عنوان ابزار تحول اجتماعی: «انتظار» و «مقاومت»، دو نیروی مکمل برای ایجاد تحول اجتماعی هستند. مقاومت، ابزار مبارزه با ظالمان و مستکبران است و انتظار، به این مبارزه هدفی متعالی می دهد و آن را در جهت ظهور امام عصر علیه السلام قرار می دهد. این دو

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۹.

۲. خامنه‌ای، بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب.

مفهوم، در کنار یکدیگر، جامعه‌ای را می‌سازند که بر پایه عدالت، مقاومت در برابر ظلم و امید به آینده‌ای روشن استوار است. به این ترتیب، جبهه مقاومت و انتظار پویا، نه تنها مفاهیمی اعتقادی، بلکه ابزارهایی عملی برای تحقق جامعه آرمانی اسلام هستند. بنابراین، انتظار پویا به معنای منفعل نبودن در دوران غیبت است. در این انتظار، منتظران باید خود را برای یاری امام آماده کنند. جامعه منتظر باید اهل مبارزه با ظلم و تلاش برای گسترش عدالت باشد. انتظار، همانند مقاومت، نوعی جهاد است که در آن منتظران همواره در حال تربیت خود و جامعه هستند.

۴. انتظار و مقاومت و مبارزه با ظلم: «انتظار» در فرهنگ اسلامی، به معنای امید فعال به آینده‌ای روشن است که عدالت در آن بر ظلم پیروز می‌شود. این مفهوم، علاوه بر این که بیانگر امید است، مسئولیت‌هایی عملی را بر دوش منتظران می‌گذارد. از جمله این مسئولیت‌ها، آمادگی برای مقابله با ظلم است. در آموزه‌های دینی، انتظار منجی زمانی حقیقی است که فرد یا جامعه برای مبارزه با ظلم و نابرابری آماده باشد. آیات و روایات فراوانی به این نکته اشاره دارند. قرآن کریم، در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...».

این آیه به قیام برای برپایی عدالت دعوت می‌کند که از اصول کلیدی انتظار است. انتظار، برخلاف تصویری که آن را به سکون و انفعال می‌کشاند، نوعی فعالیت اجتماعی و سیاسی است. امام خمینی می‌فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.»^۱

جبهه مقاومت، مصداق بارز انتظار پویاست؛ زیرا با ایستادگی در برابر طاغوت‌ها که در روایات هم بر مسئله عدالت جهانی بعد از ظهور تاکید شده است؛ به وظیفه اصلی منتظران، یعنی مبارزه با ظلم، جامه عمل می‌پوشاند؛ روحیه استقامت و پایداری را در جامعه زنده می‌کند و به مردم یادآور می‌شود که راه ظهور، از مسیر جهاد و تلاش می‌گذرد. جبهه مقاومت، به عنوان نماد مبارزه با

۱. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴.

ظلم، نشان داده است که چگونه می‌توان آرمان‌های انتظار را در عمل تحقق بخشید.

کارکرد تقویت اندیشه مقاومت برانتظارپویا

پس از بررسی ابعاد گوناگون دو مقوله مقاومت و انتظارپویا، به بررسی تاثیراندیشه مقاومت در تقویت کارکرد انتظارپویا و در عالم خارج می‌پردازیم. به صورت خلاصه، مهم‌ترین کارکردهای عینی مقاومت، بر مقوله انتظار پویا عبارتند از:

۱. **تحول در گفتمان جهانی و تحقق شرایط ظهور:** جبهه مقاومت، گفتمان جدیدی را در برابر نظام سلطه جهانی مطرح کرده است که بر عدالت‌خواهی، حمایت از مظلومان و انتظار منجی الهی مبتنی است. مبارزات مردم فلسطین، لبنان و یمن و... نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت، الهام بخش ملت‌هایی شده است از قاره آمریکا تا قاره آفریقا که با ظلم و مستکبران جهانی حاضر مواجه‌اند. جبهه مقاومت، با احیای ارزش‌های اسلامی و عدالت‌خواهی، جهان را برای پذیرش عدالت مطلق آماده می‌سازد. مقاومت اسلامی، با تلاش برای تشکیل حکومت‌های عادلانه و مستقل، مانند جمهوری اسلامی ایران، نقش کلیدی در تحقق شرایط ظهور اجرا می‌کند. این حکومت‌ها می‌توانند پایگاهی برای قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. از طرف دیگر، جبهه مقاومت، ملت‌های اسلامی را به سمت استقلال از سلطه غرب و شرق سوق می‌دهد. این استقلال، پیش‌نیاز تحقق تمدن اسلامی و قیام جهانی است.

۲. **سرعت بخشیدن به انتظارپویا:** انتظارپویا، جامعه اسلامی را به تلاش برای ایجاد تغییرات اجتماعی و مقابله با ظلم ترغیب می‌کند. این مفهوم، از طریق پیوند با مقاومت اسلامی، نقش مؤثرتری در شکل‌دهی حرکت‌های اجتماعی و سیاسی دارد و به عبارتی، به سرعت و قدرت مقوله انتظارحقیقی و پویا کمک می‌کند.

۳. **تقویت ایمان به وعده‌های الهی در منتظران:** پیروزی‌های جبهه مقاومت، مانند پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه و مقاومت ۵۶ روزه اخیر و یا استقامت مردم غزه، خصوصاً بعد از عملیات طوفان الاقصی و قضایای اخیر و ترور فرماندهان جبهه مقاومت غزه که تعجب دشمنان را هم برانگیخته؛ به جامعه منتظر نشان داده است که وعده نصرت الهی و پیروزی

نهایی مستضعفان قطعی و دست‌یافتنی است.

۴. **زنده نگه‌داشتن روحیه مبارزه در منتظران:** مقاومت، از تبدیل انتظار به مفهومی منفعلانه جلوگیری می‌کند و آن را به راهبرد عملی برای اصلاح جامعه تبدیل می‌کند؛ چنان که در دعای عهد داشتن روحیه مبارزه و شهادت طلبی از اوصاف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

۵. **بیداری اسلامی و ایجاد وحدت در میان امت اسلامی:** جبهه مقاومت اسلامی به الگویی برای جنبش‌های آزادی‌خواه در سراسر جهان تبدیل شده است. جبهه مقاومت، فارغ از تفاوت‌های مذهبی یا قومی، با تکیه بر اصول مشترک اسلامی، زمینه وحدت مسلمانان را فراهم کرده و این اتحاد، مقدمه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که قرآن کریم نیز بر آن تأکید دارد.^۱

۶. **تربیت نسل منتظر:** جبهه مقاومت، نقشی اساسی در تربیت نسل‌هایی دارد که آماده پذیرش مسئولیت‌های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. این نقش‌آفرینی حوزه‌های مختلف را شامل می‌شود. نمونه آن، مدارس و نهادهای تربیتی حزب‌الله لبنان و ایران است که جوانان را با فرهنگ ایثار، شهادت و انتظار آشنا می‌کنند. در واقع با ترویج الگوهای عملی انتظار پویا و شهادی مقاومت، مانند شهید حاج قاسم سلیمانی و دیگر شخصیت‌های برجسته جبهه مقاومت، الگوی عملی برای جوانان منتظر هستند که با عمل به آموزه‌های انتظار، مبارزه با ظلم و تحقق عدالت را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

۷. **استقلال و ایجاد خودباوری در منتظران:** مقاومت اسلامی به مسلمانان آموخته است که می‌توانند در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کنند. این خودباوری و شعار نه شرقی و نه غربی، ریشه قرآنی دارد که در آیات *تولّا و تبرا و آیه نفی سبیل*، به آن تاکید شده است.^۲ این خودباوری و استقلال، لازمه جامعه منتظر است که می‌خواهد در برابر ظلم جهانی مقاومت و زمینه ظهور و قیام جهانی را فراهم کند.

۱. آل عمران: ۱۰۳ و حجرات: ۱۰.

۲. ممتحنه: ۱ و نساء: ۱۱.

۸. **تقویت انگیزه برای عدالت خواهی منتظران:** جبهه مقاومت، عدالت را جزء اهداف اصلی خود می‌داند و این ارزش را در جامعه منتظر تقویت می‌کند که در آیه سوم نحل هم به عنوان هدف بعثت انبیا بیان شده است. از طرفی در احادیث متعدد می‌بینیم که بیش‌ترین تأکید در دوران بعد از ظهور بر مسئله عدالت است^۱ و این که مردم از عدالت برخوردار می‌شوند؛ یعنی بشرت‌شده عدالت است و باید آن را در زمینه سازان ظهور پیدا کنند.

سید حسن نصرالله والگوه‌های مقاومت، با تأکید بر آموزه‌های قرآنی، زیر بار ظلم نرفتن و با گرفتن حق از ظالم، مقاومت را به الگویی عدالتخواه برای جوامع منتظر تبدیل کرده است و جبهه مقاومت، نمادی از انتظار پویا برای تحقق عدالت جهانی شده است.

۹. **تقویت عنصر صبر و استقامت و خودسازی منتظران:** به جرأت می‌توان گفت «صبر» از مهم‌ترین ستون‌های مقاومت در مقابل دشمن است. خداوند متعال در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران چنین دستور می‌دهد:

ای کسانی که ایمان آورده اید! [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید! و در برابر دشمنان [نیز]، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!

این آیه شریفه، به روشنی جامعه اسلامی را به سه خصوصیت «صبر»، «مصابره» و «مرابطه»، سفارش و رستگاری فرد و اجتماع و ظهور را به اجرای آن‌ها منوط کرده است. «مصابره» عبارت است از این که جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است، دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیش‌تر گردد.^۲ چنین صبوری در مقاومت در برابر دشمن و مخالف است و «مرابطه» نیز بدان معناست که هر قدر و به هر شکل که دشمنان دین برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴ و ج ۵۲، ص ۳۱۲ و ۳۶۲.

۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۴، ص ۹۱.

می‌کنند؛ شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم کنید!^۱

نکته قابل توجه در مورد این آیه آن است که در برخی تفاسیر معصومان، تبیینی مهدوی صورت گرفته است؛ امام باقر در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

مراد خداوند متعال از اصبروا، شکیبایی بر انجام دادن واجبات و مرادش از صابروا، صبر و شکیبایی در برابر دشمنان و مراد از رابطوا مراقبت و محافظت از امام منتظر است.^۲

بنابراین، به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که بین مهدویت و انتظار و مقاومت نوعی تلازم وجود دارد؛ به این معنا که هم مهدویت با تقویت عنصر صبر، بر تقویت مقاومت خواهد افزود و هم مقاومت می‌تواند با گسترش عنصر صبر در جامعه، که لازمه جامعه منتظر است و می‌خواهد در برابر ظلم جهانی مقاومت کند، زمینه ظهور را فراهم سازد. این مهم از اهداف انقلاب اسلامی است؛ کما این که رهبر معظم انقلاب این حقیقت را به خوبی به تصویر کشیده و تبیین کردند:

آن وقت که معلوم شد در مقابل قدرت مادی مستکبران عالم، زمینه این وجود دارد که آحاد بشر بتوانند بر روی حرف حق خود بایستند. آن روز، روز ظهور امام زمان است؛ آن روز، روزی است که منجی عالم بشریت به فضل پروردگار ظهور کند و پیام او همه دل‌های مستعد را که در همه جای جهان هستند، به خود جذب کند و آن وقت دیگر قدرت‌های ستمگر، قدرت‌های زورگو، قدرت‌های متکی به زر و زور نتوانند حقیقت را آن چنانی که قبل از آن همیشه کرده‌اند، با فشار زر و زور خود به عقب بنشانند یا مکتوم نگه دارند.^۳

اساساً در روایات، «حب دنیا» راس همه بدی‌ها معرفی شده است.^۴ در روایتی از امام

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۲، ص ۹۱۹.

۲. نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۷.

۳. بیانات ۱۳۷۹/۸/۲۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۱۵.

صادق علیه السلام، ورع و خودسازی را جزء اوصاف یاران امام مهدی علیه السلام برمی شمارد.^۱ روشن است انسان وقتی با جان و مال خودش جهاد می‌کند، به راحتی به این خودسازی هم می‌تواند دست پیدا کند.

۱۰. اجرای وظیفه و کسب رضایت امام: دفاع از سرزمین‌ها و بلاد مسلمین و حمایت از مستضعفان و استکبارستیزی، بدون شک واجب و تکلیف الهی است که با انجام دادن آن، رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه به دست می‌آید و این از مهم‌ترین شاخصه‌های عینی شدن انتظار پویا در یک شخص یا یک جامعه است.

۱۱. نزول امدادهای غیبی در صورت مقاومت: یکی دیگر از عوامل مهم و انگیزه بخش در امر مقاومت تأییدها و امدادهای غیبی است که خداوند متعال بر کسانی که در راه خدا و احیای حاکمیت دین او قرار دارند؛ نازل می‌فرماید. قرآن کریم در آیه ۷ سوره محمد می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! اگر خداوند را یاری کنید؛ شما را یاری و گام‌هایتان را استوار می‌کند.» مفاد آیه بسی روشن و گویای آن است که بدون تلاش برای دین خدا و استمرار این تلاش نمی‌توان در دریافت رحمت ویژه الهی توقع داشت. این استمرار، به مقاومت فرد و جامعه نیازمند است. جامعه منتظر به این تأییدها و حمایت‌های الهی در نبردهای آخرالزمان که دوران سخت فتنه‌ها و غربال‌گری‌ها و بروز دشمنان سرسخت مهدویت و دجال و سفیانی هاست، نیازمند است.

۱۲. ایجاد عنصر امید و ایمان بیش‌تر در جامعه منتظر: عنصر بسیار مهم دیگری که برگرفته از ایمان است و با وجود آن مقاومت معنا می‌یابد و بدون آن هرگونه مقاومتی در هم شکسته خواهد شد؛ امید به آینده روشن و دست یافتنی است. تردید نباید کرد که اگر ملت ایران به شکست نظام طاغوت موفق شد و همچنان انقلاب خویش را با وجود همه دشمنان قسم خورده خویش به پیش می‌برد و یا مردم مظلوم فلسطین، لبنان، یمن و عراق در برابر زیاده‌خواهی ابرقدرت‌های جهانی ایستاده‌اند؛ به دلیل عنصر انگیزه و امیدی است که در قلوب این ملت وجود دارد. مقام معظم

۱. نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

رهبری، به عنوان یک رهبر تمام عیار، بیشترین همت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته‌اند. وقتی مردم امیدوارند، برای رسیدن به هدف والاتر، یعنی ظهور حضرت تلاش می‌کنند و واضح است که در مقابل تلاش مردم هیچ قدرتی امکان پیروزی ندارد.

۱۳. پیوند با ولایت فقیه و تمرین ولایت پذیری جامعه منتظر: جبهه مقاومت با فرماندهی علما و ولایت فقیه، بستری برای شناخت و سنجش اطاعت پذیری و صدق ادعای جامعه منتظر شده است. همان طور که یکی از عوامل مهم در عدم ظهور حضرت، محکم نبودن مردم در جهاد و عدم اطاعت پذیری کامل از دستورهای ائمه علیهم‌السلام بوده است.

۱۴. لزوم دشمن شناسی و مستکبر ستیزی جامعه منتظر: وجود دشمن در هر زمانی حقیقتی قرآنی است^۱ و مبارزه و «اشداء علی الکفار» بودن نیز یک اصل قرآنی برای شناخت و دفع دشمنان است^۲. از طرفی مطالعه انقلاب‌ها و قیام‌های بزرگ دنیا، مثل انقلاب کبیر فرانسه و شکست‌ها و فروپاشی‌ها، مثل فروپاشی حکومت عثمانی و شوروی اثبات‌گر این حقیقت است که عدم شناخت دشمن و دشمنی آن‌ها و غفلت از آن‌ها، موجب انحراف و شکست هر قیامی خواهد شد. جامعه منتظر باید به این فهم و آگاهی برسد و قبل از قیام جهانی به دشمن و ترفندهای دشمن واقف و آگاه باشد. این درسی است که امام حسین علیه‌السلام به ما داده است و در محضر آن حضرت، این درس از زیارت عاشورا را بازگو می‌کنیم: «انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حربکم.»
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

خوشا بر احوال کسانی که قائم اهل بیت را درک کند و درغیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد. چنین کسی در روز قیامت از رفیقان و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.^۳

۱. انعام: ۱۱۲.

۲. فتح: ۲۹.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶.

چشم‌انداز آینده

با توجه به چالش‌های معاصر جهان اسلام، از جمله مستکبران جهانی، اشغالگری، و انحرافات فرهنگی و شبهات رسانه و جنگ نرم، جبهه مقاومت و انتظار پویا، نه تنها وظیفه‌ای دینی بلکه راهبردی جهانی برای دستیابی به عدالت، آزادی و ظهور منجی است. تحقق این اهداف به همکاری همه‌جانبه میان ملت‌های مسلمان، نخبگان، علما و دولت‌های اسلامی نیازمند است.

نتیجه‌گیری

این مقاله، به این نتیجه راه یافت که جبهه مقاومت اسلامی و انتظار پویا، هر دو بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی شکل گرفته‌اند و رابطه‌ای عمیق و متقابل دارند. اندیشه مقاومت، نه تنها مبارزه‌ای سیاسی، بلکه بستری برای تحقق آرمان‌های انتظار و آماده‌سازی جامعه برای ظهور امام عصر علیه السلام است. از این رو تقویت این دو اصل، گامی اساسی در جهت پیشبرد اهداف امت اسلامی است.

اندیشه مقاومت و انتظار پویا، دو مفهوم مکمل هستند که در تعالیم قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ریشه دارند. انتظار، به عنوان وظیفه دینی، به جامعه منتظر نقشه راهی برای دستیابی به آرمان عدالت ارائه می‌کند. از سوی دیگر، جبهه مقاومت با تجلی عملی آموزه‌های انتظار پویا، نقشی کلیدی در مقابله با ظلم و آماده‌سازی بسترهای ظهور امام عصر علیه السلام ایفا می‌کند. مقاومت، الهام‌بخش جنبش‌های آزادی‌خواه در جهان اسلام است و زمینه‌های وحدت امت اسلامی را فراهم کرده و می‌تواند با تقویت عناصر انتظار پویا، مثل تحول در گفتمان جهانی و تحقق شرایط ظهور و سرعت بخشیدن به آن، تقویت امید و ایمان و روحیه مبارزه در منتظران، تربیت نسل منتظر، تقویت صبر و استقامت و روحیه خودباوری و اعتماد به نفس، تقویت ولایت‌پذیری و دشمن‌شناسی در جامعه منتظر، توان ملت انقلابی و امام زمانی را تا رسیدن به آرمان‌های بلندآن؛ یعنی تمدن جدید اسلامی و ظهور ولایت عظمای امام عصر علیه السلام، به صورت مستمر افزایش دهد.

منابع

قرآن کریم .

۱. خامنه‌ای، سید علی نرم افزار حدیث ولایت مجموعه سخنان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.
- پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: Khamenei. ir
۲. خمینی سید روح‌الله الموسوی، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
۳. حرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۴. خزاز قمی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۵. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی جا، *المفردات فی غریب القرآن مکتبه رضویه*، بی جا، بی تا.
۷. شوشتری، قاضی نورالله، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، مکتبه اسلامیة، ۱۲۷۳ ق.
۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۳. محمد بن منظور، ابن مکرم بن علی، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۱۵. ملایی، حسن، *ما منتظریم*، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۶.

۱۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۴ق.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۹۷ق.

تحلیل نقش حاکمیت دینی در تقویت و استحکام بینش منتظران در عصر غیبت

عادل فاطمیان^۱

چکیده

این نوشتار در مقام بیان جایگاه حاکمیت دینی در تقویت و استحکام بینش منتظران در عصر غیبت است. از مهم‌ترین وظایف دینی حاکمیت، رسیدگی به ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی به ویژه امور بینشی آنان و حفظ و حراست باورها و اندیشه‌های آنان از فتنه‌های آخرالزمانی در عصر غیبت است که باید به آن اهتمام ویژه داشته باشد. حاکمیت دینی می‌تواند به عنوان نهادی قدرتمند در حوزه مدیریتی و اجرایی با تقویت بعد بینشی منتظران در عصر غیبت، آن‌ها را نسبت به آسیب‌ها و انحرافات موجود آگاه کند. همچنین منتظران با تقویت مبانی اعتقادی و استحکام بخشی به اندیشه‌ها و اعتقاداتشان، از هلاکت در فتنه‌های آخرالزمان نجات یابند. بر اساس یافته‌های تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است، حاکمیت دینی می‌تواند با تقویت باور منتظران به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امیدآفرینی به حتمی بودن ظهور، ایجاد و تقویت اندیشه مبارزه با مدعیان دروغین، تقویت اندیشه مبارزه با دشمنان و دشمن ستیزی و ... نسبت به بینش منتظران اثر گذار باشد.

واژگان کلیدی: حکومت دینی، تقویت بینش، منتظران، عصر غیبت.

مقدمه

مهم‌ترین موضوع در زندگی هر انسان، اندیشه‌های اوست؛ اندیشه و باور صحیح سبب رشد و تعالی و بالعکس باورهای غلط و نادرست موجب تباهی و نابودی انسان می‌گردد. به همین دلیل اندیشه نزد خدای متعال از اهمیت والایی برخوردار است و برای تعمیق و عدم انحرافش، ارسال انبیاء در دستور کار قرار گرفته تا انسان‌ها از مسیر صحیح خارج نگردد و گرفتار بی‌راهه نشوند. توجه به اصلاح و تقویت اندیشه صحیح برعهده انبیا و جانشینان آنان بوده که در عصر غیبت و فقدان امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بر عهده علما و حاکمیت اسلامی قرار داده شده است. با توجه به مستندات و ادله عقلی و نقلی در مورد تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت،^۱ موضوع مهم و چالشی دیگری که مولود آن است، کارآمد و نقش آفرین بودن حکومت دینی در عصر غیبت است که چه نتایج و آورده‌هایی برای مردم خواهد داشت؟

تکامل، تربیت و بلوغ فکری بشر از برنامه‌های مهم سلسله انبیا بوده و این برنامه، در سیره اوصیای الهی مشهود و ملموس است. در زیارت اربعین در وصف امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین آمده است: «او آخرین قطره خورش را در راه خدا بخشید تا بندگان را از حیرت و ضلالت رهایی بخشد.»^۲ تلاش مریبان الهی بر این منوال بوده که فرایند برنامه‌های تربیتی انبیاء را از یک نقطه زیربنایی و آغازین شروع کنند و تا غایت نهایی خود پیش ببرند تا زمینه‌ها و شرایط و عوامل اصلی صلاح، شایستگی، سامان یابی، رفاه اجتماعی، عدالت و دادگری، مهرورزی، محبت، ایثار و فداکاری در سطح فرد و جامعه‌ها محقق گردد. سهمی از تربیت به خود فرد، خانواده، دوستان و محیط بر می‌گردد و سهمی هم به متولیان امر، یعنی علما، دولت‌ها و حکومت‌ها مرتبط است. تربیت منتظران جامعه شیعی با الگوگیری از سیره انبیا توسط حاکمیت اسلامی و با رویکرد سازگار بودن با اصول و مبانی دولت مهدوی می‌تواند بالاترین اقدام اصلاحی در حکومت باشد.

۱. ر.ک: موسوی الخمینی، کتاب البیع (ولایت فقیه)، ادله عقلی و نقلی بر وجود حکومت در عصر غیبت، ص ۲۵-۳۵.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳: «و بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةِ الضَّلَالَةِ».

از آن جا که تعالی بخشی به منتظران در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی بشر مسئله‌ای مهم و دغدغه‌آفرین بوده، لازم است حکومت‌ها با وضع و اجرای درست قوانین اجتماعی و فرهنگی بسترهای رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم آورند تا قابلیت لازم برای حضور در دولت کریمه را پیدا کنند؛ زیرا تربیت و تعالی منتظران قبل از ظهور به مثابه باز پروری تمامی استعداد‌های پنهان و شکوفا کردن خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که مشتاقانه منتظر ظهور کامل‌ترین فرد هستند. از آن جا که قوانین تربیتی در حکومت‌ها با تکیه بر علوم بشری وضع می‌گردد و بعضاً بر اثر دخالت سیاست‌های غلط دولت‌ها، موانع و مشکلاتی را به بار می‌آورد، لذا نتیجه مطلوب آن‌گونه که باید، محقق نمی‌شود و سبب بروز انحرافات بینشی، گرایشی و کنشی در سطح جامعه می‌گردد. با توجه به ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت و استفاده از آموزه‌های وحیانی در کنار علوم بشری و همچنین لحاظ کردن ظرفیت‌های جوامع، می‌توان قائل شد در سایه حکومت دینی این ظرفیت وجود دارد تا امور بینشی، گرایشی و کنشی مردم بر اساس مبانی وحیانی برنامه‌ریزی و اجرایی شود.

مراد از نقش و کارکردگرایی حکومت دینی، همان تبیین اصول سودمند سازی برای تاثیرگذاری در برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی آحاد جامعه است. در عصر حضور، ائمه علیهم‌السلام متکفل امر هدایت و تربیت جامعه هستند و در عصر غیبت با عدم حضور امام معصوم علیه‌السلام این وظیفه تا حدودی بر عهده نمایندگان و جانشینان آن‌ها (علما) در حاکمیت اسلامی است تا با وضع و اجرای درست قوانین الهی کارآمدی خود را نسبت به هدایت و تربیت جامعه ایفا کنند. حکومت اسلامی نیز باید با اضلاع خود در ایجاد نظم و وحدت در جامعه، ساخت نهادهای اجتماعی، تامین نیازهای اقتصادی جامعه، تامین نیازهای اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و فرهنگی را بر عهده بگیرد.

در این موضوع، آثار متنوعی همچون کتاب، مقاله و پایان نامه به رشته تحریر درآمده است، اما آن‌ها بیشتر به اصل ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت و دولت زمینه ساز پرداخته‌اند؛ در حالی که به مقوله اندیشه و بینش منتظران به طور خاص پرداخته نشده است. برخی از این آثار شامل:

۱. کتاب «مردم و زمینه سازی ظهور»، اثر حسین الاهی نژاد؛ که در چهار فصل تنظیم شده و به موضوع «مردم و زمینه سازی ظهور» پرداخته است؛ اما بیشترین تکیه آن به زمینه سازی ظهور بوده و نسبت به مقوله بینش، گرایش و رفتار منتظران مطلب چندانی ذکر نکرده است.

۲. کتاب «کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت»، اثر محمود ملکی راد، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷. این کتاب در پنج فصل به برخی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی باور به مهدویت اشاره کرده است.

۳. مقاله «تربیت زمینه ساز عصر ظهور، اصول و الزامات»، نوشته سید احمد رهنمایی، مشرق موعود، شماره ۲۶. در این مقاله به تربیت زمینه ساز برای بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامع با هدف گذاری کسب لیاقت برای ظهور حضرت اشاره شده است. همچنین به برخی از ویژگی‌های شاخص اخلاقی، مانند عدالت و کمال طلبی و تحول گرایی اشاره شده؛ ولی در حوزه اندیشه و بینش چیزی بیان نکرده است.

۴. مقاله «تحلیل نظریه راه‌کارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه ساز ظهور»: یوسف ادیب و اسکندر فتحی آذر؛ مشرق موعود، شماره ۲۶. در این مقاله بعد از ذکر اهمیت و نقش تربیت منتظران برای زمینه سازی به ضعف عملکرد برخی از نهادهای حاکمیتی مسئولیت خطیر برخی دیگر از نهادها، مانند آموزش و پرورش، خانواده و حوزه‌های علمیه پرداخته است.

۵. مقاله «راه‌کارهای تربیت منتظران در عصر غیبت»: دکتر علی نقی فقیهی، مشرق موعود، ۱۳۹۲، شماره ۲۶. در این مقاله هم به برخی از روش‌ها مانند تمهید شرایط رشد شخصیتی افراد و ارائه الگوی مناسب اشاره کرد که البته به مقوله اندیشه و بینش نپرداخته است؛ ولی می‌توان الگوی مناسبی برای تربیت و رشد در حاکمیت باشد.

۶. مقاله «الگوی مفهومی- عملیاتی راه‌اندار راهبردهای تربیت مهدوی در نظام

آموزش کشور»، حسین بقائی و سایرین، مشرق موعود، سال هفتم. در این مقاله نیز به تلاش و کوشش برای تربیت انسان منتظر برای مبارزه با اندیشه پوچگرایی در مسیر رسیدن به حیات طیبه نکاتی بیان شده است.

آثار مذکور به صورت تلویحی به بحث تربیت در ابعاد گوناگون منتظران پرداخته‌اند؛ اما با توجه به اهمیت موضوع اعتقادی و خلاء پرداخته شدن به آن در آثار سایر مولفان به صورت مستقل جا داشت به طور خاص به این مسئله پرداخته شود. در این نوشتار به جایگاه و نقش حکومت دینی در تقویت بینش منتظران در عصر غیبت، به روش توصیفی - تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای پرداخته شده است. لذا مسئله این است: «حاکمیت دینی در عصر غیبت چه نقشی در تقویت و تعالی بخشی بینش منتظران خواهد داشت تا اندیشه مهدویت و باورهای شیعی جامعه منتظر را به تعالی برساند و آن‌ها را برای ظهور تربیت کند»

مفهوم شناسی واژگان

در این بخش از نوشتار به واژگان کلیدی می‌پردازیم:

۱. حکومت دینی

«حکومت دینی»، متشکل از دو واژه حکومت و دین است. حکومت از ریشه «حکم» در لغت به معنای سررسید، استقرار و ثبات، پاداش و جزا، رسم و عادت، شریعت و مذهب آمده است.^۲ مطابق آنچه در ادبیات سیاسی فراگیر شده «حکومت» شامل مجموعه نهادهایی است که در یک پیوند و ارتباط تعریف شده باشد؛ به طوری که با یکدیگر، در یک سرزمین مشخص و بر اجتماع انسانی ساکن در آن، اعمال حاکمیت می‌کنند.^۳ برخی حکومت را قدرت سیاسی سازمان یافته‌ای می‌دانند که به منظور تامین مصالح افراد جامعه با ایجاد نظم و امنیت در کشور و

۱. جوهری، الصحاح تاج اللغة، ج ۵، ص ۱۹۰۲.

۲. دهخدا، لغت نامه، ص ۵۷۲.

۳. واعظی، حکومت اسلامی، ص ۳۱-۳۲.

هدایت جامعه در مسیر صحیح خود، قوانینی وضع و اجرا می‌کند و بر حسن اجرای آن‌ها نیز نظارت دارد.^۱ حکومتی که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه مدیریت و اداره جامعه پذیرفته باشد، حکومت دینی نام می‌گیرد. در این نظام، دولت و نهادهای گوناگون، خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهبی خاص متعهد می‌دانند و تلاش می‌کنند در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل‌های روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گیرند و آن‌ها را با دین هماهنگ سازند.^۲ بر اساس این تعریف، حکومت دینی به دنبال تاسیس «جامعه دینی» است؛ تا بتواند تمامی روابط فردی و اجتماعی، در حوزه‌های مختلف فرهنگ، اقتصاد، سیاست، و دفاعی را بر اساس آموزه‌های دینی شکل دهد تا با حکمرانی و مدیریت رهبران مذهبی و افراد دیندار احکام و معارف دینی در آن اجرا شود. لذا برخی قائلند مراد از حکومت دینی، همان حکومت مقبول و مردمی است که خصلت دینی داشته و مقبول متدینان باشد.^۳

۲. بینش

«بینش» به معنای آینده نگری و درک ریشه امور یک روش نسبتاً ثابت در فکر بیان شده که سبب پیش بینی و توانمندی در اندیشه فرد می‌گردد.^۴ معادل عربی آن «بصیرت»، به معنای تیزبینی و دوراندیشی است^۵ که البته در برخی موارد به معنای معرفت و درک هم به کار رفته است.^۶ به دلیل این‌که اعتقادات همان باورها و اندیشه‌های افراد جامعه است، لذا از ارکان مهم در استحکام ارزش‌های فرد و جامعه محسوب می‌شود. بر این اساس، برخی بینش را، به معنای

۱. شبان‌نیا، فلسفه سیاست، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۲۸-۳۲.

۳. صفائی، او می‌آید، ص ۱۱۴.

۴. جلالی، درآمدی بر بینش، گرایش و کنش و آثار متقابل آنها، ص ۱۳۶.

۵. بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۱۸۶.

۶. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

شکوفای کردن عقل نظری و آماده کردن بستری برای درک صحیح واقعیت‌ها توسط علم، تفکر و معرفت نفس دانسته‌اند.^۱

۳. جامعه منتظر

از آن‌جا که برای «جامعه منتظر» تعریف دقیق و جامعی ارائه نشده، لذا نمی‌توان به صورت حد تام تعریف دقیقی برایش ارائه کرد. لذا در حد همان شرح الاسمی به آن اشاره می‌کنیم. جامعه منتظر جامعه‌ای است که به راحتی امکان دسترسی به آن برای منتظران فراهم نیست و تنها خواص مومنان، به‌ویژه شیعیان خاص امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌توانند در تحقق این جامعه منتظر سهیم باشند.

برخی در تعریف جامعه منتظر چنین نوشته‌اند:

مراد از جامعه مجموعه افرادی هستند که دارای عقاید، اهداف و نیازهای مشترک بوده و بر اساس همین نقاط مشترک اجتماع می‌کنند و جامعه منتظر جامعه‌ای است که با بنیاد نهادن بایسته‌های زمینه ساز در ظهور و تداوم بخشیدن به آن در مسیر تحقق حکومت مهدوی گام بر می‌دارد.^۲

اما مقصود ما از جامعه منتظران، جامعه‌ای است متشکل از شیعیان و پیروان حقیقی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام که با اعمال و رفتارهای صحیح خود، در سطح اجتماع، زمینه را برای ظهور ایشان و تشکیل جامعه مهدوی آماده می‌کنند. چنین جامعه‌ای، قبل از جامعه مهدوی تحقق می‌باید.^۳

بستر سازی رشد در حکومت دینی

فرهنگ شیعی به دلیل اعتقاد به امام حئی، از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و دارای ظرفیتی اثر بخش و مطلوب در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و تربیتی می‌باشد. نگاه

۱. بخشیان، راهبردهای تعالی معنوی انسان در قرآن، ص ۱۹۰.

۲. برنجکار، وظایف جوانان در عصر غیبت، ص ۱۳.

۳. قنبری نیک، ویژگی‌های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت الله خامنه‌ای، ص ۲۷-۴۸.

منتظرانه به منجی با هدف گشایش و فرج در امور مختلف، جامعه را به سمت تحول و دگرگونی مثبت سوق می‌دهد و با ایجاد بینش و نگرش صحیح، آمادگی و پایش در حوزه‌های مختلف امید آفرینی، آرمان‌گرایی، نشاط و پویایی را به ارمغان می‌آورد.

درباره نقش حکومت دینی در تقویت بینش منتظران باید بررسی کرد که آیا ظهور، امری الهی است و به مردم و حکومت ارتباطی ندارد و یا عملکرد مردم و حکومت‌ها هم موثر هستند؟ (یعنی انسان‌ها بر اسباب و شرایط ظهور نقش دارند یا خیر؟)

حکومت دینی که برگرفته از آموزه‌های ناب اسلام است، مبتنی بر اصول و باورهایی است که می‌تواند در ایجاد و یا تقویت بینش نقش آفرین باشد. بر همین اساس دین اسلام بهترین نظام و اصول راهبردی را برای تعیین باورها و اعتقادات انسان ترسیم کرده تا از این رهگذر افراد جامعه بتوانند در حیات دنیوی و اخروی سعادت خویش را کسب کنند.

اگر امر ظهور به عملکرد و اعمال نوع بشر وابسته باشد و ظهور امری بشری تلقی گردد و قدرت بشر در آن دخیل باشد؛ ظهور امری تحصیلی محسوب می‌شود؛ اما اگر ظهور را از مقوله افعال الهی بدانیم، امری حصولی بوده و فقط در حیطة اراده و قدرت ماورایی محقق می‌گردد و بشر در آن هیچ نقشی نخواهد داشت؛ نه در اصل رخداد و نه در فرایند آن. لذا در باب کارآمدی حکومت دینی در جهت رشد، تربیت و تعالی منتظران و تاثیر آن در تقویت امر ظهور باید با دو رویکرد ثبوتی و اثباتی به قضیه نگاه کرد:

زمینه سازی با نگرش وظیفه گرایی مطلق؛

۱. زمینه سازی با نگرش وظیفه گرایی معطوف به ظهور؛

در قسم اول (مطلق وظیفه گرایی)؛ برای افراد وظایفی تعریف می‌شود که شخص منتظر، صرفاً با پرداختن به برخی کارهای حسنه و صالح به خودسازی اقدام می‌کند؛ اما از آن رو که با نگرش مطلق بوده است؛ انجام دادن این قبیل کارها برای جریان ظهور مؤثر نیست؛ اما در قسم دوم (وظیفه گرایی معطوف به ظهور)؛ با توجه به موضوع ظهور یک رابطه تلازمی بین فرد و عمل

صالح ایجاد می‌شود که با جهت دهی به اصلاح رفتار می‌تواند زمینه ساز در مساله ظهور باشد و با انجام دادن اعمال صالح و پسندیده در قالب یک منتظر تبلور می‌کند.^۱

با توجه به دخالت هر دو رویکرد در پدیده ظهور ما قائلیم امر ظهور تلفیقی از هر دو امر است و نقش انسان را نمی‌توان نادیده گرفت؛ از طرفی حکمت الاهی اقتضا دارد تا برای به کمال رسیدن مردم از باب قاعده لطف امام و رهبر بیاید، زیرا در تکوین و تشریح عالم، همه مخلوقات و خاصه نوع بشر از وجود امام بهرمنند می‌شوند. از طرف دیگر؛ امام و رهبر جامعه هم باید مورد حمایت و اطاعت مردم قرار گیرد تا هم وظیفه و رسالت الاهی خود را به منظور تبیین دین انجام دهد و هم این که در مسیر هدایت مردم را تربیت کند. در غیر این صورت، این مردم هستند که متحمل خسارت و ضرر می‌شوند؛ زیرا این افعال و کردار بشر است که سبب غیبت حجت الاهی می‌شود: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه متا».^۲

مردم می‌توانند با اصلاح رویه رفتاری خویش نگرش خود را به ظهور معطوف کرده و با رویکرد تربیت و خود سازی علت معده در زمینه سازی ظهور گردند^۳ تا علاوه بر عامل اصلی (اراده خدا) علل معده ظهور، مانند فراهم بودن جامعه و پذیرش و اقبال عمومی را فراهم سازند؛ اما از آن جا که برخی علت غیبت را امری از ناحیه مردم دانسته و تحقق ظهور را علاوه بر اراده الاهی به خواست مردم نیز بر می‌گردانند؛ باید گفت ظهور بین خدا و انسان ها امری مشترک است که مردم باید با ایجاد بستر مناسب و رویه اصلاحگری در فرد و جامعه، موانع ظهور را برطرف کنند. مطابق برخی روایات، امر ظهور زمانی اتفاق می‌افتند که زمین پر از ظلم و فساد شده باشد که

۱. الاهی نژاد، مردم و زمینه سازی ظهور، ص ۲۵-۲۷.

۲. طوسی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۹۱: در صورتی که ما برای مردم نقشی در ظهور قائلیم پس افعال مردم از باب ممانع می‌تواند مانع ظهور باشد و از طرفی با اصلاح رفتار و زمینه سازی درست می‌توان بستر سازی خوبی برای ظهور انجام داد.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيَوَظُّونَ لِلْمَهْدِيِّ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۷). پیامبر ﷺ فرمودند: «گروهی از مشرق زمین خروج میکنند و زمینه را برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم می‌کنند».

در آن زمان خدا حجتش را برای از بین بردن ظلم و فساد ظاهر خواهد کرد؛^۱ ظلم و ستمی که از سوی نوع بشر به وجود آمده است،^۲ عاملی برای به غیبت رفتن ولی خدا شده است؛ اما برخی علل تاخیر ظهور را فراگیر شدن ظلم و ستم نمی‌دانند، بلکه نبود یار و یاور و عدم آمادگی مردم برای ظهور دانسته‌اند که اگر این مشکل برطرف شود، ظهور بدون تاخیر زودتر به وقوع می‌پیوندد؛^۳ زیرا برای تحقق انقلاب همه جانبه در جهان (ظهور) صرفاً وجود «رهبر» برای مدیریت کافی نیست، بلکه آمادگی عمومی هم لازم است. دعا و خواستن از درگاه الهی می‌تواند خود تقدم بخشی داشته باشد.^۴ پس نقش نوع بشر و حکومت‌ها بی‌ثمر نخواهد ماند.

ابن خلدون وجود حکومت و مدیریت را در بین دانشمندان و جامعه‌شناسان امری اجتناب‌ناپذیر دانسته است. لذا تشکیل دولت و شکل‌گیری حکومت برای اجرای قوانین و دوام اجتماع ضروری است.^۵ انسان از دیرباز مدنی الطبع بوده و ضرورت زندگی اجتماعی این نوع سبک زندگی را مطالبه می‌کند. حکومت دینی می‌تواند به عنوان علت مُعَدِّه با مهیا کردن مقدمات ظهور و با تربیت منتظران و تعالی بخشیدن در عرصه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و نفی وظیفه‌گرایی منفی نسبت به بصیرت‌افزایی منتظران اقدام و موانع معرفت‌بخشی را برطرف کند. تدوین کتاب‌های علمی مربوط به مباحث معرفتی، برطرف کردن معضلات و مشکلات اجتماعی جامعه در مسیر ایجاد اشتغال و ازدواج، وضع قوانین آموزشی و فرهنگی در سطوح مختلف آموزش (موسسات فرهنگی، تدوین کتاب‌های آموزشی، برگزاری مسابقات مرتبط و...) تا حدودی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد و بستر رشد فکری و بینشی منتظران را در مواجهه با مشکلات عصر غیبت و فتنه‌ها کاهش دهد.

۱. «... أَنَّهُ الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۱۳۹).
۲. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است. روم: ۴۱.
۳. آصفی، انتظارالموجه، ص ۱۸.
۴. موسوی اصفهانی، مکیال‌المکارم فی فوائد‌الدعا للقائم، ص ۱۱.
۵. ابن خلدون، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۵.

ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت

تشکیل حکومت در عصر غیبت از دیر باز مورد توجه اندیشمندان دینی بوده که برخی بنا به دلایلی چون (ضعف حکما، ناکارآمدی برخی حکومت‌های دینی و ...) به عدم تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت قائل شده‌اند. با وجود این، برخی از روایات به عدم تشکیل حکومت در عصر غیبت اشعار دارند؛^۱ اما این روایات علاوه بر ضعف سندی، از نظر دلالت بر مدعا دارای خدشه و مناقشات فراوانی هستند.^۲ از جمله مناقشات وارد بر آن‌ها جعلی بودن این روایات و تعارض داشتن با آن دسته از آیات و روایاتی است که بر ضرورت جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و عدم جلوگیری از تعطیلی معظم احکام شرعی دلالت دارد.^۳

به هر حال، تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت برای اجرای حدود الهی و عدم تعطیلی آن^۴ لازم است و وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و همچنین احکام مربوط به قضاوت، امور مربوط به صغار و مجانین و ... از مسائلی است که اهمیت و ضرورت تشکیل آن را چند برابر می‌کند.^۵ با این وجود، چون تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت ضرورت پیدا می‌کند؛ به برخی از اقدامات و فعالیت‌های موثر و نقش آفرین حاکمیت در تقویت و تعالی بخشی اندیشه‌ها و باورهای منتظران می‌پردازیم:

۱-۲. شناخت و تقویت باورمندی به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و پاسخ به شبهات مربوط به امامت

اعتقاد به امامت و جانشینی امامان بعد از پیامبر صلى الله عليه وآله، از مهم‌ترین اصول مذهب شیعه است. معرفت و ایمان به ظهور و خروج امام و حجت الهی و شناخت ابعاد همه جانبه ایشان، همچنین معرفت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از باورهای اصیلی است که نزد بسیاری از علمای فریقین

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵ ح ۴۵۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۴، ح ۹ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲. آقای، امیری قوام، ص ۴۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ح ۴۱۱.

۴. حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۴، ص ۴۶۳.

۵. خمینی، البیع، ج ۲، ص ۴۶۱.

به اثبات رسیده است و جزء عقاید شیعه و بعضا اهل سنت محسوب شده است.^۱ بشارت به آمدن مردی از خاندان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آخر الزمان که از دیرباز مورد توجه جدی همه ادیان خاصه مسلمانان بوده است، تا جایی که برخی از عالمان اهل سنت این باور را واجب دانسته‌اند.^۲ با گذشت زمان و رشد اسلام، دشمنان و معاندان همواره با قدرت و جدیت به مبارزه علیه اسلام و مسلمانان پرداخته و با ایجاد شبهات، تلاش در کم رنگ کردن باورهای اصیل مسلمانان خاصه شیعیان داشته‌اند؛ به طوری که قرآن در آیه ۵ سوره قصص به عنوان بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر به برجیده شدن ظلم و استقرار حکومت انسان‌های آزاده اشاره می‌کند.^۳

همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَائِهِ؛^۴ هر کس که امامش را شناخت و قبل از قیام صاحب این امر از دنیا رفت، مانند کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت‌گزاری کرده است؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.

بدیهی است؛ زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى، بدون شناخت آن بزرگوار امکان‌پذیر نخواهد بود و حاکمیت دینی با توان و پتانسیلی که دارد، می‌تواند در شناساندن امام و جایگاه مهم او به مردم نقش آفرینی کند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره لزوم معرفت به امام می‌فرماید:

... إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْكْ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَكُنْ عَرَفَ إِمَامَهُ

۱. بالاتر این‌که بسیاری از عالما، مطابق روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به کفر منکر حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فتوا داده‌اند. عن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من أنکر المهدي من ولدي فقد کذب بی أو فقد أنکرني». (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۱۲، ح ۰۸).
۲. سفارینی، لوامع الأنوار البهیة، ج ۴، ص ۸۴.
۳. «وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).
۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فَسْطَاطِ الْقَائِمِ، امام زمان خویش را بشناس. پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر [ظهور] آسیبی به تو نخواهد رساند... پس هر کس که امام خویش را شناخت، مانند کسی است که در خیمه قائم باشد.

عدم شناخت امام نیز به مثابه مرگ جاهلیت توصیف شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» در عصر غیبت که دسترسی به حضور فیزیکی امام امکان پذیر نیست حاکمیت اسلامی این وظیفه را دارد که زمینه‌های تقویت باورها و اندیشه‌های دینی را هموار سازد تا علاوه بر شناخت مقام و جایگاه امام به عنوان مظهر تجلی اسما و صفات هدایتی و تربیتی حق تعالی به تعالی بخشی بینش اعتقادی مردم در جامعه بپردازد، تا با نهادینه کردن جایگاه الهی امام جنبه‌های هدایتی و راهنمایی بشر و نیازهای کمال خواهی او را کامل گرداند؛^۲ چون امام، هادی امت بوده و هست و سبب نجات از گرفتاری‌ها و معضلات جامعه می‌گردد.

فضیل از امام سوال می‌کند که مراد خدا در آیه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ چیست؟ حضرت جواب دادند: «هر امامی هادی برای قرنی است که او در میان مردم آن قرن است.»^۳ از آن جا که امام قرن ما حضرت مهدی علیه السلام است؛ باید اندیشه منتظران و شیعیان را نسبت به وجود آن امام همام تقویت کند. لذا مهم‌ترین اقدام حاکمیت در تقویت اندیشه و باورمندی منتظران نسبت به وجود مبارک امام زمان علیه السلام می‌تواند شناساندن بیش‌تر حضرت به مردم باشد؛ زیرا به دلیل علو مقام و جایگاه امام معصوم علیه السلام، همچنین مجرای فیض الهی و مظهر تام تجلیات اسما و صفات الهی بودنش برای هدایت و تربیت مردم، شناخت و معرفت او ضرورت می‌یابد و حاکمیت باید بسترهای معرفت‌افزایی مردم را نسبت به امام ایجاد کند.

۱. ابن حنبل، احادیث المهدی فی مسند احمد ابن حنبل، ص ۲۱.

۲. ملکی راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، ص ۶۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱؛ ص ۱۹۱: «عَنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَوْمِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ، فَضِيلُ زَمَانٍ صَادِقٍ علیه السلام دَرِبَارِهِ آيَةُ «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ».

بله شناخت امام از مقوله معرفت است و معرفت امری موهبتی است و از مقوله کتاب و درس نیست، بلکه نیاز است به فراهم کرد بسترهای خاص معرفت افزایی برای ایجاد یا تقویت باورمندی به وجود چنین شخصیت عظیمی که دسترسی به آن ممکن نیست. البته این، کاری بس مشکل بوده و تنها مؤمنان هستند که این اندیشه را دارند و با ایمان به غیب در آن‌ها سبب شناخت امام می‌شود.

اقدام دیگر حاکمیت در تقویت باورهای اعتقادی خاصه در حوزه امام شناسی، پاسخ به شبهات در مورد مسائل امامت است که از سوی برخی فرقه‌ها (وهابیت و غیره) و شبکه‌های ماهواره‌ای مطرح می‌شود. با تولید و نشر شبهات اعتقادی از سوی مغرضان، شاهد بی اعتقاد شدن مردم، مخصوصاً جوانان در عرصه‌های اعتقادی هستیم. پاسخ به این شبهات و تقویت مبانی اعتقادی خاصه در حوزه‌های مختلف امامت اعم از: ۱. علل خلقت امام؛ ۲. جایگاه امام و نقش او در تکوین و تشریح؛ ۳. اهمیت و ضرورت شناخت امام؛ ۴. برکات وجودی امام در نظام تکوین و تشریح؛ ۵. کارکردهای حضور امام و ... سبب نجات گمراهان از گمراهی شده و عاملی برای تقویت مبانی امامت از دو بعد عقلی (قاعده لطف و برهان حکمت) و نقلی (روایات اقامه حجت از سوی خدا، علم بودن امام، واسطه فیض بودن بین خالق و مخلوق در عصر غیبت، واسطه نزول نعمت) این امکان را فراهم می‌دارد که تا حدی این باور در ذهن مخاطبان تقویت و رشد یابد.

بر اساس روایت امیر المومنین علیه السلام: «الْتَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ امرا و دولت‌ها دارای نفوذ اجتماعی و فرهنگی در بین مردم هستند و می‌توانند بر بینش‌ها و گرایش‌های رفتاری مردم تاثیر گذار باشند. لذا قاطبه مردم به اجرای دستورالعمل‌ها و قوانینی موظف هستند که توسط حکومت به تصویب می‌رسد. بنابراین، در صورت ایجاد انحرافات اعتقادی و فرهنگی و سیاسی، حکومت اسلامی موظف است با اجرای سیاست‌های دقیق از گسترش و تاثیر گذاری آن بر مردم و جامعه جلوگیری کند. ایجاد باورمندی برای منتظران در مورد جایگاه حجت‌الاهی مطابق با

۱. حرانی، تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ عن آل رسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۰۸.

روایاتی همچون عدم خالی بودن زمین از حجت الاهی^۱، اضطراب به وجود حجت در اصلاح و تربیت مردم^۲؛ امام برگزیده خداست^۳ و همچنین علم و عصمت امام؛ دارای اهمیت است و باید اسباب تقویت بینش عمیق منتظران نسبت به ساحت امام معصوم علیه السلام فراهم گردد؛ زیرا غفلت از مسیر آموزش و تربیت مردم سبب هلاکت ابدی آنان شده است. لذا باید برای تعالی بخشی و استحکام ارزش‌های اعتقادی و بینشی اقداماتی از سوی حکومت صورت گیرد.

برگزاری کلاس‌های مرتبط، نشر و چاپ آثار مفید و مناسب با موضوعات امامت، ایجاد حلقه‌های معرفتی و جلسات تبیین با موضوع امامت و وظایف آن، سبب تقویت نگرش به این مهم می‌گردد؛ زیرا امام احیاکننده زمین و اهل آن است^۴ و عدم شناخت امام علیه السلام موجب اضلال و گمراهی شده^۵ و ضرورت پرداختن به این مهم را برای هر انسان عاقلی فراهم می‌کند تا برای رهایی از گمراهی خود اقدامی انجام دهد.

۲-۲. تقویت اندیشه ظهور با ایجاد روحیه امید

حاکمیت دینی باید همواره در مسیر پویایی و شکوفایی منتظران تلاش کند و موضوع انتظار و ظهور را به خوبی برای مردم تبیین کند. باور و اعتقاد به ظهور منجی در آخرالزمان و حتمی بودن تحقق وعده الاهی در نجات جامعه و انسان‌ها می‌تواند روحیه انتظار و باورمندی به ظهور را در

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۲۳

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. همان، ص ۲۱۴.

۴. همان، ج ۸، ص ۲۶۷: در ذیل آیه «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حدید: ۱۷) چنین آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قَالَ الْعَدْلُ بَعْدَ الْجُورِ. مُحَمَّدٌ حَلْبِيُّ كُوفِيٍّ: قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام دَرَبَارَةَ هَذِهِ الْكَلِمَةِ خَدَّوْنَ عَزَّ وَجَلَّ: «أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» پُرسیدم؛ آن حضرت فرمود: مقصود، عدل پس از ظلم است.»

۵. دعای غریق: شیخ صدوق این دعا را در کتاب کمال الدین نقل کرده است: «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّلْتُ عَنْ دِينِي.»

بین منتظران تقویت کند.^۱ اندیشه حتمی بودن ظهور فردی از بنی الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام در آخر الزمان که سبب از بین بردن همه فسادها و ظلم‌ها می‌شود، موجب امید در بین منتظران و باعث رشد و بالندگی در جامعه می‌گردد. این باورمندی موجب نجات و رستگاری منتظران، همچنین موجب مصونیت بینش آنان در مقابل شبهات و اندیشه انکار مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می‌گردد.

با وجود این که امر ظهور وعده‌ای تخلف ناپذیر است^۲؛ با طولانی شدن زمان غیبت، برخی وجود آن حضرت را انکار می‌کنند؛ در حالی که روایات فریقین، منکر خروج مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را کافر می‌شمارند.^۳ حاکمیت دینی باید وقوع ظهور را به درستی تبیین و با همکاری مراکز دینی (حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی، همچون مدارس و دانشگاه‌ها) بسترهای آموزش و تقویت مباحث اعتقادی و بینشی را برای مخاطبان خود، خاصه منتظران فراهم کند و همچنین با نشر آثار مربوط، گامی در مسیر تعالی بخشی به این مهم بردارد. کمک به تقویت این باور در اندیشه منتظران، علاوه بر نجات آنان از ظلمات کفر و ضلالت^۴، عاملی در ایجاد انگیزه در پویایی و حرکت جامعه به عنوان عامل پیشران در تعالی و رشد آنان می‌گردد. با تشکیل حکومت در عصر غیبت، این امکان برای دولتمردان حاصل می‌شود تا اقدامات لازم آموزشی و عملی برای تقویت مبانی اعتقادی و بینشی منتظران فراهم گردد تا آسیب‌های اعتقادی را به حد اقل برسانند. امام

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۶۱.

۲. توبه: ۳۲ و ۳۳. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

۳. رک: شوشتری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۳، ص ۲۱۳؛ عقد الدرر ۲۰۹، ۹؛ العرف الوردی للسیوطی ۲: ۸۳ و فرائد السمطين ۲: ۳۳۴، ح ۵۸۵.

۴. نعمانی، الغیبه، النص، ص ۱۶۶. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ إِنَّ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَوْلُكَ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةَ وَ هُوَ الْمُتَنَتِّظُ وَ هُوَ الَّذِي يُشَاكُ فِي وِلَايَتِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بِلَا خَلْفٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ غَائِبٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ وَ لِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بَسِينٍ وَ هُوَ الْمُتَنَتِّظُ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ قُلُوبَ الشَّيْعَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ بَرْتَابُ الْمُتَبَلِّغِينَ يَا زُرَّارَةَ قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةَ مَتَى أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتْ عَنْ دِينِي».

جواد این امیدواری را واجب دانسته است و می‌فرماید:

قائم ما اهل البیت علیهم‌السلام، همان مهدی است که واجب است در غیبتش منتظرش
بمانند و در ظهورش از او اطاعت کنند.^۱

۲-۳. تقویت اندیشه مبارزه با دشمنان و مدعیان دروغین

یکی از آسیب‌های جدی در عرصه اندیشه‌ی امامت وجود دشمنان و مدعیان دروغینی است که در هیبت دوست ظاهر می‌شوند و با برداشت‌های ناصواب از مباحث اصیل مهدوی به سست کردن باورهای منتظران اقدام می‌کنند. اینان به راستی، همان دشمنان واقعی و مدعیانی هستند که خیل زیادی از عاشقان را به انحراف می‌کشانند. این مدعیان به اندیشه شیعی منحصر نبوده، بلکه همه فرقه‌های اسلامی (شیعه و اهل سنت) با این موضوع (مهدیان دروغین) درگیر بوده‌اند. انگیزه‌هایی همچون قدرت طلبی، طمع نسبت به ثروت و گرایش‌های خاص سیاسی و حزبی سبب شکل‌گیری این فرقه‌ها منحرف شده که با بهره‌گیری از جهل و ناآگاهی مردم نسبت به مسائل دینی و اعتقادی سبب انحرافات اعتقادی عمیق در بین مردم می‌شود.^۲

آنچه در چارچوب و اصول فکری مدعیان دروغین وجود دارد، این است که با بهره‌گیری از جهل مردم، تبیین نادرستی از آموزه‌های دینی ارائه کنند و با استفاده از ابزار مختلف رسانه، تالیف کتاب و تشکیل نشست‌های انحرافی و ... به ترویج عقاید گمراه‌کننده خود پرداخته و جمعی از مردم را به دام انحرافات بکشانند. هرچند این مسئله به دوران حکومت اسلامی منحصر نیست و در همه ادوار بوده است، حاکمیت اسلامی می‌تواند با تمام اقتدار در مقابل این انحرافات بایستد و جلو انحراف جدی را بگیرد. اقدام مهمی که حکومت اسلامی باید در ایمن‌سازی اعتقادات مردم در مواجهه با این معضل، انجام دهد، معرفی این مدعیان دروغین و مبارزه با آن هاست. شخص منکر امامت یا مدعی امامت به نوعی مرتد به حساب می‌آید و باید

۱. خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۸۱.

۲. رک: محمدی ری شهری، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۱، ص ۲۹.

اعدام شود.^۱ دستگیری و اعدام این افراد اقدامی است که باید از سوی حکومت با این قدرت و صلابت صورت بگیرد؛ زیرا تا الزام به دستگیری و یا زندان در عمل محقق نشود، این قبیل انحرافات همچنان باقی خواهد بود.

حتی اقداماتی که بعضا از سوی امامان شیعه در مقابله با منکران و مدعیان دروغین صورت گرفته، قابل تامل است. اعلام تکذیب نسبت به مدعیان مشاهده و تعیین کنندگان وقت ظهور در روایات مختلفی با عنوان «کراهیة التوقیت» در کتاب های روایی ذکر شده است.^۲ احمد بن هلال عبرتایی کسی بود که نسبت به امامت ادعایی نداشت و صرفا نیابت خاص محمد بن عثمان را منکر شد که حضرت با افشا کردن این جریان و برائت جستن از تفکرات انحرافی او ایشان را صوفی متصنع خواند و او را مورد لعن و نفرین قرار داد و فرمود:

لَا عُذْرَ لَأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا تِقَاتُنَا؛^۳ هیچ عذری از هیچ یک از دوستان ما پذیرفته نیست که در مطالب نقل شده از ما، توسط افراد مورد وثوق ما شک و تردید کنند.

اقدام حضرت در این باره حجتی است برای تمام دست اندرکاران حکومت که با احساس مسئولیت نسبت به این حوادث نقش آفرینی کنند و در شناسایی و متلاشی کردن کانون انحراف و آگاهی بخشیدن به مردم و پیشبرد سلامت اعتقادی جامعه اقدامات لازم را انجام دهند. برخی از اقداماتی را که از سوی حکومت قابل اجرا است، می توان اشاره کرد: ۱. از آن جا که مهدویت در فرهنگ اصیل شیعیان نهادینه شده است، باید با اصلاح زمینه های فرهنگ مهدی خواهی، سایر مدعیان دروغین را معرفی و کذب آنان را بر ملا ساخت، همان طور که در روایت نسبت به تکذیب آنان اشاره شده است: «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ»؛^۴ ۲. چاپ و نشر

۱. خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۲.

۳. کشی، رجال کشی، ص ۵۳۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

کتاب‌های پاسخ به شبهات مدعیان دروغین؛^۳ مبارزه با کانون‌های تولید کننده شبهه و ... که سبب آگاهی بخشی به مردم می‌شود.

۴-۲. معرفت افزایی نسبت به صفات و ویژگی‌های امام

مطابق برخی آیات^۱ و روایات^۲ اعمال مردم بر رسول الله و ائمه ع عرضه می‌گردد و آن‌ها شاهد اعمال مردم هستند. توجه به این امر، هم عاملی برای معرفت افزایی فرد منتظر نسبت به حجت الهی می‌گردد و هم در بعد خود سازی و خویشتن داری در ارتکاب نواهی می‌تواند به تعالی و کمال شخص کمک کند؛ زیرا اگر کسی به این باور برسد که افرادی بر اعمال و رفتار او نظارت دارد و اعمالش بر آنان عرضه می‌گردد، دامن خود را از آلودگی‌ها و منکرات حفظ می‌کند. یکی از اقداماتی که باید از سوی دولت اسلامی برای تعالی و هدایت بخشی نسبت به بینش منتظران انجام گیرد، عمق بخشی به این دسته از باورهاست تا مردم نسبت به حضور امام در بین مردم و سرکشی ایشان از کارهایشان توجه کافی داشته باشند.^۳

همچنین از برخی آیات به خوبی استفاده می‌شود که در هر زمان و برای هر امتی خداوند افرادی معصوم از خطا و اشتباه قرار داده تا در روز قیامت به اعمال آنان گواهی دهند. کسی که قرار است شاهد بر اعمال امت باشد، نباید در شهادتش اشتباه کند، و نیز باید بر همه اعمال امت احاطه علمی داشته باشد. اینان کسانی‌اند که در امر هدایت بشر حجت خدا در روی زمینند.

فخر رازی در ذیل آیه **﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا﴾**؛^۴ «و [در آن روز] از هر امتی گواهی بر می‌گزینیم.» می‌گوید: «آنان شاهدانی هستند که در هر زمان بر مردم شهادت می‌دهند که از جمله آن‌ها انبیا هستند.»^۵ نیز در ذیل آیه **﴿يَوْمَ تَبْعَثُ فِي**

۱. توبه: ۱۰۵.

۲. صفاری، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۴. قصص: آیه ۷۵.

۵. فخر رازی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲۵، ص ۱۲ و ۱۳.

كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدٌ^۱؛ روزی را که از هر امتی گواهی بر آنان بر می‌انگیزیم.»؛ می‌گوید: هر جمعی که در دنیا به وجود می‌آید لازم است کسی به عنوان شاهد در میان آن‌ها وجود داشته باشد»^۲.

شاهد در زمان رسول خدا ﷺ خود حضرت بود، به دلیل آیه: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾^۳، و نیز لازم است که در هر زمان بعد از رسول، شاهدی در میان امت باشد. کاری که حکومت در عمق بخشی به این باور می‌تواند انجام دهد، این است که با تدوین کتاب‌های آموزشی در دوره‌های مختلف آموزشی (مدارس و دانشگاه) می‌تواند معرفت‌افزایی را در بین عاشقان و منتظران افزایش دهد. همچنین نهادهای دینی و مذهبی همچون صدا و سیما، حوزه‌های علمیه، امور مساجد و سازمان اوقاف می‌توانند با برگزاری جلسات روشنگری به این مباحث رسیدگی کنند.

۲-۵. تقویت بینش منتظران در دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی

در عصر غیبت، دشمن با راهکارهای اساسی و خطرناک و در قالب لباس دوست، اندیشه و باورهای منتظران را مورد حمله قرار می‌دهد. از آن‌جا که تولا و تبراً از مهم‌ترین واجبات دینی محسوب می‌شوند و التزام به آنان برای همه جویندگان هدایت و رستگاری، به ویژه منتظران ظهور که سر در گرو ولایت امام عصر دارند، ضرورت دارد؛ باید نسبت به دوستی و دشمنی با دوستان و دشمنان اهل بیت حساست لازم را نشان دهند. مطابق روایت امام رضا علیه السلام کمال دین با ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست؛ زیرا ولایت اهل بیت در حق کسی کامل نمی‌گردد مگر با

۱. نحل: ۸۴.

۲. همان، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۵۵.

۳. بقره، ۱۴۳ «همان‌گونه [که قبله شما، يك قبله میانه است] شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط] تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه است».

۴. مراد از تولا پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن (ابن منظور، لسان العرب ۱۳، ص ۴۰۷) و تبراً همان دشمن‌ستیزی و بیزاری از دشمنان الهی است. (فیومی، فرهنگ ابجدی، ص ۶۷۲).

برائت جستن از دشمنان ما (دور باشد یا نزدیک).^۱

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و همآوری دو «ولایت» است: انسان‌ها در این فرهنگ، یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند و یا در خط ولایت شیطان و دوستان او. از یک سو خدا و مومنان هستند که خدا خودش را ولی و سرپرست مومنان معرفی می‌کند: ﴿اللَّهُ وَبِئِیُّ الدِّینِ أَمْنًا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۲. از سوی دیگر، ابلیس (طاغوت) و ولایتش قرار دارد که بر سر کفار گسترده شده است: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُوهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾^۳. شیطان به عنوان دشمن آشکار در پی ایجاد فتنه و نزاع بین انسان‌هاست^۴ که خدا برحذر شدن از او را دستور داده است. در مقابل کفار را به عنوان دشمن مومنان معرفی می‌کند.^۵ زیرا باید از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشد و از سوی دیگر، از ولایت شیطان و پیروان او بی‌زاری بجوید و این همان حقیقت «تولاً» و «تبراً» است که در مکتب تشیع بر آن تأکید فراوان شده است.

حکومت دینی باید با تمام قوا برای شناساندن دشمن به منتظران اقدامات لازم را انجام دهد. شناخت دوست و دشمن در مسیر ولایت‌پذیری و تبعیت از امام بسیار لازم و ضروری است؛ زیرا شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمه دل بستن و در آویختن به یکی و بی‌زاری جستن و دوری‌گزیدن از دیگری است مطابق فرموده امام صادق علیه السلام: «دوستی فرع [حاصل] معرفت است؛ ... الحبّ فرع المعرفة»^۶ این بیان نورانی بیانگر ضرورت دوستی و محبت در کنار معرفت است از این رو، برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری‌اند، به ویژه برای کسانی که سر در

۱. «کمال الدین ولایتنا و البراءة من عدونا لا ینمّ الولایة و لا تخلص المحبّة و لا تثبت المودّة لآل محمد علیهم السلام إلا بالبراءة من عدوّهم قریباً کان أو بعیداً»؛ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸).

۲. بقره: ۲۵۷.

۳. همان.

۴. اسراء: ۵۳.

۵. نساء: ۱۰۱.

۶. همان، ج ۶۷، ص ۲۲.

گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دارند، «دوست شناسی» و «دشمن شناسی» ضروری است.

تا زمانی که معرفت و بصیرت لازم و کافی به دشمن حاصل نشود و بصیرت مردم نسبت به دشمن زیاد نگردد، حق ولایتمداری نسبت به امام و تبعیت از ایشان آن گونه که باید به جا آورده نمی‌شود و شناخت نسبت به کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند؛ محقق نمی‌گردد. لذا حمایت و تبعیتی هم از امام صورت نمی‌گیرد. بنابراین، دولت اسلامی باید در حد لزوم نسبت به توانمند سازی جبهه منتظران در حوزه‌های دفاعی و دشمن شناسی اقدام و باورهای منتظران را در این دو حوزه به شدت تقویت کند؛ زیرا با تقویت بینش دشمن شناسی و دشمن ستیزی جبهه «ولایت» قوت گرفته و در فتنه‌ها و تند بادهای زمانه دچار تزلزل و سقوط نمی‌گردد. همچنین داشتن نیروی توانمند نظامی و سپاه قدرتمند در برابر حملات و تهاجمات دشمن از ضروری‌ترین دستاوردهای حکومت دینی می‌تواند باشد تا چنین حکومتی بتواند با آمادگی بیش‌تر حمایت خود را از دولت مهدوی داشته باشد. مصادیق بارز در عدم دشمن شناسی و بصیرت به هنگام یاران امام را می‌توان در دوران امامت امیر المومنین علیه السلام و حسنین علیهم السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام مشاهده کرد که به خانه نشینی، زندانی و شهید شدن اهل بیت علیهم السلام منجر گردید.

۲-۶. تقویت باورمندی به تاثیر وجود امام در نظام تکوین و تشریح

باورمندی به وجود امام از آثار شناخت اوست و هر شخص با این باور عمیق همواره خود را در معرض هدایت امام می‌بیند؛ حتی برخی از علمای اهل سنت بر این اندیشه صحه گذاشته و آن را باور کرده‌اند تا جایی که علامه البانی، رجالی بزرگ اهل سنت، عقیده به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را واقعی دانسته و با تواتر حدیثی اثبات کرده است.^۱ تقویت این بینش الزاماتی برای منتظر دارد که سبب جهت یابی در حوزه تربیت مهدوی و تعالی بخشیدن به افکار و اندیشه‌های او می‌گردد. باورمندی منتظران نسبت به جایگاه و نقش امام در نظام تکوین و

۱. آل‌بانی، موسوعه الالبانی فی العقیده، ج ۹، ص ۲۷۸.

تشریح که «ان الامامه اس الاسلام النامی و فرعه السامی»^۱؛ امامت، ریشه و اساس اسلام و شاخه سربلند آن است.»

در حدیث کساء چنین آمده است:

... وَعَزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً، وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً، وَلَا قَمَراً مُنِيرًا، وَلَا شَمْساً مُضِيئَةً وَلَا فَلْكَاً يَدُورُ، وَلَا بَحْراً يَجْرِي، وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي، إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ...؛ به عزت و جلال خودم قسم! این آسمان موجود و زمین کشیده شده و ماه نورانی و خورشید روشنی دهنده و فلک حرکت کننده و دریای روان و کشتی سیار را نیافریده ام، مگر برای خاطر شما و دوستی شما» و «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْعَيْثَ وَبِكُمْ يُنْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَفْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْفِثُ الِهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ...؛ خدا با شما آغاز کرده است، و با شما پایان می بخشد، و به یمن وجود شما باران را فرو می بارد، و آسمان را از سقوط بر زمین بدون اذنش باز می دارد، و به وسیله الطاف شما غباراندوه را از دل ها می زداید، و سختی زندگی و بدی حال را برطرف می سازد.^۲

فهم دقیق این مطلب نکته ای است راهگشا و محور آنچه مورد بحث است و بدان اشاره شد: عالم علاوه بر علت محدثه به علت مبقیه هم محتاج است و علاوه بر اراده الهی وجود امام نیز در دوام و بقای هستی لازم و ضروری است؛ زیرا:

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ^۳؛ به بقایش دنیا باقی است، و از برکتش بندگان روزی یافته اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است.

امام علیه السلام مجرای خیر و فیض الهی و سبب جلب خیرات و برکات در دنیا و آخرت است. حاکمیت این وظیفه را دارد تا با ایجاد بسترهای مناسب، از جمله نشر و گسترش کتابها و

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸.

۲. العزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۵۳۲؛ قمی، مفاتیح الجنان، ص ۸۵۶.

۳. مجلسی، بحار الانوار عن جامع الدرر الاخبار، ج ۲۳، ص ۱۹.

مقالات مرتبط، ساخت فیلم‌ها و مستندهایی با موضوعات مرتبط با سیره معصومان علیهم‌السلام و همچنین برگزاری همایش‌ها، مسابقات و جلسات علمی؛ ابعاد وجودی امام را بیش‌تر به جامعه مخصوصاً نسل جوان بشناساند. هر چند شخص به صورت محسوس وجود امام را درک نمی‌کند و در ظاهر دسترسی به او را ندارد؛ اما با استفاده از برخی از مبانی دینی می‌توان این‌اندیشه را در او تقویت کرد.

۲-۷. پیوند دین با اقتصاد

وجود مشکلات عدیده در زندگی، یکی از مولفه‌های دین‌گریزی مردم، مخصوصاً جوانان است. این مشکلات بعضاً با تضعیف بینش‌های اعتقادی مردم سبب بی‌اعتقادی آنان می‌شود و آن‌ها را از مسیر درست دین خارج می‌کند. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی در بین خانوارها و همچنین گسترش سفره مردم در تامین مایحتاج زندگی‌شان تا حدودی می‌تواند بار فشارهای گسترده اقتصادی را از دوش مردم بردارد و آنان را از چالش‌های تاثیر بی‌اعتقادی نجات دهد. مطابق برخی روایات عدم تامین امنیت اقتصادی و رسیدگی به اوضاع معیشت مردم ممکن است آن‌ها را به مرز کفر برساند؛ همان‌طور که از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن اشاره شده است: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۱؛ چه رسد به باور به وجود امام که در مرتبه بعد از باور به توحیدی قرار دارد. لذا حاکمیت اسلامی می‌تواند با رعایت حقوق اقتصادی نسبت به تامین‌اندیشه‌های اعتقادی مردم چاره‌جویی کند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

نتیجه

مطابق آنچه گذشت، حکومت دینی نهادی برآمده از آموزه‌های دینی و سیاسی و با پشتیبانی مردمی است که می‌تواند بر حوزه‌های بینشی و گرایشی و کنشی مردم تاثیر گذار باشد و در این بین وظایفی بر عهده دارد، از جمله اینکه باید امنیت ظاهری و اعتقادی مردم را تقویت و حفظ کند و نمی‌تواند به ایمان و اعتقاد مردم جامعه بی تفاوت باشد؛ زیرا اولاً، این حکومت برخاسته از اسلام و وامدار آن است و مشروعیت و اقتدارش را از اسلام دارد؛ ثانیاً، دولت مردان و دست‌اندرکاران حاکمیت زمانی می‌توانند به نام اسلام حکومت کنند که باورهای مردم نسبت به اسلام محکم و پا برجا باشد تا از دولتمردان خود حمایت کنند. اگر مردم به دین و احکام اسلامی، معتقد نباشند یا برای عمل آمادگی لازم را نداشته باشند، یا از اصل حاکمیت دینی حمایت نکنند، به هیچ عنوان آن مقبولیت کافی را نخواهد داشت و عملاً امکان حاکمیت و اجرای دستورهای دین در جامعه محقق نخواهد شد، چه رسد به این‌که نسبت به اندیشه و باور مردم تاثیر گذار و یا نقش آفرین باشد. بنابر این، حاکمیت دینی برای حفظ موجودیت خود لاجرم باید با اصول و مبانی خاص دینی دستورالعمل‌هایی را تنظیم و اجرایی کند تا نسبت به جامعه، حکمرانی لازم را بر اساس دستورهای خدا و پیامبر ﷺ داشته باشد و برای تقویت و تعالی اندیشه و بینش مردم اقداماتی را انجام دهد.

برخی از این اقدامات را می‌توان شامل موارد زیر است:

- تعلیم و تربیت در جهت تعالی بخشیدن به بینش منتظران؛
- شناساندن مدعیان دروغین و بدعت گزاران و حفاظت و صیانت از محتوای دین در مقابله با آنان؛
- ایجاد زمینه‌های بصیرت افزایی و دشمن شناسی در بین مردم، مخصوصاً جوانان؛
- تقویت روح امید آفرینی و انتظار برای ظهور آخرین منجی و رهبر الاهی؛
- تامین اقتصاد و رفاه نسبی در بین مردم برای که هرچه بیش‌تر منتظران را نسبت به ظهور حضرتش آماده و مهیا سازد.

منابع

قرآن مجید

۱. آصفی، محمد مهدی، *الانتظار الموجه*، قم، نشر فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۸۵.
۲. البانی، محمد ناصرالدین، *موسوعه الالبانی فی العقیده*، بی جا، چاپ نعمان البحوث فی الدراسات الاسلامیه، ۱۴۳۱ ق.
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن، *مقدمه*، تهران، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۴. الهی نژاد، حسین، *مردم و زمینہ سازی ظهور*، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.
۵. بخشیان، ابوالقاسم، *راہبردهای تعالی معنوی انسان در قرآن*، بی جا، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳.
۶. برنجکار، رضا، *وظایف جوانان در عصر غیبت*، نشریہ جامعہ مهدوی، ۱۴۰۱.
۷. پورسید آقایی، امیری قوام، *بررسی چالش‌های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت*، مشرق موعود، شماره ۴۹، بہار ۱۳۹۸.
۸. بستانی، فواد افرام، *فرہنگ ابجدی*، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. جوہری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغه*، بی جا، نشر دارالعلم للملایین، ۱۹۵۶ م.
۱۰. حرانی، ابن شعبہ، تحف العقول فیما جاء من الحکم و المواعظ عن آل رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، ۱۳۶۲.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطہر، *مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ*، قم، نشر جامعہ المدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. حنبل، احمد، *أحادیث المہدی علیہ السلام من مسند أحمد بن حنبل*، قم، جامعہ المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. خمینی، روح اللہ، *تحریر الوسیلہ*، تهران، دفتر نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۷.
۱۴. دہخدا، علی اکبر، *لغت نامہ*، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۵. رضی، ابوالحسن، *نہج البلاغہ*، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۱۶. سفارینی حنبلی، محمّد، *لوامع الأنوار البہیة و سواطع الأسرار الأثریة*، لبنان، ۱۴۱۱ ق.

۱۷. شبان نیا، قاسم، **فلسفه سیاست**، قم، نشر موسسه امام خمینی، ۱۳۹۸.
۱۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم، **انتظار بایدها و نبایدها**، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۷۸.
۱۹. شوشتری، قاضی نور الله، **إحقاق الحق وإزهاق الباطل**، قم، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۳۷.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، **کمال الدین و تمام النعمه**، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۶.
۲۱. صفار، ابوجعفر محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل اهل البيت علیهم السلام**، قم، نشر مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. صفائی حائری، علی، **از معرفت دینی تا حکومت دینی**، قم، نشر لیله القدر، ۱۳۸۶.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)**، مشهد، نشر مرکز مطالعات دانشگاه ۱۳۴۸.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. _____، **کتاب الغیبه**، قم، نشر دارالمعارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. _____، **کشف المراد فی شرح تجدید الاعتقاد**، بیروت، طبع موسسه الاعلمی، ۲۰۱۲ م.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، **تفسیر مفاتیح الغیب**، بیروت، نشر دار الاحیاء لتراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۵۲.
۲۹. قنبری نیک، محسن، **ویژگی های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت خامنه ای**، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود سال نوزدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۸.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، نشر دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار عن جامعه لدرر الاخبار آل الرسول ﷺ**، قم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۲.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد و جمعی از نویسندگان، **دانشنامه عقاید اسلامی**، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۳۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۳.
۳۴. ملکی راد، محمود، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.
۳۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم، نشر جمکران، ۱۳۹۳.
۳۶. موسوی الخمینی، روح الله، *کتاب البیع*، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۱.
۳۷. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲.
۳۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، قم، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۲.
۳۹. واعظی، احمد، *حکومت اسلامی (درسنامه اندیشه سیاسی اسلام)*، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۴۱۰ق.

مهندسی فرهنگ اقتصاد در تمدن مهدوی (با تأکید بر اصل قناعت و مساوات)

خدا مراد سلیمیان^۱

امیرعباس خسروی^۲

چکیده

از برجسته‌ترین مشکلات جامعه پیشاظهار، مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم بر اثر نابرابری و فزون خواهی است و در برابر آن، یکی از اقدامات بنیادین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی موعود بر پایه سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، اصلاح این امور و حل مشکلات اقتصادی است.

جستار پیشی رو تلاشی است در بازنمایی نقش رفاه اقتصادی در شکل‌گیری تمدن مهدوی با تأکید بر پایه دو اصل قناعت و مساوات. برای این بازنمایی تبیین «مشکلات و بحران‌های اقتصادی»، «فساد در نظام اقتصادی حاکم» و «آمادگی اذهان عمومی برای جایگزینی نظام اقتصادی کارآمد»؛ از بایسته‌هایی است که باید بدان توجه کرد.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و نتایج تحلیل و ترکیب داده‌های گردآوری شده، گویای آن است که «بهبود وضعیت معیشتی با محوریت دو اصل قناعت و مساوات»، «برکات زمینی و آسمانی»، «فزونی مشروع اموال» و «ریشه‌کن شدن فقر و تنگدستی» از ابعاد برجسته پیشرفت اقتصادی در جامعه متمدن مهدوی است. نکته برجسته در این پژوهش، آن است که تأثیر رفاه اقتصادی بر رشد و تعالی معنوی جامعه متمدن مهدوی غیر قابل انکار است.

واژگان کلیدی: رفاه اقتصادی، تمدن مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر ظهور، مساوات، قناعت.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران. kh.salimian@isca.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) 17khosravi@gmail.com

مقدمه

«تمدن» که در لغت به معنای: شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود^۱ است؛ در اصطلاح به سطحی پیشرفته از زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود که در عرصه‌های دین، فرهنگ، دانش و اقتصاد به رشد و تعالی رسیده باشد. رسیدن به چنین جامعه‌ای، همواره هدف نظام اجتماعی بالنده و از آرزوهای اصلاح‌گران و خیرخواهان اجتماعی بوده است. هدفی که پیامبران الهی، به‌ویژه در راه رسیدن به آن گام برداشته و برخی از آن‌ها، همچون حضرت یوسف علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام به بخشی از آن رسیده‌اند.^۲ ناگزیر این هدف آرمانی، زمانی به نتیجه خواهد رسید که در تمدنی فراگیر بروز و ظهور یابد. چنین تمدن فراگیر و جهان‌شمولی به وسیله دین مقدس اسلام به عنوان دین کامل و به دست منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل خواهد گرفت.

جامعه شایستگان - که همواره در آموزه‌های وحیانی بدان بشارت داده شده است^۳ - در آخرالزمان تحقق خواهد یافت. این جامعه که به والاترین گونه ممکن، تمدنی فاخر و جهانی را شکل خواهد داد، بر پایه آموزه‌های اسلامی به پیشوایی آخرین حجت الهی امری ناگزیر و حتمی می‌نماید.^۴

البته جامعه متمدن مهدوی، در بسترهای گوناگونی به رشد و بالندگی خواهد رسید که یکی از آن‌ها مسئله اقتصاد است. آنچه از روایات عصر ظهور به دست می‌آید، این است که در آن دوران، جامعه یگانه بشری تشکیل می‌شود که مانند یک خانواده زندگی می‌کنند، و تقسیم جوامع به غنی و فقیر و توسعه یافته، از بین می‌رود و بشر به طور فراگیر به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست

۱. عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲. یوسف: ۹۹ و بقره: ۱۰۲.

۳. انبیاء: ۱۰۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

می‌یابد؛ آن‌گونه که پیش از آن هرگز تحقق نیافته بود و همین، زمینه بنیادین رشد و تعالی معنوی و فکری انسان‌ها را فراهم می‌سازد.

بر این اساس، همه فعالیت‌های یکایک افراد جامعه در تمدن مهدوی در جهت رشد معنوی و نزدیکی انسان به خداوند متعال شکل خواهد گرفت. اگر حکومت در پی فراهم کردن رفاه اقتصادی یا برپایی عدالت و امنیت باشد؛ هدفش حرکت مردم به سوی کمال و مانع‌زدایی از این مسیر است و هیچ‌یک از این موارد که حتی از شاخصه‌های تمدن مهدوی به شمار می‌رود، به خودی خود ارزش و اعتباری نخواهد داشت.

به دیگر سخن، تمدن اسلامی در عصر ظهور دارای یک جسم و کالبد و یک روح و روان است. کالبد آن، کلیه دستاوردهای مادی و رفاهی است و روح تمدن اسلامی نیز مجموعه‌ای از عقاید، باورها و آموزه‌هایی است که به رفتار و شیوه زندگی آنان شکل می‌دهد.^۱ منظور از مبانی ارزشی تمدن اسلامی، همین باورهاست که هدف نظام‌های تمدنی است و هر فعالیت‌هایی در جامعه متمدن اسلامی برای تحقق این مبانی ارزشی جهت‌دهی خواهد شد.

پیش از هر سخن بایسته است تعریفی اگرچه کوتاه از رفاه اقتصادی ارائه گردد. واژه «رفه» و «رفاه» در منابع لغوی به معنای مرفه شدن، آسایش و آرامش بخشیدن به زندگی و برخورداری از امکانات مادی است؛^۲ اما در جوامع امروزی تعریف مشخصی برای رفاه اقتصادی در دست نیست؛ چراکه هرگاه شاخصه‌ای برای رفاه تعریف شده است، پس از مدتی ملاحظه می‌شود که با وجود رشد آن شاخصه (مثلاً تولید ناخالص ملی) همچنان رفاه اقتصادی محقق نشده است. به همین دلیل تعاریف و شاخصه‌های پرشماری برای رفاه بیان شده است؛ اما می‌توان گفت معنای اصلاحی رفاه اقتصادی، برخورداری از امکانات مادی و نعمت‌های دنیایی است. اصطلاحاً کشوری را که مردم آن از لحاظ اقتصادی بی‌نیاز باشند و انواع امکانات در اختیارشان باشد، آن مردم را مرفه اقتصادی می‌دانند.

۱. عرفان، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۸۷.

۲. دهخدا، لغت نامه، ج ۷، ص ۱۰۷۰۶. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۴۳.

جایگاه اقتصاد در جامعه متمدن و تاثیر آن بر رشد و تعالی جامعه

اشاره شد یکی از امور ناگزیر جامعه متمدن، «رشد و رفاه اقتصادی» است. جامعه متمدن جامعه‌ای است که در همه زمینه‌ها از جمله اقتصاد دارای عزت و استقلال کامل و به بیگانه هیچ وابستگی نداشته باشد.

در تمدن اسلامی نیز رفاه اقتصادی و برخورداری از مواهب مادی جایگاه برجسته و کارسازی دارد؛ چرا که همین رفاه و بی‌نیازی اقتصادی هنگامی که در پرتو رهبری الهی باشد، بستر را برای رشد و تعالی معنوی و فکری انسان فراهم می‌کند. فقر و نیازمندی روزانه به غذا، لباس، مسکن، دارو و... آسایش و فراغت را از بین می‌برد و زمینه رشد و تکامل معنوی او را نیز نابود می‌کند. انسانی که همواره در اندیشه سیرکردن شکم و پوشیدن بدن و دستیابی به مسکن و... باشد، فرصتی ندارد تا به مفاهیم برتر زندگی بیندیشد و برای رشد و تعالی معنوی برنامه‌ریزی کند؛ همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در فرمایشی به همین نکته اشاره کرده، فقر و تهیدستی را از زمینه‌های کفر و انکار خداوند دانسته است.^۱

این پندار که در دین اسلام برخورداری از مواهب مادی و دنیایی جایگاهی ندارد و به همین دلیل تمدن اسلامی در این بستر رشد و نمو چندانی نخواهد داشت؛ انگاره نادرست و نسنجیده‌ای است؛ چرا که خداوند متعال در قرآن کریم به روشنی بیان کرده که انسان‌ها را در زندگی توانمند گردانده و برای آن‌ها توشه‌ها نهاده است.^۲ همچنین در جایی به مردمان تأکید کرده از امور دنیایی و بهره‌های مادی آن غافل نباشید.^۳ در جایی دیگر که با اشاره به این‌که خداوند انسان‌ها را از زمین آفرید و در آن زندگانی قرار داد؛ آبادانی را از آنان خواست؛^۴ به این مهم اشاره کرده است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۴.

۲. اعراف: ۱۰.

۳. قصص: ۷۷.

۴. هود: ۶۱.

بر پایه این آیات، به روشنی می‌توان به این نتیجه رسید که برخورداری از موهبت‌های مادی و دنیایی به خودی خود، نه فقط امری ناپسند نیست، بلکه از بایسته‌های زندگی دنیایی و زمینی و یکی از شاخصه‌های جامعه متمدن و پیشرفته اسلامی است.

بررسی رفاه اقتصادی در عصر ظهور (تمدن مهدوی)

در باره رفاه اقتصادی در دوران ظهور، روایات پرشماری در دست است و می‌توان گفت از جمله مسائلی است که تأکید فراوانی بر آن شده است و این برجستگی مسئله و نقش آن در ساختن جامعه پیشرفته و متمدن مهدوی را نشان می‌دهد. شاید پس از اصل بنیادین عدالت، رفاه اقتصادی دومین اصلی باشد که در آن عصر نورانی بدان اهتمام خواهد شد.

آنچه از مطالعه و بررسی روایاتی که عصر ظهور را ترسیم کرده‌اند به دست می‌آید، این که در دولت حضرت، زمینه رفاه و آسایش کامل اقتصادی فراهم شده و همه امکانات در اختیار مردم قرار می‌گیرد و امت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چنان مواهبی برخوردار می‌شوند که مثلاً آن گونه از نعمت‌ها برخوردار نبوده‌اند.^۱

برخورداری از نعمت‌ها و برکت‌های زمینی و آسمانی پروردگار، فزونی اموال، بهبود وضعیت معیشتی و از بین رفتن فقر و تنگدستی از ابعاد گوناگون اقتصادی آن دوران است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بهبود معیشت مردم با محوریت اصل قناعت

یکی از برجسته‌ترین دگرگونی‌های در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهبود وضع معیشتی و اقتصادی مردم است. توجه به اوضاع اقتصادی و معیشتی امت اسلامی در دوران پیش از ظهور اهمیت این مسئله را روشن می‌سازد: دورانی که از لحاظ اقتصادی عموم مردم، با فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد.^۲

۱. ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳ و علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲. طه: ۱۲۴.

در نگرش نخست، به نظر می‌رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می‌روند؛ اما بخش‌های زیادی در لایه‌های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و ناداری دست به گریبان هستند.^۱ بی‌گمان وضعیت اسفناک اقتصادی و اجتماعی دوران پیش از ظهور، وضعیت دورانی است که نظام فاسد اقتصادی حاکم بر جهان به چپاول و استثمار مردم مشغول و باعث فقر، بیکاری از سویی و تجمل‌گرایی از سوی دیگر شده است؛ اما در دولت مهدوی با هدایت‌های رهبری قدسی و با اتکا بر علم لدنی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم سبک زندگی درست را پیدا و از فقر و بیکاری نجات پیدا می‌کنند.

در جامعه‌ای که قناعت به عنوان اصل پذیرفته شده باشد، مردم در رفاه و آسایش زندگی خواهند کرد. از این رو، یکی از برجسته‌ترین مسائلی که به رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نهادینه خواهد گشت، اصل «قناعت» است؛ چرا که اگر قناعت نباشد، طمع و حرص جایگزین آن خواهد شد^۲ و این، همان چیزی است که در جوامع امروزی قابل مشاهده است. امروزه به روشنی دیده می‌شود مردم به دلیل طمع و چشم‌وهم‌چشمی زندگی خود را به سختی انداخته و آرامش را از خود سلب کرده‌اند. اگر قناعت، اصلی پذیرفته شده باشد، بسیاری از خرج‌های غیرضروری از بین رفته و مردم برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی همچون حقد و کینه زندگی را برای خود سخت نمی‌کنند. در روایت است چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند حقد و کینه از میان انسان‌ها رخت بریندد.^۳

فراوانی ثروت و دارایی در حکومت مهدوی، افزون بر افزایش اقتدار دولت اسلامی و فراهم‌آوردن رفاه اقتصادی، زمینه ریشه‌کن شدن بسیاری از مشکلات اجتماعی را مهیا خواهد کرد. در دولتی که همگان به اندازه نیاز به اموال دسترسی داشته باشند، بخشی از ناهنجاری‌های اخلاقی مانند دزدی، حتی خونریزی و قتل و غارت که با هدف به دست آوردن اموال صورت

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲. منسوب به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصباح الشریعة، ص ۲۰۲.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

می گرفته است، ریشه کن خواهد شد؛ چراکه هر اندازه مالی که نیاز داشته باشد از طرف حضرت به او داده خواهد شد.

این، همان نکته‌ای است که امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حکمتی بدان اشارت فرمود:

مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ وَ [الدَّعَةَ] الرَّغْبَةَ مِفْتَاحَ النَّصَبِ وَ مَطِيئَةَ التَّعَبِ؛ هر کس به اندازه‌ای که او را کفایت می‌کند قناعت کند، به آسایش و نظم می‌رسد و در آسودگی و رفاه جای می‌گیرد؛ ولی طمع کلید رنج و سختی و مرکب ناراحتی است.^۱

در کنار این ثروت و دارایی، روحیه قناعت است که مردمان با فروکاستن از آرزوهای مادی و خواسته‌های فزاینده دنیوی به استغنای روحی دست می‌یابند. بالارفتن ظرفیت‌های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین‌آوردن سطح خواسته‌های گوناگون و بی‌پایان مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و مواردی از این دست، از نشانه‌های غنای روحی و معنوی‌اند که با رشد خردورزی در عصر ظهور به گونه‌ای کامل پدید خواهد آمد و به شکل‌گیری هر چه بهتر عدالت کمک می‌کند.^۲

بر این پایه، در دولت مهدوی با مهندسی فرهنگ اقتصاد، اصل قناعت نهادینه خواهد شد و مردم در پرتو راهنمایی‌های حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ التَّوْبَاتُ به سبک زندگی اسلامی خواهند رسید. همان گونه که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهِجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ... وَ كُنْتُمْ مَوْتِنَةَ الطَّلَبِ وَ التَّعَسُّفِ وَ نَبَذْتُمْ الثِّقْلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ؛^۳ بدانید اگر شما از منجی شرق [= مهدی] پیروی کنید، شما را به روش پیامبر در می‌آورد تا از رنج طلب و سختی [برای دستیابی به وسایل زندگی] آسوده باشید و بار سنگین

۱. شریف رضی، نهج البلاغة، ص ۵۴.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۶.

[زندگی] را از شانه هایتان بر زمین نهد.

در این روایت، امام صادق علیه السلام به این نکته برجسته اشاره می‌فرماید که در دولت مهدوی سبک زندگی اسلامی (مَنَاهِجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) اجرا خواهد شد و مردم بار سنگین زندگی را زمین خواهند گذاشت، و این مهم با محوریت اصل قناعت به وقوع خواهد پیوست. در جامعه‌ای که قناعت اصلی تثبیت شده باشد، مردم برای تأمین نیازهای زندگی خود را به سختی و دشواری نمی‌اندازند و بدون احساس کمبود، با آرامش زندگی خواهند کرد؛ همان‌گونه که حضرت در ضمن روایتی که در مورد رضایت از روزی خداوند صحبت می‌کنند، به نقل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَنَاعَةُ مُلْكٌ لَا يَزُول»^۱

بنابراین، یکی از پندارهای نادرست در باره رفاه اقتصادی در تمدن مهدوی این است که مردم در دولت حضرت مهدی عَجَلُ اللهُ إِلَيْهِمْ به موجب فراوانی نعمت و اموالی که به آن‌ها خواهد رسید، می‌توانند به هرمقدار و هر سبکی که بخواهند خرج کنند و از آن اموال هرگونه اراده کنند، بهره ببرند، و گمانشان این است که در آن زمان کاستی‌ها و کمبودهایی که امروزه در زندگی خود احساس می‌کنند، رفع خواهد شد. این، درحالی است که نه فقط بهبود وضع معیشت با مهندسی فرهنگ اقتصاد و محوریت اصل قناعت صورت می‌پذیرد، و انسان‌ها احساس بی‌نیازی می‌کنند؛^۲ بلکه (همان‌طور که خواهد آمد) فزونی نعمت‌ها و برکات آسمانی در پی تقوای الهی و بسط فرهنگ عبودیت خواهد بود

۲. کاربست اصل تمدنی مساوات

مساوات و برابری با ابعاد و زمینه‌های گوناگونی در آموزه‌های اسلام آمده و در آیات و روایات فراوانی به این اصل مهم تاکید و جوانب آن روشن شده است. این امر نشان دهنده اهمیت این موضوع در پیشبرد اهداف اسلام و نقش آن در تمدن جدید اسلامی می‌باشد. به همین دلیل،

۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۲۰۳.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷ و مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

یکی از مهم ترین برنامه های دولت مهدوی اجرای اصل مساوات و برابری بین مسلمان ها است، همان گونه که امام باقر علیه السلام ضمن روایتی در مورد احوال عصر ظهور، به این مهم نیز اشاره کرده است و می فرماید: «زمانی که قائم ما قیام کند، [مال را] به صورت مساوی تقسیم و عدالت را در میان رعیت اجرا می کند.»^۱

اصل مساوات در دین اسلام دارای ابعاد و زمینه های گوناگونی است که از جمله آن ها می توان به «مساوات در نظام تکوین و آفرینش»^۲ «مساوات در برابر قانون»^۳ «مساوات در بهره برداری از مواهب طبیعی»^۴ اشاره کرد؛ اما در این گفتار «مساوات اقتصادی در عصر ظهور» که با موضوع فصل مرتبط است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برای برپایی همه جانبه مساوات در جامعه اسلامی اجرای آن توسط حکومت به تنهایی کافی نیست و علاوه بر آن به همیاری همگانی نیاز است. از این روست که در بسیاری از روایات، مساوات به عنوانی یکی از تکالیف شخصی بر عهده مسلمین قرار داده شده است. به همین دلیل، در این بخش به بررسی هر دو جنبه می پردازیم: وظیفه حکومت برای برپایی مساوات، و نقش آحاد مسلمین در شکل گیری آن.

امام باقر علیه السلام در خلال روشن کردن اوضاع معیشتی مردم در عصر ظهور می فرماید:

وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُتَحَايِئًا إِلَى الزَّكَاةِ؛^۵ اموال به تساوی به دست مردم خواهد رسید تا آن جا که فردی دیده نخواهد شد که محتاج زکات باشد.

بی سابقه بودن چنین رویدادی، باور آن را برای مردم مشکل خواهد کرد. فقر، نیازمندی، بی عدالتی و اختلاف طبقاتی که یکی از اساسی ترین مشکلات جامعه بشری تا آن دوران بوده و از پس حل آن برنیامده اند؛ حال توسط دولت مهدوی از بین رفته و عدالت اقتصادی و برابری بین

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۷.

۲. حجرات: ۴۹.

۳. شیخ مفید، الإختصاص، ص ۳۴۱.

۴. بقره: ۲۲.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

اقتشار گوناگون جایگزین آن شده است. این، یکی از همان مسائل ناشناخته‌ای است که امیرالمومنین علیه السلام در مورد عصر ظهور فرموده‌اند: «أَلَا وَفِي غَدِّ وَ سَيَّئَاتِي غَدِّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ»^۱ و یکی از ابعاد همان دستورالعمل جدیدی است که طبق روایات توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آورده می‌شود و موجب شگفتی مردم خواهد شد.^۲

وظیفه حکومت در برپایی مساوات

بی‌گمان در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف عدالت به فراگیری کامل خواهد رسید که یکی از برجسته‌ترین ابعاد آن «عدالت اقتصادی» است. به طور کلی می‌توان گفت، عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه و برابر امکانات مادی و درآمدهای بیت المال، و نیز استفاده درست از منابع طبیعی است، که از برجسته‌ترین شاخصه‌های تمدن مهدوی و از بارزترین ویژگی‌های دولت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که در روایات پر شماری در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این تعبیر وارد شده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»^۳ واژه «قسط» بیش‌تر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود که در این زمینه هیچ‌گونه تبعیضی نباشد (در مقابل جور). رعایت قسط دارای جایگاه خاصی در حکومت اسلامی است؛ به عنوان نمونه در اسلام باید بیت المال به طور مساوی در بین مستضعفان و نیازمندان توزیع گردد؛ همان‌گونه که شیوه امام علی علیه السلام چنین بوده است.^۴

در دولت حضرت مهدی نیز قسط و برابری جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت، در آن دوران همه در استفاده از بیت المال، مواهب طبیعی، معادن و ... مساوی و برابر خواهند بود و از بخشش‌های الهی و نعمت‌های مادی به طور مساوی استفاده خواهند کرد و بیت المال برای همگان به طور

۱. محمد شریف الرضی، نهج البلاغة، ص ۱۹۶.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۱.

۳. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۲۸. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵ و محمد بن ابراهیم

ابن ابي زينب، الغيبة، ص ۸۱.

۴. کارگر، آینده جهان، ص ۳۴۹.

یکسان مصرف خواهد شد. همان‌گونه که رسول‌گرامی اسلام در وصف امام دوازدهم می‌فرماید: « [مهدی] مال را علی السویه تقسیم می‌کند و قلوب امت پیامبر ﷺ از غنا پر می‌شود و عدل او گسترش می‌یابد...»^۱

از روایاتی که در باب مساوات و عدالت اقتصادی در عصر ظهور وارد شده است، برداشت می‌شود که اموال بیت المال و دارایی‌های عمومی که همه افراد جامعه در مقابل آن برابرنند، به صورت مساوی بین همگان تقسیم می‌شود و تبعیضی در بهره‌مندی از آن وجود ندارد؛ می‌توان با نگاهی دقیق‌تر به روایاتی که در صدد بیان عدالت اقتصادی و اجتماعی در عصر ظهور هستند، به این برداشت رسید که در تمدن مهدوی امتیازات و اجرت‌ها نیز به صورت عادلانه و بر پایه عدل و قسط به افراد داده می‌شود و تبعیضی صورت نمی‌گیرد؛ به عکس آنچه در دنیای کنونی دیده می‌شود. پس روشن است که اگر کسی بر اثر تلاش بیش‌تر به سرمایه بیش‌تری رسید خلاف عدالت اقتصادی نیست.

پس یکی از زیرشاخه‌های مدیریت فرهنگ اقتصاد توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرای اصل مساوات است؛ به‌گونه‌ای که با اجرای کامل آن فقر و نیازمندی از بین رفته و دیگر کسی که به زکات احتیاج داشته باشد، پیدا نمی‌شود.^۲

بنابراین مساوات و برابری همگانی در کل کره زمین یکی از مسائل جدیدی است^۳ که توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمدن مهدوی برپاشده و با توجه به بی‌سابقه بودن آن موجب شگفتی مردم خواهد شد.

همیاری آحاد جامعه در اجرای مساوات

از بایسته‌های اساسی برپایی مساوات بین افراد جامعه، همیاری همه مردم و مشارکت همگانی

۱. علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۲۲.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲؛ ص ۳۹۰.

۳. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۷۳.

بر پایه مواسات و همدلی در نهادینه‌سازی این اصل است. به همین دلیل در تمدن مهدوی نیز مردم نقش بنیادینی در به وقوع پیوستن این مهم در جامعه خواهند داشت؛ چرا که اگر این اصل برای افراد یک جامعه تبدیل به دغدغه نشده باشد؛ تلاش یک حکومت برای برپایی همه جانبه آن بی نتیجه خواهد بود.

در تعالیم اسلام نقش مردم برای ایجاد مساوات و همیاری اجتماعی در سه جنبه تبیین شده است:

نخست این که شماری از روایات، ثروتمندان را به مشارکت با تهیدستان و نیازمندان فراخوانده و بینوایان را شریک اغنیا به حساب آورده است.^۱ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خدای متعال، ثروتمندان و بینوایان را در اموال شریک قرار داد، پس ثروتمندان حق ندارند به غیر شریکانشان بدهند...»^۲؛ یعنی بریزند و بپاشند و خود در مصرف زیاده‌روی کنند. امام علی علیه السلام نیز در چند روایت به لزوم مشارکت دادن فقرا در زندگی اشاره فرموده است.^۳

با توجه به این روایات، یکی از اصول پیشرفت اقتصادی و از بین رفتن محرومیت در جامعه مشارکت ثروتمندان با تهیدستان است، حتی اگر این مشارکت به پرداخت خمس و زکات محدود باشد، تأثیرات ویژه‌ای در کم‌شدن محرومیت در جامعه خواهد داشت؛ اما آنچه از ظاهر این روایات فهمیده می‌شود، این است که افزون بر خمس و زکات، دستگیری از محرومان و صدقات مستحب باید مورد توجه مسلمانان قرار گیرد؛ به اندازه‌ای که ثروتمندان فقرا را شریک در اموال خود قرار دهند و این امر، بر نگرش و طرز فکر ویژه‌ای مبتنی است که جز با تعالیم صحیح و ترویج سبک زندگی اسلامی توسط دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه محقق نخواهد شد.

دیگر اینکه در دسته‌ای از روایات همیاری اجتماعی و دستگیری از دیگر مسلمین به عنوان

۱. حکیمی، عصرزندگی، ص ۱۵۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۴۵.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۷.

تکلیفی واجب بر عهده مسلمانان قرار داده شده و بر آن تأکید گشته است؛ تا آن جا که در کلامی امام صادق علیه السلام مواسات اخوان را یکی از امتحانات شیعیان می‌شمارند^۱ و امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «به من ایمان نیاورده است کسی که شب سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه است.»^۲ این دو روایت و روایات بسیار دیگری که در این زمینه وارد شده^۳ نشان دهنده اهمیت این مسئله است. دستگیری از نیازمندان و مدد رسانی به آنان از مهم‌ترین عوامل برپایی مساوات و عدالت اقتصادی است. در جامعه‌ای که مردم از احوال نزدیکان و اقوام و حتی همسایه و آشنای خویش مطلع و به دنبال حل مشکلات آنان باشند، بسیاری از معضلات و مسائل توسط خود مردم حل و فصل خواهد شد.

امام باقر علیه السلام در جواب این کلام راوی که شیعیان شما در شهرهای ما فراوانند، می‌فرمایند:

فَهَلْ يَعْطِفُ الْعَنِيَّ عَلَى الْفَقِيرِ وَ هَلْ يَتَجَاوَزُ الْمُحْسِنُ عَنِ الْمُسِيءِ وَ يَتَوَاسُونَ فَقُلْتُ لَا
 فَقَالَ لَيْسَ هُوَ لِأَيِّ شَيْعَةٍ . الشَّيْعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا؛^۴ آیا بی‌نیازان آنان به حال بینوایان
 توجه می‌کنند و آیا نیکوکاران از خطاکاران چشم می‌پوشند؟ و در اموالشان به
 مواسات رفتار می‌کنند؟ گفتم: نه [چنین نیست]. امام گفت: اینان شیعه نیستند؛
 شیعه کسی است که چنین کند.

سوم این که در شماری از روایات «مساوات مسلمین» به عنوان یک آرمان مطرح شده است؛ چراکه برپایی چنین اصلی در جامعه نه فقط در بعد مادی، بلکه در بعد معنوی نیز موجب پیشرفت و تعالی خواهد بود. جامعه‌ای که بهره‌افراد از امکانات مادی همسان و برابر باشد، مرز داشتن‌ها و نداشتن‌ها از میان رفته و همگان به اندازه نیاز و خواسته خویش از امکانات موجود بهره‌برداری می‌کنند و هیچ‌کس نه فقط مانع استفاده دیگری از آن نخواهد شد، بلکه در بهره‌مندی از آن نیز با رعایت اصل مواسات به یکدیگر یاری می‌رسانند. به همین دلیل ذهن

۱. ابن بابویه، الخصال، ج ۱؛ ص ۱۰۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

۳. همان، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۱۶۹.

مردم از این مسائل آزاد گشته و به مسائل بالاتری می‌اندیشند. در همین زمینه رشد عقلی و معنوی انسان به اندازه‌ای خواهد رسید که هدف اصلی از آفرینش را شناخته و در راه آن تلاش خواهد کرد.

روایات دیگری نیز با این مضامین نقل شده است که به روشنی بر جایگاه ویژه نقش همیاری مردم در تحقق عدالت اقتصادی و برپایی مساوات در جامعه دلالت دارد؛ اما به وقوع پیوستن کامل این امر جز با تعالیم درست و ترویج سبک زندگی اسلامی توسط دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع ممکن نخواهد بود. همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در روایتی تحقق این امر را به زمان حضور مهدی علیه السلام مربوط می‌داند:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَذَكَرَ مُوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَ مَا يَجِبُ لَهُمْ عَلَيْهِ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ عَرَفْتُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ «إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَ أَنْ يُقَوُّوهُمْ»^۱ اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم، او از مواسات مردم با یکدیگر، و حقی که هرکسی بر دیگری دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم، فرمود: «این، هنگام رستاخیز قائم ماست، که در آن روزگار، واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو بخشند.»

در روایت دیگری آمده است:

قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَ اتَّبَعُوكَ فَقَالَ يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أَجْلُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هُدًى تَنَاقَحَهُمْ [تَنَاقَحُهُمْ] وَ تَوَارَثَهُمْ [تَوَارَثَهُمْ] وَ يَقِيمُ [تَقِيمُ] عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَ تَوَدَّى [تُوَدِّي] أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَايَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَنْعَعُهُ»^۲ شیعیان به امام باقر علیه السلام عرض کردند: ما در کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه فرمان

۱. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۱۳.

برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: «آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟» گفتند: نه. فرمود: «پس این گروه [که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند] برای دادن خون خویش [در راه اصلاح جامعه] بخیل‌تر خواهند بود. مردم هم اکنون آسوده‌اند، [که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند] از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم؛ از یکدیگر ارث می‌بریم؛ حدود را برآنان اقامه می‌کنیم؛ امانتشان را باز می‌گردانیم [یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی] اما با قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آن جا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ مانعتی برمی‌دارد.»^۱

تحقق کامل روایاتی که در مورد مواسات که نتیجه آن، یعنی برابری بین مسلمین و همکاری و مدرسانی آنان به یکدیگر سخن گفته است؛ مخصوص زمان ظهور و حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. البته این، بدان معنا نیست که قبل از آن زمان این روایات موضوعی ندارند و لازم نیست به آنان عمل شود.. بلکه امام صادق ع در مقابل شگفتی سائل از چگونگی به وقوع پیوستن چنین مساواتی، فرمودند زمان برپایی کامل چنین مسئله‌ای در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

از مطالبی که ذکر شد، می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از زیرمجموعه‌های مدیریت فرهنگ اقتصادی توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپایی اصل مساوات و برابری در جامعه است که بخشی از آن توسط دولت و بخشی توسط مردم تحت تعالیم مهدوی با همیاری یکدیگر محقق خواهد شد و رشد و تعالی معنوی جامعه را در پی خواهد داشت.

برکات زمینی و آسمانی

بی‌گمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومتی با پشتوانه الهی است؛ حکومتی که مردم

۱. مفید، الاختصاص، ص ۲۴.

تحت رهبری قدسی امام معصوم علیه السلام به اطاعت خدا روی می‌آوردند و به فرمان‌های حجت خدا گردن می‌نهند. در چنین جامعه‌ای که مردم به تقوا و اطاعت خداوند روی آورده باشند، خداوند نیز برکت‌ها و نعمت‌های خویش را بر آنان سرازیر می‌کند،^۱

آنچه از روایات عصر ظهور به دست می‌آید، این است که در دولت مهدوی برکات زمینی و آسمانی برای مردم نازل می‌شود،^۲ زمین‌ها حاصل‌خیز گشته،^۳ و کشاورزی شکوفا می‌گردد و هر بذری محصولی دوچندان یا بیش‌تر می‌دهد؛ حتی طبق شماری از روایات، از هر سنبلی صد دانه به عمل می‌آید.^۴ مردم در ناز و نعمت زندگی خواهند کرد؛ به گونه‌ای که کسی تا به حال به آن صورت زندگی نکرده باشد!^۵ باران‌های پی در پی شروع به باریدن کرده و زمین و اهلش را زنده می‌کند.^۶

برکات زمینی به حاصل‌خیز شدن زمین‌های کشاورزی منحصر نمی‌شود، بلکه در آن دوران گنج‌ها و معادن زمین نیز استخراج می‌شوند؛^۷ چراکه ایجاد رفاه برای کل جامعه بشری کار ساده‌ای نیست و سرمایه‌های کلان و عظیمی لازم دارد.

در شماری از روایات، اظهار معادن زیرزمینی به خدا نسبت داده شده است: «يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَمَعَادِنَهَا.»^۸ می‌تواند منظور از روایات این باشد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با تکیه بر علم لدنی معادن زمین را برای مردم آشکار می‌کند و از همه ظرفیت‌های زمینی استفاده می‌شود. چرا که مانع اصلی امروز برای به اکتشاف کامل معادن و منابع زیرزمینی نداشتن دانش و

۱. اعراف: ۹۶.

۲. مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. یزدی حائری، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۱۷۲.

۴. همان.

۵. اربلی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۹۶۸.

۶. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۶۳۸.

۷. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴.

۸. همان.

اطلاعات کافی است که این نقصان در دوران ظهور از بین می رود و دولت مهدوی با دانش و آگاهی کامل منابع و معادن زیرزمینی را کشف می کند و مردم، این منابع را مورد استفاده قرار خواهند داد.^۱

به صورت خلاصه باید گفت در تمدن مهدوی در کنار قناعت و مساوات، یکی از ابعاد رفاه اقتصادی برکات زمینی و آسمانی است تا جایی که در روایتی نبی مکرم اسلام ﷺ از بیان این که در عصر ظهور باران های فراوان شروع به باریدن می کنند و زمین پربرکت خواهد شد، می فرمایند امت من در آن زمان به گونه ای زندگی می کنند که هرگز مانند آن زندگی نکرده اند: «عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ»^۲ و این که حضرت پس از برکات زمینی و باران های آسمانی این تعبیر را به کار برده است، نشان از تاثیر و اهمیت این موضوع بر تأمین رفاه اقتصادی دارد. و همه این ها به فزونی ثروت و سرمایه منجر خواهد شد.

امروزه ثروت و دارایی یکی از مؤلفه های قدرت در هر کشور به شمار می آید. کشوری که توان کافی برای اداره امور خویش را نداشته و برای تأمین منابع مالی به بیگانه وابسته باشد، نمی تواند خود را در زمره کشورهای قدرتمند و پیشرفته بداند. چنین کشور وابسته ای هیچ گاه نمی تواند به آرمان های خود دست یابد و به کشوری متمدن تبدیل شود.

برجسته ترین مانع جوامع امروزی برای پیشرفت اقتصادی و رسیدن به ثروت و دارایی، نبود شناخت و دانش کافی و سلطه و استثمار کشورهای استعمارگر است که با برنامه ریزی های دقیق خود مانع هرگونه خودبستگی و رشد تولید و پیشرفت اقتصادی دیگر کشورها شده اند؛ در حالی که پس از ظهور منجی عالم و با تشکیل دولت مهدوی، امت اسلامی تحت رهبری امام معصوم علیه السلام قرار می گیرد؛ رهبری که به پشتوانه علم لدنی و با بینشی سیاسی بدون خطا و اشتباه حکومت خواهد کرد. در چنین دولتی همه راه های تولید ثروت و اموال فراهم و همه معادن و منابع زمینی کشف و استخراج خواهد شد.

۱. علی بن موسی بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۶، ح ۱۷۶.

۲. همان، ص ۳۲۲، ح ۴۶۴.

از سوی دیگر، حضرت دست چپاولگران و سلطه‌گران اقتصادی را قطع می‌کند و اجازه خواهد داد همه مردم آزادانه برای پیشرفت اقتصادی تلاش کنند.

در پی این اقدامات ثروت و دارایی فزونی می‌یابد و نیازها و احتیاجات مردم به راحتی برطرف خواهد شد. همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی که اوضاع جامعه پس از ظهور را تبیین می‌کنند؛ می‌فرمایند: «وقتی مردی نزد مهدی می‌آید و از او تقاضای مال می‌کند ایشان لباس او را پر می‌کند؛ به گونه‌ای که توانایی حمل آن را نخواهد داشت.»^۱

فراوانی ثروت و دارایی در حکومت مهدوی، افزون بر این‌که سبب توانمندتر شدن دولت اسلامی و رفاه اقتصادی می‌شود، بستر را برای ریشه‌کن شدن بسیاری از مشکلات اجتماعی فراهم خواهد کرد. در دولتی که همه افراد به اندازه کافی به اموال دسترسی داشته باشند، بخشی از ناهنجاری‌های اخلاقی، مانند دزدی یا حتی خونریزی و کشتار و چپاول مال دیگران که با هدف به دست آوردن اموال صورت می‌گرفته است؛ ریشه‌کن خواهد شد؛ چراکه هراندازه مالی که نیاز داشته باشد از طرف حضرت به او داده خواهد شد.^۲

در این جا یادآوری دو نکته بایسته می‌نماید:

نخست اینکه روایاتی که به فزونی اموال و نعمت‌ها در دولت مهدوی اشاره دارند؛ به این معنا نیست که مردم به هر کیفیتی که بخواهند، می‌توانند از این اموال استفاده کنند و همانند جوامع امروزی به اسراف و تجمل‌گرایی و تشریفات رو بیاورند، بلکه همان‌طور که بیان شد، برجسته‌ترین اقدام حضرت، مهندسی فرهنگ اقتصاد و تغییر سبک زندگی مردم است. در دولت مهدوی گرچه ثروت و دارایی فراوان است؛ با نهادینه شدن اصل قناعت، مردم به درستی از آن‌ها استفاده می‌کنند و این ازدیاد نعمت موجب تجمل‌گرایی و اسراف نخواهد شد.

دیگر این‌که گرچه در روایات عصر ظهور به پرداخت مال فراوان به مردم توسط حکومت اشاره شده است؛ این، بدان معنا نیست که مردم کار نکنند و با پولی که دولت به آن‌ها می‌پردازد،

۱. ابن حنبل، أحادیث المهدی ﷺ من مسند أحمد بن حنبل، ص ۵۹.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۷.

زندگی کنند؛ چرا که طبیعی است اگر در حکومتی مردم به مشاغل گوناگون مشغول نشوند، نیازهای اولیه جامعه برآورده نمی شود و جامعه به اجتماعی عقب مانده تبدیل می شود و این با پیشرفت در دولت مهدوی و ساخت جامعه متمدن منافات دارد. به همین سبب، باید بگوییم منظور از روایات، افراد نیازمند هستند که به دولت مراجعه و درخواست پول می کنند و یا روایات به شرایط خاص و ویژه ای اشاره دارد.

نتیجه

از مطالب طرح شده می توان به این نتیجه رسید که اقتصاد از مؤلفه های برجسته جامعه متمدن است. به همین سبب در دولت مهدوی نیز پیشرفت و رفاه اقتصادی نقش برجسته ای در تشکیل جامعه متمدن مهدوی داشته و موجب رشد و تعالی جامعه خواهد شد. در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشرفت هایی در ابعاد گوناگون اقتصادی رخ خواهد داد، اموال و دارایی به کثرت و فراوانی می رسد، زمین و آسمان برکاتش را بر مردم نازل خواهد کرد و در پی آن، فقر و تنگدستی از بین مردم رخت بر بسته و وضع معیشتی جامعه بهبود خواهد یافت؛ اما این رخ دادها محقق نخواهد شد، مگر با قناعت، مواسات، مساوات و همت و تلاش همگانی و تغییر فرهنگ و سبک زندگی مردم که به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با مهندسی فرهنگ اقتصاد صورت خواهد گرفت.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، **أحاديث المهدي** عليه السلام من مسند أحمد بن حنبل، قم، مؤسسة النشر الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن طاووس علی بن موسی، **التشريف بالمنن في التعريف بالفتن**، قم، مؤسسه فرهنگي صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، **كشف الغمة في معرفة الأئمة**؛ قم، الشریف الرضی، ۱۴۲۱ ق.
۴. استرآبادی، علی، **تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة**، قم، مؤسسه النشر الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۵. حائری یزدی، شیخ علی، **إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب**؛ تحقیق: السید علی عاشور؛ بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۲ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ ق.
۷. حکیمی، محمد، **عصر زندگی**، حوزه علمیه قم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۴.
۸. دهخدا، علی اکبر، **تهران، لغت نامه**؛ مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. الشریف الرضی، محمد بن حسین، قم، **نهج البلاغة** (للسبحی صالح)، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، **کمال الدین وتمام النعمة**، قم، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. طوسی، محمّد بن الحسن، **کتاب الغيبة**، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۲. عیاشی؛ محمّد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۱۳. کلینی، محمّد بن یعقوب، **الکافی**؛ هشت جلد، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۱۴. مجلسی، محمّد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۵. مروزی، نعیم بن حماد، **الفتن**، تحقیق: ابو عبد الله/ ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة

التوفيقية، بی تا.

۱۶. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ش.

۱۷. مفید؛ محمد بن محمد؛ *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، بیروت، دارالمفید،

۱۳۷۲.

۱۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر في اخبار المنتظر*، تحقیق: عبد الفتاح

محمد الحلو، قم، انتشارات نصاب، ۱۴۱۶ ق.

۱۹. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام؛ *مصباح الشريعة*، بیروت، اعلمی،

۱۴۰۰ ق.

۲۰. میرجهانی، سید حسن، *نوائب الدهور في علائم الظهور*، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۷۶.

۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.

پیامدهای سطحی نگری به مفهوم انتظار در عرصه تمدن جدید اسلامی

حجت حیدری چراتی^۱

مرضیه عیوضی^۲

چکیده

«انتظار» به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در فرهنگ دینی و اجتماعی، ظرفیت بی‌بدیلی برای حرکت‌های تمدنی دارد. با این حال، مواجهه سطحی نسبت به این مفهوم می‌تواند مانع تحقق ظرفیت‌های عمیق تمدن‌ساز آن شود. سطحی‌نگری به انتظار، آن را از یک محرک تحول‌آفرین به یک باور منفعلانه تقلیل می‌دهد که این، باعث رکود اجتماعی و فرهنگی می‌شود. از سوی دیگر، انتظاری آگاهانه می‌تواند به عنوان محرک خلاقیت، عدالت‌محوری و پویایی اجتماعی نقش‌آفرینی کند. از این رو، در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بر آنیم به بررسی پیامدهای سطحی‌نگری در مفهوم انتظار بپردازیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تأمل عمیق در مفهوم انتظار و بازنگری در نحوه ترویج آن، برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدن‌ساز این باور ضروری است. توجه به ابعاد معنوی و اجتماعی انتظار می‌تواند جامعه را به سوی توسعه و پیشرفت همه‌جانبه هدایت کند. همچنین انتظار سطحی به برداشت‌های محدود و کاهش خلاقیت اجتماعی منجر شده، و به جای ایجاد انگیزه برای پیشرفت، باعث تضعیف سرمایه انسانی و عدم تأکید بر نقش فرد در اصلاح و تحول اجتماعی و نیز باعث هدررفت ظرفیت‌های انسانی؛ ناتوانی در مقابله با بحران‌ها، باعث نبود رویکرد فعال در انتظار؛ تأخیر در دستیابی به عدالت اجتماعی می‌گردد که در نتیجه تأکید بر نتایج صرفاً معنوی بوده و از تلاش برای تحقق عدالت در زندگی روزمره می‌کاهد.

واژگان کلیدی: انتظار سطحی، انتظار پویا، تمدن‌سازی، عدالت

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. hojathaidadi@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین (دانشگاه تهران)، me.eyvazi@yahoo.com

مقدمه

در بستر فرهنگ دینی و اجتماعی، برخی مفاهیم نقش محوری در شکل‌دهی به نگرش‌ها و حرکت‌های جمعی ایفا می‌کنند. «انتظار» یکی از این مفاهیم کلیدی است که در عین دارابودن پتانسیل تحول‌آفرینی، ممکن است با رویکردهای سطحی و ساده‌انگارانه، از ظرفیت‌های واقعی خود فاصله بگیرد. انتظار می‌تواند الهام‌بخش حرکت‌های تمدن‌ساز باشد؛ اما اگر به صورت یک باور منفعل و بی‌تأثیر در رفتار اجتماعی تعبیر شود، به جای تحول‌آفرینی، رکود و ایستایی را تقویت می‌کند. این پژوهش در نظر دارد به بررسی پیامدهای سطحی به انتظار در عرصه تمدن‌سازی بپردازد و پیامدهای منتج بر این سطحی‌نگری را مورد واکاوی قرار دهد. همچنین با شناسایی موانع ناشی از برداشت‌های سطحی از انتظار، به ارائه راهکارهایی بپردازد که نه تنها به بازیابی ظرفیت‌های تمدن‌ساز این باور کمک کند، بلکه نگرشی جدید برای ترویج آن در جهت حرکت‌های توسعه‌محور ارائه دهد.

سؤال اصلی این پژوهش، بررسی پیامدهای ناشی از سطحی‌نگری به مفهوم انتظار است. همچنین در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات فرعی هستیم: این سطحی‌نگری چگونه می‌تواند جامعه را از تلاش‌های هدفمند و تمدن‌ساز دور کند؟ و از طرفی، چگونه نگاه عمیق و مسئولانه به انتظار می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات اجتماعی، عدالت‌طلبی و پیشرفت فرهنگی شود؟ آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش مطرح شده، این‌گونه است: انتظار، اگر به درستی تفسیر و ترویج شود، می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت و توسعه تمدنی باشد؛ اما در صورت بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن، پیامدهای منفی جدی در سطح فردی و جمعی خواهد داشت.

ضرورت این نوشتار در این دوره بدین سبب می‌باشد که حکومت جمهوری اسلامی ایران، بر اساس مؤلفه‌های اسلامی و باتکیه بر آموزه‌های دینی شکل گرفته است. یکی از مؤلفه‌های بنیادین در این زمینه، مفهوم "انتظار" است که به عنوان عنصر کلیدی در فرهنگ اسلامی و شیعی نقش مهمی در هدایت جامعه به سوی آرمان‌های متعالی دارد. با وجود این، اگر انتظار به صورت سطحی و منفعلانه درک و ترویج شود، پیامدهای منفی متعددی را در عرصه

تمدن‌سازی خواهد داشت. نگاه سطحی به انتظار، به معنای برداشت‌هایی است که صرفاً به تحمل وضعیت موجود و انفعال در برابر مشکلات ختم می‌شود. این نوع برداشت، باعث تضعیف روحیه تلاش و پیشرفت مردم، افزایش بی‌عدالتی اجتماعی، گسترش فرهنگ تسلیم و یأس، کاهش نقش تربیتی انتظار می‌شود. در مقابل، درک عمیق و فعالانه از انتظار، پیامدهای مثبتی از جمله تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی، توسعه عدالت و همبستگی اجتماعی، ارتقای ظرفیت‌های تمدنی و... را به همراه خواهد داشت که می‌توانند در جهت تمدن‌سازی اسلامی به کار گرفته شوند. بنابراین، بررسی پیامدهای سطحی به انتظار و ارائه راهکارهایی برای ترویج برداشت صحیح و سازنده از این مفهوم، از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است. این پژوهش می‌تواند نقشی مهم در بازتعریف مفاهیم دینی و ارتقای ظرفیت‌های تمدنی حکومت اسلامی ایفا کند.

مفاهیم نظری

انتظار: واژه انتظار و مشتقات آن در منابع لغت، به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن،^۱ نظاره‌گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن^۲ آمده است. انتظار به معنای امیدوار بودن، چشم‌به‌راه بودن، چشم‌داشتن، لحظه‌شماری کردن و مترصد بودن وقوع امر و یا دستیابی به یک خواسته قلبی است.^۳ اصطلاح انتظار در فرهنگ شیعی، مفهوم و ویژگی‌های خاصی دارد که این آموزه را از معنای مبهم و خنثا که در میان پیروان ادیان دیگر مطرح است، متمایز می‌سازد؛ زیرا در عرصه‌های دیگر علی‌القاعده بشر منتظر امام حی منظور شیعه نیست.

انتظار، در اصطلاح شیعی، به معنای چشم‌به‌راه بودن برای تحقق وعده‌الاهی در ظهور منجی موعود عَلَيْهِ السَّلَام است. این حالت، صرفاً یک حالت درونی یا احساسی نیست، بلکه با ویژگی‌هایی

۱. الجوهري، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، ج ۲، ص ۸۳۰.

۲. حنفي، تاج العروس، ج ۷، ص ۵۳۹.

۳. دهخدا، لغت نامه، ذیل کلمه انتظار، معین، فرهنگ فارسی، کلمه انتظار، ۱۳۸۶.

همچون امید فعال، آمادگی دائمی، اصلاح فردی و اجتماعی و مسئولیت‌پذیری همراه است. از این رو، در فرهنگ شیعه، انتظار مفهومی پویا تلقی می‌شود که می‌تواند در ابعاد مختلف حیات انسانی و اجتماعی تأثیرگذار باشد.

در مقاله حاضر، باتکیه بر این تعریف، انتظار به مثابه نیرویی محرک برای فرهنگ‌سازی، جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی و ایجاد تمدن جدید اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

تمدن: در تعریف لغوی «تمدن» به معنای شهرنشینی و خروج انسان از حالت ابتدایی و بدوی به سمت نظم اجتماعی پیشرفته است.^۱ در اصطلاح، تعاریف گوناگونی از تمدن ارائه شده است؛ از جمله، تمدن به عنوان مرحله‌ای خاص از فرهنگ با خلاقیت اقلیت مبتکر^۲، یا نظمی اجتماعی که خلاقیت فرهنگی را امکان‌پذیر می‌سازد^۳، و نیز ساختاری فرهنگی و اجتماعی در بالاترین سطح هویتی.^۴

در این میان، علامه محمدتقی جعفری، تمدن را فرایند هماهنگ رشد مادی و معنوی انسان‌ها در پرتو حیات معقول و روابط عادلانه تعریف می‌کند؛ جایی که همه افراد و گروه‌ها در جهت تحقق اهداف متعالی انسانی سهیم‌اند.^۵

بر اساس این دیدگاه، تمدن مطلوب در نگاه اسلامی، صرفاً توسعه فنی یا اقتصادی نیست، بلکه به ارزش‌های معنوی، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها نیازمند است.

از این رو، انتظار دینی، به‌ویژه در قالب پویای آن، می‌تواند باتکیه بر امید هدفمند، آمادگی اجتماعی، و روحیه عدالت‌خواهی، به‌عنوان نیرویی محرک در تمدن‌سازی نقش ایفا کند. چنین انتظاری با رویکرد ارزشی علامه جعفری نسبت به تمدن، همسو بوده و ظرفیت‌های تمدنی فرهنگ شیعی را تقویت می‌کند.

۱. دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه تمدن؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲. لوکاس، تمدن در بوته نقد، ص ۱۶.

۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن (مشاهیر شرق)، ص ۵.

۴. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ص ۴۷.

۵. علامه جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۵، ص ۶۱.

تفاوت انتظار سطحی (منفعل) با انتظار پویا (فعال)

انتظار سطحی: به عنوان یک نوع انتظار منفعلانه، در واقع به نوعی از نگرش اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن افراد به جای این‌که در فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی مشارکت کنند، خود را در انتظار تحولاتی از بیرون می‌بینند. در این نوع نگرش، فرد به جای ایفای نقش فعال در تغییرات، به تحولات اجتماعی به طور غیرمستقیم و بدون تلاش‌های فردی نگاه می‌کند. در واقع، انتظار سطحی می‌تواند به عنوان یک بازتاب از بی‌اعتمادی به خود و سیستم اجتماعی در نظر گرفته شود که به سکون و رکود در جامعه منجر می‌شود. در این شرایط، افراد کم‌تر به خودشان و جامعه‌شان ایمان دارند و تنها به «ظهور» یک نیروی بیرونی یا تغییرات احتمالی در آینده امید می‌بندند، همانند برخی نگرش‌هایی که تنها به صورت تک بُعدی به مسئله انتظار پرداخته‌اند و ایجاد هرگونه حرکت‌ها و تغییرات اجتماعی وسیع و زیربنایی در جهت آماده‌سازی برای ظهور را رد می‌کنند.

در مقابل، **انتظار پویا** نوعی انتظار است که با نگرشی فعالانه همراه است. در این نوع انتظار، فرد به طور مستمر در جست‌وجوی تغییرات اجتماعی و دینی است و خود را به عنوان یک عامل فعال در فرایند تغییر می‌بیند. انتظار پویا نه تنها یک انتظاری غیبی از آینده نیست، بلکه به طور مستمر فرد را به پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی برای تحقق اهداف بلندمدت اجتماعی و دینی ترغیب می‌کند. این انتظار معمولاً با حس مسئولیت اجتماعی همراه است که انسان را به طور فعال به سمت اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و دینی سوق می‌دهد.^۱ به طور خاص، از این منظر که چگونه نگرش‌های متفاوت می‌توانند به تحولات اجتماعی و تمدنی دامن بزنند، حائز اهمیت است. در انتظار سطحی، چون فرد از خود و جامعه‌اش قطع امید کرده است، توان مقابله با بحران‌های اجتماعی و فرهنگی را از دست می‌دهد؛ درحالی‌که انتظار پویا، انسان را به تحرک، نوآوری و بازسازی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تشویق می‌کند.

۱. مطهری، آزادی و معنویت، ص ۴۵.

نقش انتظار سطحی و چالش‌های آن در بسترسازی تمدن اسلامی

انتظار سطحی در جوامع اسلامی می‌تواند مشکلات زیادی در مسیر تحقق تمدن اسلامی ایجاد کند. انتظار سطحی در واقع باعث می‌شود که افراد از خود و جامعه‌اش به طور فعالانه نقش‌آفرینی نکنند. در این‌جا، چند چالش عمده که انتظار سطحی در بسترسازی تمدن اسلامی ایجاد می‌کند؛ بررسی می‌شود:

الف) کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی: انتظار سطحی با کاهش مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز رکود فرهنگی و اجتماعی می‌شود. در چنین برداشتی، افراد تصور می‌کنند که تحولات تمدنی مستقل از تلاش آن‌ها رخ می‌دهد و در نتیجه، از ایفای نقش در تغییرات اجتماعی و فرهنگی کناره‌گیری می‌کنند. این نگرش به‌جای آن‌که ظرفیت‌های اجتماعی را فعال کند، جامعه را به سمت انفعال و چشم‌انتظاری غیرمولد سوق می‌دهد؛ درحالی‌که تمدن اسلامی بر مشارکت آگاهانه و تلاش مستمر بنا شده، انتظار سطحی موجب عدم مشارکت در فرایندهای تمدنی و علمی می‌شود. چنین نگرشی، نه تنها بسترساز تمدن اسلامی نیست، بلکه می‌تواند به تعلیق یا توقف حرکت تمدنی نیز منجر شود. ازاین‌رو، بازتعریف مفهوم انتظار در چارچوب تمدن‌سازی اسلامی ضروری است تا از برداشت‌های انفعالی و غیرسازنده جلوگیری شود.^۱

در همین زمینه، از منظر جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی کنش اجتماعی، انتظار می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرک یا بازدارنده در تحولات اجتماعی و تمدنی عمل کند. انتظار فعال نوعی کنش اجتماعی است که افراد را به مشارکت در فرایندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد؛ اما انتظار سطحی به واکنش‌پذیری منفعلانه و کاهش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

ماکس وبر در نظریه کنش اجتماعی بر نقش باورهای دینی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی تأکید دارد. در این چارچوب، اگر انتظار به‌عنوان یک ارزش اجتماعی فعال و مسئولیت‌ساز تفسیر شود، می‌تواند به توسعه اجتماعی و تمدنی کمک کند. اما در صورتی که این

۱. همان.

انتظار به شکل جبرگرایانه و منفعلانه برداشت شود، افراد را از مشارکت فعال در تغییرات اجتماعی باز می‌دارد.^۱

از سوی دیگر، نظریه‌های «کارکردگرایی» (همچون دیدگاه دورکیم) نشان می‌دهند که انسجام اجتماعی زمانی تقویت می‌شود که افراد در فرایندهای فرهنگی و اجتماعی نقش آفرینی کنند؛ اما انتظار سطحی، هویت اجتماعی و حس تعهد جمعی را تضعیف می‌کند و موجب فردگرایی منفی و کناره‌گیری از مسئولیت‌های مدنی می‌شود.^۲ در نتیجه، از منظر جامعه‌شناختی، انتظار سطحی می‌تواند به افول کنشگری اجتماعی، تضعیف نهادهای مدنی و کاهش مشارکت در فرایند تمدن‌سازی بینجامد. بنابراین، اصلاح‌گفتمان انتظار در جوامع دینی ضروری است تا این مفهوم در جهت ایجاد تحولات مثبت اجتماعی و تمدنی بازتعریف شود.

ب) ضعف در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی: در جوامعی که در آن انتظار سطحی رایج است، از ظرفیت‌های انسانی برای توسعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به درستی استفاده نمی‌شود. هنگامی که افراد فقط منتظر تحولات از بیرون باشند، زمینه‌های داخلی برای تحول و نوآوری به تعویق می‌افتد. به ویژه در تمدن اسلامی که بر تحول اجتماعی از درون جامعه و ترویج عدالت اجتماعی تأکید زیادی وجود دارد؛ انتظار سطحی می‌تواند به ضعف و رکود اجتماعی دامن بزند.^۳

ج) ناامیدی اجتماعی و بی‌اعتمادی به آینده: یکی از پیامدهای انتظار سطحی، ناامیدی اجتماعی است. در این نگرش، افراد به جای اعتماد به ظرفیت‌های خود برای ایجاد تغییرات اجتماعی و دینی، به طور دائم در انتظار وقوع تغییر از بیرون می‌نشینند. این انتظار منفعلانه به جای تقویت اعتماد به فرایندهای اجتماعی و دینی، به بی‌اعتمادی و ناامیدی جمعی منجر می‌شود. افراد در چنین جامعه‌ای ممکن است احساس کنند برای تحقق تغییرات تمدنی و

۱. وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ص ۱۲۵.

۲. دورکیم، صور ابتدایی حیات دینی، ص ۱۸۷.

۳. نراقی، حکمت اجتماعی در تمدن اسلامی، ص ۱۱۳.

اجتماعی به دخالت خارجی یا جبرگرایی نیاز دارند، و این موجب می‌شود که مشارکت اجتماعی کاهش یابد.^۱

نگرش سطحی به انتظار که در برخی جریان‌ها مانند انجمن حجتیه نمایان است، به طور قابل توجهی بر فرایندهای اجتماعی و تمدنی تأثیر می‌گذارد. در این رویکرد، افراد به جای مسئولیت‌پذیری فعال در قبال تغییرات اجتماعی، به طور منفعلانه در انتظار وقوع تحول از بیرون هستند. این نوع انتظار که در آن فرد به تحولات اجتماعی و دینی به‌عنوان امری غیبی و بیرونی نگاه می‌کند، می‌تواند به ناامیدی اجتماعی و کاهش اعتماد به فرایندهای اجتماعی منجر شود. به طور تلویحی، این نگرش به جای تقویت مشارکت اجتماعی، جامعه را به سمت رکود و بی‌حرکتی سوق می‌دهد و فرایند تمدن‌سازی را کند می‌کند. این نگرش که بیش از آنکه بر ظرفیت‌های داخلی جامعه تأکید کند، به انتظاری منفعلانه می‌پردازد؛ در نهایت موجب کاهش سرمایه اجتماعی و بی‌اعتمادی به آینده می‌شود.

د) عدم تحقق عدالت اجتماعی: در انتظار سطحی، مردم بیشتر به دنبال تحولاتی معنوی و غیبی هستند و کمتر در پی تحقق عدالت اجتماعی در زندگی روزمره می‌روند. این مسئله می‌تواند به بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی منجر شود. در جوامع اسلامی، یکی از اصلی‌ترین اهداف در مسیر تمدن‌سازی، تحقق عدالت اجتماعی است و انتظار سطحی می‌تواند این هدف را به تأخیر بیندازد.^۲

انتظار پویا می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرکه برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی عمل کند، درحالی‌که انتظار سطحی به کاهش مشارکت فعال فرد در تحولات اجتماعی و رکود تمدنی منجر می‌شود. برای تحقق تمدن اسلامی، ضروری است که جامعه به سمت انتظار پویا و مسئولیت‌پذیر حرکت کند تا از ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی خود برای پیشرفت و اصلاحات بهره‌برداری کند.

۱. قرائتی، انتظار و تمدن اسلامی، ص ۹۰ و پاتنام، رابرت. دموکراسی و سرمایه اجتماعی، ص ۹۸.

۲. سبحانی، انتظار و زمینه‌های اجتماعی آن، ۱۳۸۳، ص ۷۷.

۱. جایگاه انتظار در تمدن اسلامی

انتظار در تمدن اسلامی مفهومی دینامیک و تعامل‌پذیر است که تنها به عنوان مفهومی ذهنی یا معنوی مطرح نمی‌شود، بلکه انتظار فعال در آموزه‌های اسلامی به عنوان نیرویی است که انسان‌ها را به سوی تحقق عدالت جهانی و تبدیل جوامع به تمدن‌های انسانی سوق می‌دهد. این نگاه، برخلاف برداشت‌های انفعالی، تأکید می‌کند که انتظار باید بر اساس عمل‌گرایی و پیشبرد اهداف الهی در زندگی فردی و اجتماعی باشد. انتظار در این دیدگاه، مشابه آمادگی جمعی برای تحقق هدف‌های بزرگ است که از سوی قرآن و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأکید شده است. در آیات قرآن، همچون «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ»^۱ انتظار ظهور صالحان و ایجاد تغییرات اساسی، به عنوان بخشی از وظایف اجتماعی مطرح می‌شود. این نوع نگرش به انتظار از جوامع می‌خواهد که نه تنها وقوع تحول در آینده را انتظار داشته باشند، بلکه به طور فعال برای ساخت آینده‌ای بهتر و مبتنی بر عدالت اجتماعی گام بردارند. با این حال، سطحی‌نگری به این مفهوم باعث منحرف شدن هدف اصلی می‌شود. در صورت کم‌رنگ شدن مفهوم انتظار فعال، فرد و جامعه به جای حرکت به سمت توسعه و پیشرفت، در دام نگرش‌های انفعالی گرفتار می‌آیند. انتظار سطحی نه تنها باعث می‌شود که جامعه از وظایف اجتماعی خود عقب بماند، بلکه ناامیدی اجتماعی و عدم اعتماد به آینده را نیز در پی خواهد داشت. در ادامه به چرایی و چگونگی پیامدهای سطحی به انتظار در عرصه تمدن پرداخته و از این منظر مسئله را مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

چرایی توجه به انتظار سطحی

انتظار در فرهنگ شیعی، مفهومی پویا و تحول‌آفرین است که نه تنها به امیدواری و صبر اشاره دارد، بلکه فرد و جامعه را به مسئولیت‌پذیری و اصلاح‌گری سوق می‌دهد. با این حال، در برخی موارد، این مفهوم دستخوش سطحی‌نگری شده و از معنای اصیل خود فاصله می‌گیرد. درک

۱. قصص: ۵.

نادرست از انتظار، به رویکردهای منفعلانه‌ای منجر می‌شود که جامعه را از نقش فعال خود در تحقق عدالت و آماده‌سازی برای ظهور باز می‌دارد. از این رو، بررسی دلایل شکل‌گیری چنین نگرشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه، برخی از عوامل اصلی که موجب سطحی‌نگری در مفهوم انتظار می‌شوند، بررسی می‌شود:

۲. فرار از مسئولیت اجتماعی

یکی از دلایل شکل‌گیری نگاه سطحی به انتظار، تمایل به فرار از مسئولیت‌های اجتماعی و اصلاح‌گری دینی مطابق با اصول صحیح اسلامی است. این نوع نگرش، انسان‌ها را به منتظرانی منفعل تبدیل می‌کند که به جای تلاش برای ایجاد عدالت، خود را در حاشیه تحولات اجتماعی قرار می‌دهند. چنین تفکری اغلب در پی تفسیرهای نادرست از آموزه‌های دینی پدید می‌آید و جامعه را از نقش فعال در مسیر اصلاح باز می‌دارد.

۳. تقدیرگرایی و انتظار منفعلانه

باور به این که مشکلات جامعه تنها با ظهور منجی حل خواهد شد، یکی دیگر از ریشه‌های توجه سطحی به انتظار است. این دیدگاه، به جای درک مفهوم عمیق انتظار به عنوان «امید فعال»، آن را به تقدیرگرایی تقلیل می‌دهد و منتظران را از مشارکت در تغییر شرایط باز می‌دارد.

۴. نگرش انحصارگرایانه به حقیقت

یکی از دلایلی که باید به انتظار سطحی توجه شود، نگرش انحصارگرایانه به این مفهوم است که برخی جریان‌های فکری و ایدئولوژیک با تعریف محدود از انتظار، عملاً آن را در چارچوب‌های بسته و خاص خود قرار می‌دهند. در این نگرش، مفهوم انتظار، به جای اینکه به عنوان رویکردی پویا و جامع در خدمت توسعه فردی و اجتماعی باشد، به یک ابزار ایدئولوژیک تبدیل می‌شود که تنها در جهت منافع و باورهای خاص گروهی استفاده می‌شود. این نوع نگرش، نه تنها افق دید جامعه را محدود می‌کند، بلکه موجب ترویج افکار بسته و غیرانتقادی در سطح اجتماعی نیز می‌شود. در این نگرش، توجه به نشانه‌های ظهور و تعمیم آن‌ها به شرایط کنونی جامعه، به طور

غیرمنتقدانه صورت می‌گیرد. این رویکرد باعث می‌شود افراد و گروه‌ها از توجه به مسائل و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی واقعی غافل شوند و به جای تلاش برای حل مشکلات جامعه، تنها به انتظار وقوع تحول غیبی در آینده بسنده کنند.

به همین دلیل، توجه به این نوع نگرش انحصارگرایانه بسیار ضروری است؛ زیرا می‌تواند به رکود فکری و اجتماعی منجر شود و ظرفیت‌های بالفعل جامعه برای پیشرفت و توسعه را مهار کند.

از منظر نویسنده، توجه به انتظار سطحی از دو جهت ضروری است: نخست، برای آگاهی بخشی به منتظران که در دام تفسیرهای نادرست و انحرافی نیفتند؛ دوم، به عنوان چالش اجتماعی که می‌تواند به رکود فکری و اجتماعی منجر شود. انتظار، اگر به درستی تبیین نشود، به جای آن که موتور محرک جامعه باشد، به عاملی برای توجیه انفعال و کناره‌گیری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی تبدیل خواهد شد. از این رو، بازشناسی صحیح مفهوم انتظار و تفکیک آن از برداشت‌های سطحی، گامی ضروری در مسیر دستیابی به جامعه‌ای آگاه و پویا است.

پیامدهای توجه سطحی به انتظار

در برداشت‌های سطحی از انتظار، مفهومی که می‌تواند عامل تحول و پیشرفت باشد، به ابزاری برای توجیه انفعال و رکود تبدیل می‌شود. چنین نگرشی نه تنها زمینه‌ساز تضعیف انگیزه‌های اصلاحی در جامعه است، بلکه پیامدهایی همچون کاهش پویایی اجتماعی، شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و گسترش ناامیدی عمومی را داراست. از این منظر، پیامدهای توجه سطحی به انتظار، در دو بُعد فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. در سطح فردی، مانع از درک صحیح نقش انسان در حرکت به سوی عدالت و کمال می‌شود و در سطح اجتماعی، با تضعیف سرمایه اجتماعی و انسجام عمومی، جامعه را در برابر چالش‌های فرهنگی و تمدنی آسیب‌پذیر می‌کند. در چنین وضعیتی، اگر این نگرش‌ها به طور جدی بازنگری نشوند، ممکن است به بی‌تفاوتی و حتی بی‌اعتمادی نسبت به مفاهیم بنیادی اسلام منتهی شوند؛ به ویژه

این‌که نگرش‌های سطحی به انتظار، فضای مناسبی را برای ظهور جریان‌های انحرافی فراهم می‌کنند که مفاهیم دینی را برای توجیه انفعال یا مقابله با اصلاحات اجتماعی به کار می‌برند. این جریان‌ها با ترویج تسلیم‌پذیری در برابر شرایط موجود، مانع پیشرفت و تحول جامعه می‌شوند.

همچنین، وقتی که انتظار تنها به یک حالت ذهنی و ایستا تقلیل می‌یابد، به تدریج موجب تضعیف انگیزه‌های اجتماعی و ایجاد فاصله میان آرمان‌های اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی می‌شود. این شکاف می‌تواند به گسترش ناامیدی عمومی و کاهش ظرفیت‌های تمدنی منجر گردد. در همین زمینه، باید به طور خاص به مفهوم انتظار از منظر اسلام و نقش فعال آن در تحول اجتماعی و تمدن‌سازی توجه کرد. انتظار، اگر به عنوان یک فرایند پویا و متعهدانه درک شود، می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای حرکت به سوی عدالت و پیشرفت اجتماعی باشد؛ اما وقتی که این مفهوم به صورت سطحی و انفعالی نگریسته شود، به پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه و تحقق اهداف تمدنی قادر نخواهد بود.

از این رو، انتظار، به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در فرهنگ اسلامی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر تمدن‌سازی ایفا کند. نوع برداشت جامعه از این مفهوم، به طور مستقیم بر ساخت یا رکود تمدنی تأثیر دارد. برداشت سطحی از انتظار، مانعی برای تحقق اهداف تمدنی است؛ در حالی که انتظار فعال و عمیق، جامعه را به سوی پیشرفت و عدالت محوری سوق می‌دهد. برای بررسی این موضوع، ابتدا باید به دلایل شکل‌گیری سطحی‌نگری و سپس به پیامدهای آن در عرصه تمدن‌سازی بپردازیم.

تأثیر فرهنگ سطحی از انتظار بر تمدن‌سازی

در برداشت سطحی، انتظار به معنای «صبر منفعلانه» یا تمرکز بر نشانه‌های ظهور و جنبه‌های غیبی تقلیل داده می‌شود. این نگاه، اغلب ناشی از آموزش ناقص یا انحرافی است که در آن،

جنبه‌های اجتماعی و اخلاقی انتظار نادیده گرفته شده است.^۱ چنین تفسیری به تقدیرگرایی می‌انجامد؛ یعنی افراد باور دارند که هیچ تغییری پیش از ظهور رخ نمی‌دهد و اصلاح جامعه وظیفه‌ای بر دوش آن‌ها نیست. این رویکرد، باعث رکود اخلاقی و اجتماعی می‌شود؛ زیرا افراد از مسئولیت‌های فردی و جمعی خود غافل می‌مانند.

در سطح فردی، چنین نگاهی به کاهش انگیزه برای تلاش و خودسازی منجر می‌شود. افراد، به جای کار و یادگیری برای بهبود خود و جامعه، در انتظار تغییرات ناگهانی می‌نشینند. این امر، رکود در نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری را در پی دارد. از منظر اجتماعی، برداشت منفعلانه از انتظار به بی‌تفاوتی عمومی در برابر مسائل اجتماعی، نظیر فساد و فقر، دامن می‌زند. جامعه‌ای که در آن، چنین نگاهی حاکم باشد، از انسجام و مشارکت لازم برای ایجاد تغییرات مثبت محروم خواهد شد.^۲

تأثیر فرهنگ عمیق و فعال از انتظار بر تمدن‌سازی:

اما در مقابل، برداشت عمیق از انتظار، نگاهی فعال و مسئولیت‌محور است. این نوع انتظار، افراد را به تلاش برای خودسازی اخلاقی و فکری ترغیب می‌کند. منتظر واقعی می‌داند که ظهور منجی، به آمادگی فردی و اجتماعی نیازمند است. بنابراین، او نه تنها برای بهبود خود تلاش می‌کند، بلکه در فعالیت‌های اجتماعی نظیر مبارزه با فساد و فقر نیز مشارکت دارد. فرهنگ انتظار فعال، جامعه را به سوی عدالت‌خواهی و مبارزه با بی‌عدالتی سوق می‌دهد. این نگرش، افراد را به مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور اجتماعی ترغیب می‌کند. چنین جامعه‌ای، همبستگی و انسجام بیش‌تری خواهد داشت و به مثابه بستری برای تمدن‌سازی عمل می‌کند. برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی درباره مفهوم انتظار و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و

۱. میرباقری، انتظار: موعود و تمدن اسلامی، ص ۱۱۲.

۲. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۷۸.

انسانی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند.^۱ نتیجه آن که فرهنگ انتظار، بسته به نوع برداشت، می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت یا عاملی برای رکود تمدنی باشد. فهم صحیح از این مفهوم، به آموزش گسترده و عمیق در سطح جامعه نیازمند است تا از پیامدهای سطحی‌نگری، نظیر رکود و تقدیرگرایی، جلوگیری و زمینه‌های لازم برای تمدنی عدالت‌محور و اخلاق‌مدار فراهم شود.

در همین زمینه آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که در آن انسان می‌تواند تمامی ظرفیت‌های مادی و معنوی خود را به فعلیت برساند و به غایات مطلوبی که خداوند برای او مقرر کرده است، دست یابد.^۲ این تعریف نشان می‌دهد که تمدن اسلامی صرفاً بر پایه زیست جمعی یا توسعه مادی بنا نمی‌شود، بلکه آرمان‌ها، باورها، و فضیلت‌ها در شکل‌گیری آن نقش محوری دارند. یکی از این باورهای کلیدی، مفهوم انتظار است که به عنوان محرکی برای حرکت به سوی تمدن اسلامی عمل می‌کند. انتظار در فرهنگ اسلامی نه تنها به معنای امید به آینده‌ای روشن، بلکه به عنوان یک وظیفه عملی برای آمادگی در مسیر تحقق عدالت و آرمان‌های الهی درک می‌شود. ایشان تأکید دارند که تمدن‌سازی مقلدانه، همان‌گونه که در تمدن‌های غرب‌گرا و شرق‌گرا مشاهده می‌شود، ساختاری سست و آسیب‌پذیر دارد. تقلید در تمدن‌سازی به معنای بی‌اعتنایی به ارزش‌های بومی و دینی است که زیربنای پایداری تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد. در مقابل، تمدن اسلامی باید بر پایه جهان‌بینی توحیدی و معنویت عمیق بنا شود. در این میان، انتظار برای تحقق وعده الهی، نقش نیروی محرک در تمدن‌سازی دارد. این انتظار فعال، جامعه را به تلاش برای اصلاح خود، ایجاد عدالت، و گسترش معنویت سوق می‌دهد.^۳

آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی را شامل دو بخش اساسی می‌داند:

۱. محلاتی، انتظار و مسئولیت اجتماعی، ص ۶۰.

۲. بیانات، ۱۳۹۲/۴/۱۶.

۳. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۱. **پیشرفت مادی:** این بخش با هدف تأمین آسایش، رفاه، و امنیت مردم تعریف می‌شود؛ اما برخلاف تمدن‌های مادی‌گرا، در تمدن اسلامی پیشرفت مادی ابزاری برای تحقق اهداف والاتر معنوی است. انتظار، به عنوان یک عنصر فعال در تمدن اسلامی، تلاش برای فراهم آوردن زیرساخت‌های این پیشرفت را تشویق می‌کند.

۲. **رشد معنوی:** این رشد بر پایه وحی الاهی، هدایت خداوند، و اخلاق توحیدی بنا شده است. به تعبیر ایشان، تمدن اسلامی باید توازی میان این دو بخش ایجاد کند؛ چراکه پیشرفت مادی بدون معنویت، صرفاً رفاه بی‌روح و آسیب‌پذیری اخلاقی به دنبال دارد. انتظار ظهور منجی، نه تنها امید به آینده، بلکه مسئولیتی برای ایجاد این توازن از طریق خودسازی و ارتقای جامعه است.^۱

تمدن اسلامی، از دیدگاه ایشان، نوعی پروژه جامع فکری است که بدون برخورداری از یک مکتب فکری و ایدئولوژی قوی قابل تحقق نیست. ایمان عمیق، جهان‌بینی منسجم، و تلاش هدفمند سه رکن اصلی این تمدن هستند. انتظار، به عنوان یکی از جلوه‌های این ایمان، انسان را به مسئولیت‌پذیری و آماده‌سازی جامعه برای تحقق عدالت الاهی دعوت می‌کند. به گفته ایشان: «بدون داشتن یک مکتب، فکر، ایمان و تلاش مستمر، تمدن‌سازی امکان‌پذیر نیست»^۲ این نگرش نشان می‌دهد که تمدن اسلامی فراتر از ساختارهای فیزیکی، بر اصلاح معرفت دینی و تقویت باورهای توحیدی مبتنی است. این باورها، علاوه بر ایجاد نگرشی سازنده و متعهد، بنیانی برای انسجام اجتماعی، مدیریت جامعه، و تعیین اهداف تمدنی فراهم می‌آورند.^۳ انتظار، در این چارچوب، مفهومی است که با ایجاد امید و انگیزه در افراد، زمینه‌ساز تحقق تمدن اسلامی می‌شود. انتظار فعال به معنای حرکت در مسیر ساخت تمدنی است که عدالت، معنویت، و رشد مادی و معنوی را هم‌زمان محقق سازد.

۱. بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰.

۲. بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۸۷ و ۲۲۳.

به عبارتی دیگر، بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که تمدن اسلامی مفهومی چندبعدی و پویاست که بر توازن میان پیشرفت مادی و تعالی معنوی استوار است. انتظار، در این میان، نقشی حیاتی دارد؛ زیرا امید و انگیزه را در جامعه زنده نگه می‌دارد و مردم را به آماده‌سازی فردی و اجتماعی برای تحقق آرمان‌های تمدن اسلامی سوق می‌دهد. این انتظار فعال، نه تنها جامعه را از رکود و انفعال دور می‌کند، بلکه آن را به سوی عدالت، معنویت، و توسعه پایدار هدایت می‌کند.

نقش انتظار پویا در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور

انتظار، صرفاً باور اعتقادی نیست، بلکه نیرویی محرک برای ایجاد تحول در فرد و جامعه محسوب می‌شود. در فرهنگ دینی، انتظار سازنده و پویا، انسان را به سمت خودسازی، مسئولیت‌پذیری و تلاش برای برقراری عدالت سوق می‌دهد. از این رو، انتظار صحیح نه تنها موجب تحولات فردی می‌شود، بلکه نقش مهمی در اصلاحات کلان اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور دارد. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که درک درستی از مفهوم انتظار دارد، به طور خودجوش در مسیر اصلاح ساختارها و ارزش‌های اجتماعی گام بر می‌دارد تا بستر تحقق عدالت فراهم شود. در این نگرش، انتظار پویا خود عامل و زمینه‌ساز اصلاحات است، نه این‌که اصلاحات بخواهد زمینه را برای انتظار فراهم کند. این نوع انتظار، جامعه را از ایستایی و رکود خارج کرده و آن را به سوی پیشرفت در مسیر ارزش‌های الهی هدایت می‌کند. انتظار، اگر در چارچوبی صحیح درک شود، در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و عدالت‌محور تأثیرگذار خواهد بود که در ادامه به آن می‌پردازیم. بدین ترتیب، انتظار پویا نه تنها در عرصه فردی، بلکه در ابعاد اجتماعی و تمدنی، عامل حرکت به سوی اصلاحات بنیادین خواهد بود.

اصلاحات اجتماعی در پرتو انتظار

انتظار پویا، جامعه را به سمت عدالت اجتماعی و انسجام سوق می‌دهد. در این نگرش، انتظار به معنای بی‌عملی و سکون نیست، بلکه زمینه‌ای برای مشارکت اجتماعی، تلاش برای رفع

مشکلات و مقابله با فساد و تبعیض است. منتظر واقعی، فردی کنشگر است که نسبت به وضعیت جامعه بی تفاوت نیست و برای تحقق ارزش‌های عدالت‌محور، مسئولیت‌پذیرانه رفتار می‌کند^۱ این مشارکت فعال، همبستگی اجتماعی را تقویت و جامعه را برای پذیرش حکومت عدل الهی آماده می‌کند.

اصلاحات فرهنگی به عنوان زیربنای انتظار

فرهنگ انتظار، زیربنای تحولات اجتماعی و تمدنی است. جامعه‌ای که درک صحیحی از انتظار دارد، بر تقویت ارزش‌های اخلاقی، آگاهی‌بخشی عمومی و تربیت نسل‌های متعهد تأکید می‌کند. در چنین فرهنگی، مردم به جای رویکردی منفعلانه، با اتخاذ نگرشی فعال، زمینه‌ساز اصلاحات در سبک زندگی، باورهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی می‌شوند. استاد مطهری انتظار را فرایندی تدریجی و رشد‌یابنده می‌داند که به مراقبت، پرورش و آماده‌سازی جامعه برای تحقق عدالت نیازمند است.^۲ در جوامعی که مفاهیم فرهنگی به درستی درک نمی‌شوند، انتظار نیز می‌تواند از یک نیروی محرک به عاملی برای رکود تبدیل شود؛ اما اگر فرهنگ انتظار به عنوان اصل بنیادین در جامعه پذیرفته شود، خودبه‌خود، اصلاحات اجتماعی و فرهنگی را به همراه خواهد داشت. انتظار پویا، نه تنها باور ذهنی، بلکه سبک زندگی است که در آن، افراد به جای انفعال، به مسئولیت‌پذیری و کنشگری روی می‌آورند. شاید بتوان گفت تمدن‌هایی که دچار فروپاشی فرهنگی شده‌اند، پیش از آن، امید به تغییر را ازدست داده و درگیر نوعی رخوت و بی‌عملی شده‌اند. از این رو، جامعه‌ای که انتظار را در بطن فرهنگ خود نهادینه کند، در واقع، خود را برای عبور از بحران‌های هویتی، اجتماعی و اخلاقی آماده کرده است.

عدالت‌محوری، به عنوان هسته تمدن اسلامی

در فرهنگ انتظار، عدالت به عنوان اصل اساسی مطرح است. انتظار سازنده، جامعه را به

۱. میرباقری، انتظار: موعود و تمدن اسلامی، ص ۱۱۱۲.

۲. مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ج ۴، ص ۴۷.

سمت توزیع عادلانه منابع، رفع تبعیض‌های اجتماعی و ایجاد ساختارهای مبتنی بر عدالت سوق می‌دهد. جامعه منتظر باید در مبارزه با ظلم و فساد پیشگام باشد و زمینه تحقق عدالت را در همه سطوح فراهم کند.^۱ از این رو، انتظار صحیح، نیرویی محرک برای تحقق جامعه‌ای مبتنی بر اصول عدالت اسلامی است که در نهایت، مقدمه‌ای برای ظهور حکومت عدل الهی خواهد بود.

انتظار و تمدن اسلامی

انتظار، نه تنها در بعد فردی، بلکه در بُعد اجتماعی و تمدنی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. منتظران مصلح، با ایجاد اصلاحات تدریجی و پایدار، جامعه‌ای توانمند برای پذیرش حکومت عدل الهی ایجاد می‌کنند. این حرکت، با تقویت فرهنگ دینی، مشارکت اجتماعی و عدالت‌محوری، بستری برای ایجاد تمدن اسلامی فراهم می‌کند. انتظار، فرایند جامع و تدریجی است که همه‌جانبه‌نگری و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. این نگرش، افراد را از انفعال و تقدیرگرایی دور می‌کند و آن‌ها را به سوی تلاش فعال برای دستیابی به اهداف متعالی سوق می‌دهد. نتیجه آن که انتظار، مفهومی فعال و هدفمند است که جامعه را از حالت رکود و انفعال به سوی پویایی و اصلاح هدایت می‌کند. تحقق تمدن اسلامی در سایه چنین نگرشی امکان‌پذیر است؛ زیرا این نوع انتظار، هم‌زمان اصلاح فردی، اجتماعی و فرهنگی را طلب و با تقویت عدالت، زمینه‌های ظهور و حکومت عدل الهی را فراهم می‌کند.

۱. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۷۸.

نتیجه‌گیری

انتظار، به عنوان مفهومی دینی و اجتماعی، می‌تواند نیرویی پیش‌برنده برای تحولات فردی و تمدنی باشد. جامعه‌ای که انتظار را به درستی درک کند، آن را از حالت صرفاً ذهنی و منفعلانه به نیروی محرک برای اصلاحات اجتماعی تبدیل می‌کند. انتظار فعال، فرد را از انزوا خارج می‌کند و به مشارکت در رفع بی‌عدالتی، مقابله با فساد و تلاش برای بهبود شرایط اجتماعی سوق می‌دهد. این نگرش، به انسجام اجتماعی کمک و جامعه را به سوی ارزش‌هایی همچون همبستگی، عدالت و مسئولیت‌پذیری هدایت می‌کند.

در مقابل، انتظار منفعلانه می‌تواند به رکود اجتماعی و پذیرش وضع موجود منجر شود. این نوع انتظار، افراد را به چشم‌داشتن به آینده‌ای نامعلوم بدون هیچ‌گونه تلاش برای تغییر حال حاضر سوق می‌دهد که نتیجه آن تضعیف سرمایه اجتماعی و افزایش بی‌تفاوتی عمومی خواهد بود.

بنابراین، درک صحیح از انتظار، نه تنها به عنوان نوعی باور دینی، بلکه به مثابه ابزاری تمدنی، جامعه را برای پذیرش عدالت و پیشرفت آماده می‌کند. جامعه‌ای که به انتظار فعال پایبند باشد، نه تنها در برابر چالش‌های اجتماعی مقاوم‌تر است، بلکه بستری مناسب برای تحقق عدالت و شکوفایی تمدن اسلامی فراهم می‌آورد.

منابع

۱. اسماعیل بن حماد الجوهری، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، انتشارات دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲. پاتنام، رابرت، *دموکراسی و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، نشر کویر، تهران، ۱۳۹۵.
۳. توین بی، آرنولد، *بررسی تاریخ تمدن* (خلاصه دوره دوازده جلدی)، ترجمه محمدحسین آریا، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۴. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ج ۵، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۵. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، انتشارات غدیر، تهران، ۱۳۹۱.
۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. دورانت، ویل، *تاریخ تمدن* (مشرق زمین: گاهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان پور، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
۸. دورکیم، امیل، *صور ابتدایی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، نشر هرمس، تهران، ۱۳۸۲.
۹. سبحانی، جعفر، *انتظار و زمینه های اجتماعی آن*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
۱۰. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۱. قرائتی، محسن، *انتظار و تمدن اسلامی*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. لوکاس، هنری، *تاریخ تمدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۶۶.
۱۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. محلاتی، سروش، *انتظار و مسئولیت اجتماعی*، نشر احسان، تهران، ۱۳۹۵.
۱۵. مطهری، مرتضی، *آزادی و معنویت*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵.
۱۶. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۱.
۱۷. میرباقری، علیرضا، *انتظار: موعود و تمدن اسلامی*، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۹۰.
۱۸. نراقی، محمدجواد، *حکمت اجتماعی در تمدن اسلامی*، انتشارات دانشگاه تهران،

تهران، ۱۳۸۹.

۱۹. وبر، ماکس، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر،

نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.


۲۰. واسطی زبیدی حنفی، سیدمحمد مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*،

تحقیق: علی شیری، ج ۷، انتشارات دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

مجله‌ها

پژوهش‌های علوم انسانی (فصلنامه)، دانشگاه قم، ج ۱، مقاله «تمدن و مبانی آن از دیدگاه

اندیشمندان اسلامی»، ۱۳۷۶.

 صفحه اینترنتی

سایت مقام معظم رهبری:

www.khamenei.ir

صورت بندی چالش‌های امنیتی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت

رضالک زایی^۱

چکیده

«امنیت»، مخصوصاً «امنیت اعتقادی» از نیازهای حیاتی و ضروری انسان دین‌دار است و لازم است هرچه این امنیت را با مخاطره مواجه می‌سازد، شناسایی و علاج شود. جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، چالش‌های مختلفی، از جمله چالش‌های امنیتی برای جوامع و از جمله جمهوری اسلامی ایجاد می‌کنند. در این مقاله، تبیین و طبقه‌بندی این چالش‌ها با بهره‌گیری از چارچوب نظری که توسط صدرالمتألهین شیرازی ارائه شده، سامان یافته است. طبق این چارچوب جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت در سه عرصه با «سد باب معرفت»، «سد باب حیات» و «سد باب معیشت»، امت اسلامی را با چالش‌های امنیتی مواجه می‌سازند. به کار بستن این چارچوب نظری، نوآوری مقاله حاضر است. روش مقاله نظریه دلالیت، است که از دانش منطق و اصول فقه اخذ شده است.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، مدعیان دروغین مهدویت، امنیت، سد باب معرفت، سد باب حیات، سد باب معیشت.

مقدمه

جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین، بر خلاف جریان زلال مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت می‌کنند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه سدهایی را که مقابل معرفت، حیات و معیشت بشر ایجاد شده است، می‌شکند؛ عقلانیت بشر را ارتقا می‌دهد؛ راه تنفس بشر را باز می‌کند و به جنگ همه علیه همه خاتمه می‌بخشد. او را مادری غربی و پدری شرقی است تا با محبتی پدرانانه با اصل ناامنی بجنگد و شرق و غرب عالم را از امنیت سرشار کند. حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وعده صادق الهی است و علامت لطف خدا به بشر و نشان دهنده این است که خدا بشر را نه فراموش کرده و نه به حال خود رها کرده است. او تمامی قفل‌های بسته تاریخ را خواهد گشود و غل و زنجیر را از دست و پای بشر باز خواهد کرد. او وقتی خواهد آمد که قطرات انسان‌ها با دست اراده و فطرت توحیدی خویش به هم متصل شوند. چون او «اقیانوسی» عمل می‌کند نه «جزیره‌ای». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که کار ناتمام همه انبیا را تمام می‌کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه حاشیه که متن و بلکه روح دین است و اگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اسلام حذف شود، اسلام هم نمی‌ماند.^۱

بهار روزگاران و عدالت‌خواهان «داعی الله» است و انسان‌ها را نه به خود، بلکه به سوی خدا دعوت می‌کند. کتاب خدا را برایشان می‌خواند و آیاتش را تفسیر و تبیین می‌کند: «السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته... السلام علیک حین تقرء و تبین».^۲ او اجازه نمی‌دهد نه عقل به مسلخ برود، نه نقل و نه بشر.

در مقابل، جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین، دیگران را به خود دعوت می‌کنند و عقل و نقل و بشر را با هم به مسلخ می‌برند و قربانی تمایلات شیطانی و نفسانی خود می‌کنند، تا شاید بشر از آینده ناامید شود و به هر خبری از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیده انکار و تردید بنگرد. وقتی هم که رحمت و نور امید رفت و ظلمات یأس و ناامیدی آمد و ملت‌های عدالت‌خواه دست از

۱. ر.ک: رحیم پور ازغدی، مهدی؛ ده انقلاب در یک انقلاب.

۲. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

عدالت شستند و اراده تحقق عدالت و امنیت را، اگر چه نسبی و اگر چه اندک و ناچیز، به چوب لباسی یأس آویختند؛ بهترین فرصت برای خدایان ریز و درشتی است که همین امروز بر دنیا حکومت می‌کنند و با خونسردی، خون محرومان و مستضعفان را با شعار مبارزه با تروریسم و دفاع از حقوق بشر می‌مکند و می‌ریزند.

البته چنان‌که آیت‌الله سیستانی فرموده‌اند، در این میان ممکن است عده‌ای باشند که در تطبیق روایات ظهور هر چند با حسن نیت شتاب به خرج داده و بدون ملاحظات روشی دچار لغزش شده و ناخواسته راه را برای غرض‌ورزان هموار کرده باشند^۱ که در اصل مطلب تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

پیشینه

درباره این مدعیان و منحرفان آثار قابل توجهی منتشر شده است.^۲ در عین حال، تعداد اندکی از آن آثار چالش‌های امنیتی آن‌ها را به صورت مستقیم مورد مذاقه قرار داده‌اند. از طرفی چون آثار جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت ذیل کتاب‌های ضاله طبقه‌بندی می‌شوند دسترسی به آن‌ها هم به سادگی میسر نیست و یکی از مشکلات تحقیق محسوب می‌شود.

مقاله «تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان‌های انحرافی معاصر در بستر آموزه‌های مهدویت»^۳ یکی از آثاری است که به مباحث امنیتی توجه نشان داده است. در این مقاله، راهکارهای نفوذ جریان‌های انحرافی بیان شده و مقاله نشان می‌دهد که نفوذ جریان‌های

۱. آیت‌الله سیستانی، <https://www.sistani.org/persian/archive/25698/>.

۲. از جمله رک: صفری‌فروشانی و عرفان، گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت، ص ۸۳-۱۰۷؛ جعفریان، مهدیان دروغین به ضمیمه هفت رساله؛ حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت؛ قندی، آسیب‌شناسی موعودگرایی؛ با تأکید بر آسیب‌گستری مسیح‌نمایان؛ اسحاقیان درجه، بررسی و نقد مستندات جریان انحرافی احمد اسماعیل؛ کامیاب، بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اسماعیل؛ حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل؛ عبدالرحمانی، بررسی نقش عرفان‌های نوپدید بر امنیت اخلاقی، ص ۱۴۷ - ۱۶۰).

۳. اسحاقیان درجه و دیگران، تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان‌های انحرافی معاصر در بستر آموزه‌های مهدویت، ص

انحرافی در شخص و جامعه با ابزارهای روانشناسانه و جامعه‌شناسانه چگونه انجام می‌شود و چه تأثیرات و پیامدهای امنیتی دارد. به دیگر سخن، آن‌گونه که نویسندگان خود تصریح کرده‌اند «تحقیق به دنبال بررسی راهکارهای نفوذ و انحرافات و چالش‌های مختلف ایجاد شده توسط جریان‌های معاصر و نیز بررسی انحرافات بالقوه‌ای است که از فرقه‌ها انتظار می‌رود». گرچه نویسندگان مقاله، امنیت را به عنوان یکی از واژگان کلیدی یا اهداف مقاله ذکر نکرده‌اند؛ محتوای مقاله سرشار از مباحث امنیتی است و می‌توان گفت چالش‌های امنیتی را برشمرده است.

کتاب تحلیل روند و فرآیند فرق و جریان‌های انحرافی^۱ نیز به رابطه امنیت ملی و فعالیت‌های فرقه‌های معاند پرداخته و از نسبت ایمان و امنیت سخن گفته و به بررسی وضعیت فعالیت فرقه‌های انحرافی و عرفان‌های کاذب و معرفی و تحلیل مدعیان دروغین مهدویت توجه نشان داده است. علاوه بر این، در ضمن بررسی بسترهای پیدایش فرقه‌ها، مخاطرات امنیتی این فرقه‌ها را ذکر کرده است. این کتاب مانند دیگر آثار این عرصه، فاقد چارچوب نظری معین برای نقد و بررسی جریان‌های انحرافی است.

آنچه مهم است، ارائه چارچوبی است که بتوان به وسیله آن جایگاه امنیتی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین را سنجید که به نظر می‌رسد در آثار موجود، ارائه این چارچوب مغفول واقع شده است. چارچوبی که سوای تحلیل شخصیتی یا انگیزه‌های مدعیان و سوای نقش بیگانگان در تأسیس یا حمایت از آن‌ها از منظر امنیتی بحث را به پیش ببرد و این، مهم‌ترین نکته، بلکه اشکالی است که نگارنده متوجه آثار این حوزه می‌داند و درصدد است تا این خلأ را برطرف کند و به همین دلیل، آن را رسالت خویش قرار داده و نوآوری خود می‌داند.

نوآوری

نگارنده تلاش کرده است تا اولاً، تعریفی از مفهوم پرچالش «امنیت» را به کار بگیرد که مصداق

۱. ر.ک: اسحاقیان درجه، تحلیل روند و فرآیند فرق و جریان‌های انحرافی.

علوم انسانی متعالی باشد. این، در حالی است که امنیت پژوهان تصریح دارند که عدم توجه به اصل بومی‌نگری باعث شده تا نظریه‌های مسلط در حوزه امنیت، عموماً ماهیت و صبغه‌ای اروپایی. آمریکایی داشته باشند؛^۱ ثانیاً، مقاله حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری بومی که توسط صدرالمآلهین شیرازی ارائه شده به صورت روشمند چالش‌های امنیتی جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی طبقه‌بندی، توصیف، تبیین، تحلیل و نقد کند. روش مقاله هم نظریه دلالت (مطابقی، تضمینی، التزامی) است که از دانش منطقی و اصول فقه اخذ شده است.

مفهوم چالش

تأمل در کاربرد واژه «چالش» نشان می‌دهد که تعارض، جدال و تهافت، مانع و مشکل، آسیب و آفت، از جمله معنای هستند که از واژه مذکور مستفاد بوده است.^۲

مفهوم امنیت

بحث مهدویت و امنیت، از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند؛ چنان‌که در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور خداوند متعال، از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت و پدیدار شدن امنیتی پایدار را با تشکیل حکومت جهانی مستضعفان در همه جا، برای همه و برای همیشه نوید داده است که در آثار مرتبط با مهدویت مورد توجه بوده است.^۳

«امنیت» در لغت به ایمن شدن «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است.^۴ برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی، برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد و با یک بررسی اجمالی مشخص می‌شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنا و بعضاً زبان‌شناختی) از

۱. ر.ک: افتخاری، امنیت، ص ۲۰.

۲. ذوعلم، تاملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی- فرهنگی ایران، ص ۳۶.

۳. از جمله ر.ک: کاظمی، عدالت و مهدویت، ص ۱۳۱-۱۵۶.

۴. معین، فرهنگ، ص ۳۵۴.

امنیت ارائه شده است.^۱ از این رو، باید این واقعیت را قبول کرد که کثرت تعاریف نیل به تصویر واحد از آن را با دشواری مواجه ساخته است.^۲ به تصور نظریه پردازان امنیت، در قرآن کریم آیه‌ای ذکر شده که تعریف امنیت از آن قابل برداشت است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ هُمُ الْأَمَنُ﴾.^۳ فرمول مستخرج است از این آیه به این شکل است: ایمان، به اضافه عدم ظلم مساوی است با امنیت متعالیه.^۴ ایمان در زندگی انسان مسلمان و بلکه بشر نقش کلیدی دارد و از مقدسات بشر^۵ و دست کم دارای هفت لایه است: ایمان به خدا، ایمان به روز بازپسین، ایمان به همه انبیای الهی، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به قرآن کریم، ایمان به غیب و ایمان به فرشتگان.

راجع به عدم ظلم نیز باید گفت مفهومی است که دست کم چهار ضلع دارد: ۱. ظلم نکن (به خود، به خدا و به خلق خدا)؛ ۲. ظلم نپذیر؛ ۳. با ظالم دشمن باش؛ ۴. مظلوم را یاری کن. اصل اول و دوم از ﴿لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۶ و اصل سوم و چهارم از فرمایش امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه اصطیاد شده است: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا».^۷

از این جا می‌توان از امنیت متعالیه سخن گفت؛ در حالی که امنیت مضیق که فقط بر امنیت نظامی تمرکز دارد و امنیت موسع که علاوه بر امنیت نظامی بر ابعاد دیگر امنیت، از جمله امنیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی تأکید دارد؛ چون به ابعاد دنیوی امنیت ناظر هستند؛ از امنیت متعالیه تمایز می‌یابند.

به این ترتیب نامنی هم دارای ابعاد دنیوی و اخروی و اعتقادی و اخلاقی و رفتاری است. لذا

۱. افتخاری، امنیت ملی: رهیافت‌ها و آثار، ص ۲۷.

۲. افتخاری، امنیت، ص ۸۱.

۳. انعام: ۸۲.

۴. رک: لک‌زایی، امنیت متعالیه.

۵. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۴۵۹ - ۴۶۰.

۶. بقره: ۲۷۹.

۷. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

جریان‌ها و مدعیانی که اعتقادات بدلی ارائه می‌کنند، یا تعالیم آن‌ها باعث ظلم به خدا، خلق خدا و انبیای الهی و انسان و خانواده‌اش می‌شود؛ در واقع کارخانه تولید ناامنی هستند.

مفهوم جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت

با رصد تحولات می‌بینیم دشمنان اسلام با مطالعات گسترده و دقیق، در میان شیعه‌ها، بابیت و بهائیت را ساخته‌اند؛ بین سنی‌ها وهابیت را؛ در هند و پاکستان، جریان قادیانی و احمدیه را؛ و در عراق جریان احمد اسماعیل و در آفریقا محمد بن احمد بن عبدالله، معروف به مهدی سودانی را؛ تا قدرت بی‌رقیب اسلام و مسلمانان را از کار بیندازند. برخی محققان نوشته‌اند:

اگر سرزمین آفریقا را زادگاه «مدعیان مهدویت» بدانیم، راه دوری نرفته‌ایم. این امر، با توجه به زمینه‌های روانی و اجتماعی ناشی از وجود بی‌عدالتی و تبعیض در آفریقا سبب شد مهدی سودانی بیش‌ترین بهره‌را از آموزه مهدویت ببرد.^۲

با این توضیح، مراد از جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، کسانی و گروه‌هایی هستند که مدعی دین جدیدی یا اعتقاد جدیدی غیر از آموزه‌های اسلام ناب فارغ از منطقه جغرافیایی هستند. بنابراین، مقاله پیش رو فقط به یک مذهب، جریان، فرقه یا مدعی کذاب مهدویت نمی‌پردازد، بلکه بر اساس چارچوب نظری، سه عنصر کلیدی سد باب معرفت، سد باب حیات و سد باب معیشت را در آن‌ها بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد با به کار بستن و تطبیق این سه عنصر، می‌توان به سرعت جریان‌های دروغین را شناخت و شناساند.

چارچوب نظری

هدف مقاله بررسی همه لغزش‌ها و چالش‌های جریان‌ها و مدعیان نیست، بلکه بررسی روشمند مهم‌ترین چالش‌هایی است که با امنیت مرتبط هستند. برای این منظور، مقاله از چارچوب نظری که توسط صدرالمآلهین شیرازی ارائه شده است، بهره می‌گیرد. در این بحث،

۱. رحیم پور ازغدی، امت اسلامی (بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی)، ص ۸۳.

۲. عرفان، بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان، ص ۱۴۹.

چارچوبی برای تشخیص گناهان کبیره ارائه شده که بر اساس آن مشخص می‌شود که جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، هر سه ضابطه گناهان کبیره را دارا هستند. از منظر صدرالمتهلین، هدف تمامی شرایع سوق دادن بشر به سوی خدا و کسب سعادت ملاقات با اوست و این شدنی نیست، مگر با شناخت خدا و صفاتش و اعتقاد به فرشتگانش، کتاب‌هایش، پیامبرانش و روز قیامت. از این رو، برترین اعمال گواهی دادن به یگانگی خدا و اقرار به ربوبیت او و پذیرش فرستادگانش و اطاعت از حضرات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است.^۱ و امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى همان کسی است که معنویت را در تمام جهان فراگیر می‌کند و انسان‌ها را به جوار خداوند سوق می‌دهد و انسان‌ها و ملت‌ها را از هر نژاد و جنیست و جغرافیایی به ملاقات خداوند مفتخر می‌فرماید.

روشن است که جامعه انسانی در صورتی می‌تواند خدا را بشناسد و به او ایمان بیاورد و به وحدانیتش شهادت دهد و نبوت رسولانش را بپذیرد و از رهبران الهی اطاعت کند که نفس بکشد و زنده باشد و به فقر و بیماری و نداری گرفتار نباشد. به تعبیر ملاصدرا، دو چیز از امور دنیا برای به دست آوردن زاد و توشه آخرت لازم است: داشتن حیات و داشتن ثروت و ابزار و الزامات آن دو: «ان المتعلق من امور الدنيا بتحصيل الزاد للآخره شیئان: النفوس و الاموال و أسبابهما».^۲ از این رو صدرالمتهلین گناهان کبیره را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند:

یک. سد باب معرفت: بزرگ‌ترین گناه، کفر است و پس از کفر، ایمنی از مکر خدا و سپس ناامیدی از رحمتش و در مرتبه بعد بدعت‌هایی که مربوط به ذات، صفات و افعال خداست.^۳

دو. سد باب حیات: قتل در درجه دوم گناهان کبیره قرار دارد؛ زیرا کفر بازماندن از مقصود و

۱. صدرالمتهلین شیرازی، الشواهد الربوبیه، ص ۴۳۳ - ۴۳۴؛ عبارت ملاصدرا چنین است: «ان مقصود الشرائع كلها سیاقه الخلق الى جوار الله و سعادة لقائه و الارتقاء من حضيض النقص الى ذروة الكمال و من هبوط الدنيا الى شرف الاخرى. و ذلك لا تيسر الا بمعرفة الله، معرفة صفاته و الاعتقاد بملانكته و كتبه و رسله و اليوم الاخر... فأفضل الاعمال شهادة التوحيد و الاقرار بالربوبية لله و الرسالة و الطاعة لأولى الامر من الائمة عليهم السلام».

۲. همان، ص ۴۳۴.

۳. همان، ص ۴۳۵.

جان باختن از دادن وسیله است. با بقا و حفظ نفس، حیات دوام خواهد یافت و با بقای حیات، معرفت به خدا و ایمان به او و آیاتش به دست می‌آید. در رتبه بعد از قتل، قطع عضو، مجروح کردن و زدن قرار دارد. صدرالمآلهین زنا و لواط را هم در دسته سد باب حیات قرار داده است؛ زیرا هرگاه جامعه به جنس مذکر بسنده کند، نسل منقطع می‌شود و زنا اگرچه نسل را از بین نمی‌برد؛ نظام ارث و نسب را مختل می‌کند و نظم طبیعی زندگی را به هم می‌ریزد و در نهایت باعث جنگ و درگیری و خون‌ریزی می‌شود.^۱

سه. سد باب معیشت: بحث سوم، اقتصادی است. اموال، وسیله معیشت مردم هستند. پس باید آن‌ها را از تلف و غصب حفظ و حراست کرد. پس هرگاه اموال از دست صاحبان آن‌ها به صورتی گرفته شد که استرداد، جبران یا تدارک ضررش دشوار باشد، باید این تجاوز و تعدی را از جمله گناهان کبیره شمرد.^۲ دلیل این که سد باب معیشت در رتبه سوم قرار گرفته، این است که مال را می‌شود پس گرفت؛ اما وقتی جان رفت، دیگر نمی‌شود آن را پس گرفت.^۳

طبق این چارچوب مهم‌ترین کار رهنمان راه حق و حقیقت عبارت است از:

۱. سد باب معرفت؛

۲. سد باب حیات؛

۳. سد باب معیشت.

آنچه درباره جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت با همه تفاوت‌ها و تعارضات ظاهری و باطنی، روبنایی و بنیادین، خاستگاه‌های تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی، می‌توان گفت، این است که همه آن‌ها دست کم سه نامنی برای جامعه و امت اسلامی ایجاد می‌کنند که در دو دسته کلان قابل طبقه‌بندی است:

۱. همان.

۲. همان، ص ۴۳۶.

۳. رک: جوادی آملی، ۱۳۹۹ سیاست الهیه در حکمت متعالیه؛ شرح مشهد پنجم الشواهد الربوبیه، ص ۶۳۲.

چالش‌های نظری

«چالش‌های نظری»، به چالش‌هایی گفته می‌شود که به حوزه معرفت‌شناسی، عقیده‌ها و باورها ناظر است. با استفاده از ادبیات چارچوب نظری مقاله می‌توان گفت که این چالش‌ها، سد باب معرفت می‌کنند و جامعه را با تهدیدات معرفت‌شناختی و اعتقادی مواجه می‌کنند.

چالش‌های عملی

در حوزه «چالش‌های عملی» نیز با دو عرصه مواجه هستیم: اول، چالش‌هایی که به حیات و جان آدمی ناظر است. این چالش‌ها جنبه امنیتی و نظامی دارد و با جان انسان‌ها مرتبط است و باعث سلب امنیت جانی افراد می‌شود. همچنین دارای جنبه خانوادگی است که تحریم زنا و لواط بیان‌گر آن است. از این چالش‌ها به عنوان سد باب حیات یاد می‌شود؛ دوم، چالش‌هایی که به حوزه معیشت و اسباب و لوازم زندگی ناظر است؛ که از آن‌ها به عنوان «سد باب معیشت» تعبیر شد.

پس چالش‌های نظری به ناامنی معرفتی و عقیدتی و فرهنگی، چالش‌های حیاتی به ناامنی جانی و خانوادگی و سیاسی و چالش‌های معیشتی به ناامنی اقتصادی ناظر است. در ادامه مصادیقی از این چالش‌ها را بررسی می‌کنیم:

چالش‌های نظری

چالش‌های نظری جریان‌های انحرافی و دروغین در عرصه معرفتی و عقیدتی فراوان است و به لحاظ تاریخی سابقه چند هزار ساله دارد. جریان سامری و عالمان منحرف محرف یهودی که در قرآن نکوهش شده تا آنچه امروزه به عنوان عرفان‌های کاذب شناخته می‌شود، همه در این دسته قرار می‌گیرند؛ چنان‌که در تعریف امنیت گفتیم، امنیت عبارت است از ایمان، به همراه عدم ظلم. آنچه در سد باب معرفت، در معرض تهدید قرار می‌گیرد و با چالش مواجه می‌شود، ایمان است؛ ایمان به خدا، ایمان به پیامبران، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به غیب، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به فرشتگان، ایمان به معاد و ایمان به قرآن. این هفت

مؤلفه، امنیت آفرین و از دست دادن هر یک از آن‌ها تولید کننده ناامنی است. باید دقت داشت که ایمان، بنیاد و بنیان اخلاق و رفتار است و بر گرایش و کنش انسان و جامعه تأثیر مستقیم دارد. ایمان آگاهانه و متعهدانه و عمل آفرین، ضامن و حافظ و مولد امنیت متعالیه است. چالش‌های نظری، ناامنی درونی ایجاد می‌کند و ممکن است انسان را به کفر بکشاند و سرانجام کفر نیز چیزی جز جهنم نیست که ناامنی همیشگی و ابدی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، سد باب معرفت که توسط مدعیان دروغین انجام می‌گیرد و اولین گام آن‌ها محسوب می‌شود، بسیار خطرناک است و نشان دهنده آن است که آن‌ها خود را از طرح و نقشه خدا و سنت املا و استدراج ایمن می‌پندارند. در ادامه در دو بخش این بحث را پی می‌گیریم.

الف) سد باب معرفت در عرصه معرفت شناسی

اساس دین، تعقل است و یکی از اهداف انبیای الهی ارتقای عقلانیت بشر است. در مقابل، راهزنان نیز کارشان را با مختل کردن عقل با اشکال گوناگون شروع می‌کنند و به پیش می‌برند که در ادامه می‌آید:

۱. **تعطیلی عقل:** اولین چالش نظری در عرصه معرفت شناختی، که به اذعان برخی از پژوهشگران همه مدعیان دروغین مهدویت به آن استناد کرده‌اند؛ معتبر دانستن رؤیا و خواب است.^۱ برخی مدعیان تصریح می‌کنند: «یکی از راههای شناخت حجت‌های الهی در هر زمان، وحی الهی به وسیله رؤیاهای صادقانه به مؤمنان همان زمان بوده است».^۲

«عقل» یکی از منابع و ابزار شناخت است. از منظر متفکران معرفت شناسی، تمام شناخت‌های حسی نیز به عقل و قاعده محال بودن اجتماع نقیضین متکی است. تجربه و استخراج قاعده کلی از تجربیات مختلف هم با پشتوانه عقل است که انجام می‌گیرد.^۳ علمای معرفت شناسی و

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۳۷۶ و ۳۰۳ و ۵۹ و کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۰۲ و ۳۲۱.

۲. حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل، ص ۱۱۱.

۳. جوادی آملی، شناخت شناسی در قرآن، ص ۲۱۱.

دانشمندان علم اصول حجیتی برای رؤیا قائل نشده‌اند؛ زیرا چنان‌که شیخ مفید فرموده است، رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام واقع نشد. پس رؤیا گاهی واقع می‌شود و گاهی واقع نمی‌شود،^۱ لذا نمی‌توان به آن تکیه کرد و به آن به عنوان گزاره کلی، ضروری و دائم نگریست.

برخی از متفکران، شهود را نیز از طبقه بندی دانش کنار گذاشته‌اند.^۲ همچنین علمای علم اصول، علم غیب معصوم علیه السلام را نیز فاقد حجیت شرعی دانسته^۳ و از جمله به این حدیث حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم استناد کرده‌اند: «من در میان شما بر اساس بینة و قسم قضاوت می‌کنم» که مفهوم مخالف این فرمایش آن است که بر اساس علم غیب و شهود باطنی قضاوت نمی‌کنم. به همین دلیل، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید ممکن است که در دادگاه ایشان، به نفع کسی حکم شود، که حق با آن شخص نباشد، و آن‌گاه او از دادگاه پیامبر، قطعه‌ای از آتش ببرد:

إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئاً فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ.^۴

در این میان، جریان‌های منحرف، سخت به حجیت رؤیا معتقد هستند و روشن است که هر چه خواب دیدن برجسته و تأیید شود، جا برای عقل تنگ و تنگ‌تر می‌شود. لذا اولین چالش، تعطیلی عقل است.^۵

۲. استناد به استخاره به جای استناد به عقل: دومین چالش که تضعیف کارکرد عقل را به دنبال دارد، استناد به استخاره برای اثبات حقانیت خویش است.^۶ اثبات حقانیت، حتی حقانیت

۱. شیخ مفید، المسائل العکبریة، ص ۳۰۳ و همان، تفسیر القرآن المجید، ص ۳۲.

۲. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۹۶.

۳. کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، ج ۳، ص ۱۱۳، ۱۱۴.

۴. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۱۴.

۵. ر.ک: آیتی و شهبازیان، ادعاهای قرآنی برخی مدعیان دروغین در بهره‌گیری از رؤیا برای تشخیص حجت الهی، ص ۵-۲۶.

۶. ر.ک: محمدی هوشیار، درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، ص ۳۳۷-۳۵۱ و حجامی، نقد و بررسی جریان

احمد اسماعیل، ص ۱۰۳.

پیامبر و معجزه او هم با عقل انجام می‌شود. از این رو، نباید استخاره یا هر چیز دیگری جای عقل بنشیند و به جای عقل تصمیم بگیرد یا سخن بگوید.

۳. خلع سلاح عقل: مطرح کردن ادعاهایی که عقل راهی برای اثبات آن‌ها ندارد، از دیگر اقداماتی است که گرچه جایگزین عقل نیست؛ اما مستلزم کنار گذاشتن عقل است؛ مثل این که فلان اتفاق که قبلاً رخ داده از دعای من بوده است.

۴. اولویت دادن به احساس: ترویج احساس‌گرایی، گام دیگری است تا جا را برای عقل تنگ کند. این ویژگی هم بین همه جریان‌های انحرافی مشترک است. در این روش برخورد احساسی با موضوع مهدویت و تحریک احساسات مخاطبان برای بر عهده گرفتن نقشی در ظهور محوریت دارد. همه مدعیان می‌کوشند ارتباط عاطفی شرکت‌کنندگان را با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تا حدی زیاد کنند که افراد درباره تحقق ظهور بی‌تاب شوند. از دیگر سو چون بیش‌تر این افراد نمی‌دانند که برای تحقق ظهور چه باید انجام دهند، زمینه برای جولان مدعیان فراهم می‌شود.^۱

این مطلب هم با تضعیف عقل و اولویت قائل نشدن برای عقل یکی از چالش‌های نظری در عرصه معرفت‌شناختی است.

۵. انکار بدیهیات عقلی: مسئله دیگری که می‌توان آن را از منظر معرفت‌شناختی تحلیل کرد، رجوع به متخصص به عنوان دستور بدیهی عقل است. فرمان عقل در تمامی اموری که انسان در آن سررشته‌ای ندارد، رجوع به متخصص است؛ اما این نکته واضح، با شست و شوی مغزی پیروان، توسط مدعیان دروغین و سردمداران جریان‌های انحرافی نقض می‌شود و مراجعه به مراجع تقلید به عنوان کارشناسان و متخصصان امر دین به شدت نفی می‌شود. به دیگر سخن، بعد از کنار گذاشتن عقل متصل نوبت حذف عقل منفصل است که مصداق بارز آن مراجع عظام تقلید هستند. حتی برخی (مثل علی یعقوبی) مدعی هستند که فقها فهم درستی از فقه ندارند و فقط خودشان هستند که از جایگاه فقه باخبرند.^۲ توهین به علما و مراجع در همین چارچوب

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۹۳.

۲. ر.ک: حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۳۷۴ و ۳۰۵.

تحلیل می‌شود.^۱

۶. پذیرش اجتماع ضدین و نقیضین در عمل: نکته‌ای که همان اول از بررسی اجمالی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، به صورت پرننگی به چشم عقل می‌آید، ادعاهای متضاد و متناقضی است که هر یک دارد؛ به گونه‌ای که مشخص نمی‌شود؛ این شخص ادعای بابت دارد؛ مدعی امامت است؛ خود را پیامبر خدا می‌داند یا مدعی الوهیت و ربوبیت است؛ عیسی است یا مهدی است یا هر دو یا هیچ کدام!^۲ انسان که نمی‌شود خدا باشد یا خدا شود، چون لازم می‌آید که ممکن الوجود به واجب الوجود تبدیل شود و این امر از لحاظ عقلی محال است؛ اما گویا در مذهب اینان، محال ذاتی هم شدنی است و تنها امر نشدنی، نپذیرفتن یا نقد کردن خودشان است.

۷. کنار گذاشتن علوم عقلی: احمد اسماعیل فلسفه را به دلیل یونانی بودن، منطقی را به سبب ارسطویی بودن، اصول فقه و رجال را هم به دلیل آبشخور اهل سنت داشتن رد می‌کند و کسی که این علوم را آموخته باشد، عالم نمی‌داند.^۳ دلیل مخالفت با این علوم، آن است که ما با کمک این دانش‌ها، درست و غلط را می‌فهمیم. منطق، با استدلال عقلی و تشخیص انواع مغالطه، راه صحیح را به ما نشان می‌دهد. اصول فقه، فرایند فهم متن و ضوابط استنباط احکام را به ما می‌آموزد و دانش رجال، راویان ثقه و قابل اعتماد را از راویان مجهول و غیرقابل اعتماد به ما معرفی می‌کند. کارکرد فلسفه نیز مشخص است: کشف حقیقت! و وقتی آن حقیقت کشف شد، باید تمامی علوم، تابع همان حقیقت محض و واحد باشند. این علوم ذیل علوم اقتدار آفرین طبقه‌بندی می‌شوند و تضعیف آن‌ها به هر بهانه‌ای تضعیف اقتدار جامعه و در نتیجه انواع ناامنی را به همراه دارد.

بنابراین، تا زمانی که نور عقل پرتو افشانی کند، هیچ مدعی دروغینی موفق نمی‌شود. لذا اولین

۱. حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل، ص ۱۲۶.

۲. برای مطالعه مصادیق، ر.ک: حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۶۹.

۳. احمد اسماعیل، العجل، ج ۱، ص ۴۱.

و مهم‌ترین کار مدعیان دروغین کنار گذاشتن عقل است. عقل که زایل شد، دین و اخلاق هم زایل می‌شوند. و وقتی دین، یعنی نظام اطاعت و حمایت و اخلاق یعنی معیار ارزش و ضد ارزش و عقل یعنی ملاک تشخیص درست و غلط در شخص یا جامعه‌ای مختل بود، سراسر آن جامعه را تیرگی ظلم و ناامنی پرخواهد شد، چون انسان به اعتقاد و دین نیاز دارد و وقتی اعتقاد غلط جای اعتقاد درست را گرفت، جز بر ناامنی نمی‌افزاید. این، در حالی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از کارهای انبیای الهی را شکوفا کردن عقل ذکر فرموده‌اند و حال آن‌که این مدعیان از هیچ تلاشی برای خشکاندن ریشه عقل و خاموش کردن نور آن فروگذار نمی‌کنند.

ب) سد باب معرفت در عرصه اعتقادی

بعد دیگر چالش‌های نظری، به امور اعتقادی ناظر است. مراد از امور اعتقادی ایمان به همراه متعلقات آن است. باور به توحید، مهم‌ترین عقیده هر مسلمانی است؛ اما مشبهه، مجسمه، معطله و ... هر کدام به شکلی در آن انحرافی پدید آورده است. لذا ارائه دیدگاه‌های غلط درباره توحید و نبوت و معاد و قرآن و خاتمیت از دیگر چالش‌هایی است که در عرصه اعتقادی مطرح است. این ادعاها در نگاه اول جنبه کلامی و اعتقادی دارند و به نظر می‌رسد که با امنیت، مخصوصاً در عرصه اجتماعی و سیاسی و خانوادگی دست کم ارتباط دوری دارند؛ حال آن‌که این‌گونه نیست، و لغزش اعتقادی، سرآغاز دیگر لغزش‌هاست. تأکید می‌کنیم که در نظریه امنیت متعالیه، امنیت ترکیبی از ایمان و عدم ظلم است. شرک بزرگ‌ترین ظلم و سرمنشأ کل ناامنی‌های دنیوی و اخروی است. در مقابل، توحید، منشأ تمام حقوق و سرچشمه همه آرامش‌ها و زیبایی‌هاست. توحید به معنای نفی همه قدرت‌ها غیر از یک قدرت است. وقتی در توحید خدشه وارد شد، مرکز و منشأ قدرت از بین می‌رود.

۱. ادعای الوهیت و ربوبیت: برخی از سران جریان‌های انحرافی (مثل میرزا حسینعلی نوری،

۱. نهج البلاغه، خطبه اول.

معروف به بهاء الله) ادعای الوهیت و ربوبت کرده‌اند.^۱

۲. **ادعای عصمت:** برخی از مدعیان (مثل احمد اسماعیل) ادعای عصمت کرده‌اند.^۲

۳. **ادعای نسخ قرآن:** برخی از جریان‌های انحرافی، مثل بهائیت معتقدند که کتاب‌های اقدس همه کتب آسمانی و لابد قرآن را نسخ کرده است.^۳ کنار گذاشتن قرآن به معنای از دست دادن بزرگ‌ترین و معتبرترین منبع معرفت است که به تنهایی وحشتناک‌ترین ناامنی‌ها را ایجاد می‌کند. از این رو، به درستی برخی از علمای بزرگ شیعه همچون امام خمینی بهائیت را نه به عنوان یک جریان دینی و مذهبی، بلکه به عنوان حزبی صهیونیستی^۴ و با تعبیر «بهایی‌نماهای یهود» یاد می‌کند که پوششی برای یهودی‌ها هستند^۵ و آن‌ها را کنار رژیم غاصب و قصاب صهیونیستی می‌گذارد^۶ و تصریح می‌کند: «بهایی‌ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، یک حزبی که در سابق، انگلستان پشتیبانی آن‌ها را می‌کرد و حالا هم امریکا دارد پشتیبانی می‌کند.»^۷ همچنین امام خمینی به نقل از روزنامه دنیا با تفصیل از شرکت دوهزار نفر بهایی در محفلی علیه اسلام و قرآن حضرت رسول الله ﷺ در لندن در سال ۱۳۴۲ شمسی خبر داده و آن را محکوم کرده است.^۸ اسلام، قرآن و نبوت، سه مؤلفه کلیدی ایمانی و امنیت ساز هستند که با از دست رفتن آن‌ها بشر روی امنیت و آرامش را نخواهد دید.

۴. **ادعای نسخ اسلام و یا برخی احکام آن:** احمد اسماعیل ادعا کرده که شریعت اسلام نسخ شده است. او برخی از احکام اسلام، چون وجوب قضای همه نمازهای فوت شده و نیز حجاب را

۱. ر.ک: کارشناس، تحلیل جریان مدعی ایمانی، ص ۱۵۲.

۲. حجامی، نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل، ص ۵۵.

۳. سلطانی، آشنایی با جریان‌های انحرافی، ص ۱۹۸.

۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱۶.

۵. همان، ص ۱۰۴.

۶. همان، ص ۷۷.

۷. همان، ج ۱۷، ص ۴۶۰.

۸. همان، ج ۱، ص ۱۸۶ و ۲۴۴ و ۲۲۷.

ممنوع اعلام کرده است.^۱ در ماه مبارک رمضان و محرم آمار جرم کاهش می‌یابد؛ چون عده بیش‌تری به احکام اسلام عمل می‌کنند. روشن است که نسخ اسلام و حذف حجاب و تضعیف نماز جز ناامنی به بار نمی‌آورد.

۵. ادعای نبوت: از اصول مسلم اسلام و قرآن، خاتمیت حضرت رسول الله محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در حالی که برخی از جریان‌های منحرف و دروغین (مثل غلام احمد قادیانی) ادعای پیامبری دارند. البته او علاوه بر ادعای نبوت، ادعای امامت و مهدویت داشته است.^۲ حتی برخی از مدعیان (همچون احمد اسماعیل) تصریح دارند که هر انسانی با اخلاص، می‌تواند به مقام نبوت دست پیدا کند!^۳ او معتقد است راه‌های آگاهی از غیب با خاتمیت بسته شده؛ اما راه رؤیای صادقه باز است.^۴ نبوت از منابع قدرت اسلام است و خدشه به آن تضعیف قدرت اسلام و در نتیجه ناامنی را به دنبال دارد.

۶. ادعای امامت: اصل امامت شامل اعتقاد به ۱۲ امام است و به همراه عدل، به «اصول مذهب» معروف است. در این میان، یکی از مدعیان (احمد اسماعیل) خود را معصوم سیزدهم نامیده است.^۵ این، در حالی است که روایاتی که تعداد ائمه علیهم‌السلام را برشمرده به دقت توسط برخی از مراجع معظم تقلید^۶ احصا و دسته‌بندی و بررسی شده است. ادعاهای احمد اسماعیل را تا ۶۰ مورد برشمرده^۷ و روش‌های القای شبهه توسط مدعیان دروغین را تا ۳۰ روش گفته‌اند.^۸

۷. ادعای مرجعیت تقلید: برخی از مدعیان (مثل علی یعقوبی) بدون این‌که تحصیلات و

۱. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۵۳.

۲. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۷۱.

۳. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۸۵.

۴. همان.

۵. همان، ص ۵۷-۵۸.

۶. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۱.

۷. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۷۳.

۸. پورسیدآقایی و فهیمی اصفهانی، روش‌شناسی القاء شبهه توسط مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت، ص ۲۸-۶۴.

سواد لازم و کافی را داشته باشند، با استناد به روایتی مدعی هستند که در دوره غیبت باید به روایات رجوع کرد، نه به فقها.^۱ برخی دیگر هم (مثل احمد اسماعیل) تقلید از مراجع را جایز نمی‌دانند و فقط تقلید از خود را مجاز و تقلید از مراجع عظام را حرام می‌دانند.^۲ بر اساس برخی گزارش‌ها، گروهک «مجاهدین خلق» نیز که ترور بیش از هفده هزار نفر را در کارنامه خود دارد، مطالعه آثار استاد مرتضی مطهری و علامه طباطبایی را ممنوع کرده بود. آن‌ها رساله عملیه را محصول شرایط دوره فتووالیسم می‌دانستند و به مسئله تقلید هم اعتقادی نداشتند و طبعاً مرجع آن‌ها دستورها و مواضع سازمان بود.^۳ به هر حال، برای جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، مهم این است که کسی به فقها و مراجعی که عمرشان را به مطالعه احادیث و روایات و قرآن و آثار علمای سلف سپری کرده‌اند؛ مراجعه نکند و این؛ چنان‌که برخی از پژوهشگران گفته‌اند، نشان از دشمنی آن‌ها با روحانیت متعهد دارد^۴ و تلاش برای حذف روحانیت راهبرد مشترک همه فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین است.^۵

۸. ادعای وجود رکن رابع: زمانی که شیخ احمد احسایی، بنیانگذار فرقه شیخیه، در کنار توحید، نبوت و امامت، اصل چهارمی به نام رکن رابع را مطرح کرد، شاید خیلی‌ها تصور می‌کردند که این مطلب صرفاً مسئله‌ای ذوقی است و تبعاتی ندارد؛ اما زمان نشان داد که این تفکر عملاً به بابت از سویی و از سوی دیگر توقع ارتباط بی‌واسطه با امام توسط عده‌ای (با نام رکن رابع) و عملاً حذف مراجع به علما منجر شد. شیخ احمد مدعی است که خود رکن رابع و مدعی رابطه مستقیم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در خواب و بیداری مطالب را مستقیم می‌گیرد.^۶ دستاورد این نگرش به اسلام و حذف روحانیت و مراجع و حوزه‌های علمیه، تضعیف اسلام و ناامنی است.

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۳۳۱.

۲. ر.ک: آیتی، نقد و بررسی مدعیان مهدویت؛ با تکیه بر آرای احمد الحسن، ص ۵-۴۹.

۳. جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۳۹۴-۳۹۵.

۴. پورسیدآقایی و غلامی، بازنمایی ترفندهای عالم‌گریزی از سوی مدعیان مهدویت در ایران معاصر، ص ۷-۲۵.

۵. جعفری، حذف عالمان دین راهبرد مشترک فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، ص ۵-۲۵.

۶. همان، ص ۱۴-۱۵.

۲. چالش‌های عملی

الف) سد باب حیات

سد باب حیات، ناامنی جانی و قطع عضو و توهین و دیگر انواع خشونت و ناظر به ناامنی خانوادگی را شامل است. این ناامنی‌ها افراد مختلفی را از افراد عادی، شیعیان، مسلمانان و مخالفان و مبارزان و انقلابیان و مراجع تقلید را در بر می‌گیرد. این، درحالی است که در منطق قرآن گرفتن جان انسان بی گناهی با قتل همه انسان‌ها برابر است؛ اما چیزی که برای این مدعیان اهمیتی ندارد و انگار از گناهان کبیره نیست، جان انسان‌هاست.

۱. ناامنی جانی

۱. **بهائیت و مهدورالدم دانستن مسلمانان:** در آموزه‌های بهائیت از وحدت عالم انسانی و ترک تعصبات دینی سخن به میان آمده است؛ به طوری که از منظر بهائیان هر انسانی مشمول الطاف جلیل اکبر می‌باشد. این، در حالی است که در نوشته‌های بهاء و عبدالبهاء و جانشینان او، از مخالفان با تعبیری زشت و توهین آمیز یاد شده و ریختن خون مسلمانان را حلال و اذیت و آزار ایشان را مباح دانسته است.^۱

۲. **انجمن حجتیه و همکاری با ساواک:** اسم ساواک با شکنجه و رفتار وحشیانه و خشن‌گره خورده است و کسی که با ساواک همکاری کرده باشد، قطعاً شریک جرم آنان می‌باشد. بنابر برخی از اسناد منتشر شده و خاطرات برخی مبارزان، انجمن حجتیه و بنیانگذار آن شیخ محمود حلبی با ساواک همکاری داشته است. از جمله این که انجمن، اطلاعات برخی از انقلابیان را در اختیار این دستگاه طاغوتی قرار داده است.^۲

۳. **مهدی سودانی و قطع اعضای بدن منکران:** مجازات کسی که در دعوت محمدبن احمدبن عبدالله، معروف به مهدی سودانی شک می‌کرد یا در اجرای دستورهایش مردد می‌شد؛

۱. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۵۴.

۲. اکبری آهنگر، مروری بر تاریخچه و تفکرات انجمن حجتیه، ص ۹۰ - ۹۲.

این بود که باید دست راست و پای چپش بریده می‌شد. برای ثبوت این دعوی شهادت دو شاهد کافی بود و گاهی هم کافی بود که مهدی به وسیله وحی از آن آگاه شود.^۱

۴. **داعش و وهابیت و کشتن بی گناهان:** جنایات خشن و وحشیانه داعش و وهابیت و حتی جریان حقیری مثل گروهک ریگی، در همین دسته طبقه‌بندی می‌شود. در منطق اینان، خون شیعیان مباح دانسته شده است؛ حال آن‌که این دیدگاه خلاف قرآن و احادیث است که خون و مال و ناموس گوینده «لا اله الا الله» را محترم شمرده و نیکی به کافر غیرحربی را دستور داده است.^۲

احمد اسماعیل و اقدامات تروریستی: یکی از این افرادی که ادعای مهدویت دارد، احمد اسماعیل بصری است. بنابر گزارش آیت‌الله کورانی، احمد اسماعیل خودش اعتراف کرده که نیروی استخبارات بوده و برای وزارت اطلاعات صدام جاسوسی می‌کرده است. همچنین وی تصریح می‌کند: «واقعیت این است که این دجال، برای اهداف دستگاه اطلاعاتی صدام به نجف رفت، نه برای آموختن علم و یا اصلاح حوزه!»^۳

همچنین در سندی سری که در سال ۱۳۹۲ شمسی فاش شد مشخص گردید که حسن اسماعیل با گروهک القاعده اتحاد راهبردی دارد. در این سند آمده است:

با پشتیبانی نظامی جریان الیمانی در عراق از سوی گروه القاعده جهت ضربه زدن به رهبران شیعه در عراق موافقت شد، این سند کاملاً سری است و پشتیبانی باید فقط نظامی و در اسرع وقت صورت بگیرد.^۴

وی مخالفان خویش را تکفیر می‌کند و مال و جان آنان را بی ارزش می‌شمرد تا جایی که در

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۶۲.

۲. ممتحنه: ۸ و ۹ و بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. دجال بصره قابل دسترسی در: <https://www.m-mahdi.com/persian/books-254#7/>.

۴. سندی که ماهیت دجال را فاش نمود؛ ۲۳ تیر ۱۳۹۲؛ قابل دسترسی در:

حادثه الزرگه نجف تعداد زیادی از شیعیان را قتل عام می‌کند و قصد به قتل رساندن مراجع شیعه را دارد که با ناکامی مواجه می‌شود.^۱

لایه دیگر اقدامات ضد امنیتی جریان منحرف یمانی، انکار مراجعه به رأی مردم و یزیدی نامیدن کسانی است که در انتخابات شرکت کرده‌اند!^۲ احمد اسماعیل یک اثر مستقل در رد انتخابات با عنوان «حاکمیه الله لا حاکمیه الناس» نوشته است تا ابتکار عمل در مقابل مستکبران را از ایران و جبهه مقاومت بگیرد.

آنچه جمهوری اسلامی ایران بر آن پای می‌فشرد، «مردم‌سالاری دینی» است. مراجعه به آرای مردم امری دینی و الهی است که خود بحث مفصلی می‌طلبد. به هر حال، انتخابات بهترین روش برای انتقال و جابه جایی قدرت است. اگر انتخابات در کشور نباشد، با استبداد و دیکتاتوری مواجه خواهیم بود و همچنین گردش قدرت و مسئولان هم رخ نمی‌دهد و باعث نارضایتی می‌شود. به دیگر سخن، اختلال در انتقال مسالمت آمیز قدرت با ایجاد ناامنی مساوی است. از طرف دیگر، پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران برای قضیه فلسطین که مهم‌ترین مسئله جهان اسلام است، علاوه بر مقاومت مسلحانه، برگزاری انتخابات و همه‌پرسی میان همه فلسطینیان است. در این میان، نفی انتخابات در سطح کلان، مستقیماً به نفع صهیونیست‌های کودک‌کش و علیه جبهه مقاومت تمام می‌شود. چنان‌که پیشنهاد ایران برای حل بحران بحرین نیز هر بحرینی یک رأی است. وانگهی برگزاری انتخابات امری عقلایی است و کاری که عقلای جهان آن را تأیید می‌کنند.

از سوی دیگر، وقتی عراق اشغال می‌شود و یک آمریکایی به نام پل برمر همه کاره عراق می‌شود و علاوه بر غارت ثروت ملت عراق، ارتش این کشور را منحل می‌کند؛ در این وضعیت، انکار انتخابات بهترین هدیه به اوست.^۳ در مقابل، طرح نقشه و اقدام برای ترور مراجع، از جمله

۱. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۱۵۴ و ۲۴۲ و ۲۷۸ و حجامی، ص ۹۸.

۲. کانال یمانیون: <https://telegram.me/yamaniyooun> (ID).

۳. <https://www.hamshahrionline.ir/news/533396>.

آیت‌الله سیستانی که با فتوای ایشان حشد الشعبی برای دفاع از عراق و عراقی تشکیل می‌شود؛ از دیگر مسائلی است که جاهلانه یا خائنانه فقط به ناامنی دامن می‌زند و بر قدرت دشمنان و ضعف دوستان می‌افزاید و بلکه جای دوست و دشمن را عوض می‌کند.

مسئله دیگری که بحران ناامنی را صدچندان می‌کند، انکار ولایت فقیه توسط جریان مدعی یمانی است که از آن با عنوان «ولایت الفقیه ام اغتصاب الولاية» تعبیر می‌کنند.^۱ مدعی دیگری، معتقد است ولایت فقیه از جانب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت موقتی پذیرفته شده و در آینده مشروعیتی ندارد و در دوران غیبت باید به والیان ملکوتی یا هادی مراجعه کرد.^۲ روشن است که تغییر معادلات قدرت به نفع اسلام و جبهه مقاومت در فلسطین و لبنان و سوریه و یمن و سایر نقاط جهان به برکت ولایت فقیه است و ضدیت با ولایت فقیه به معنای تضعیف قدرت جبهه اسلام و تشدید ناامنی و سیلی به اسلام ناب است.

بنابراین، نفی انتخابات به معنای نفی مردم‌سالاری و نفی ولایت فقیه به معنای نفی مردم‌سالاری دینی است. کارویژه مهم دولت، برقراری امنیت است و وقتی دولتی نبود، امنیت هم نخواهد بود. لذا در نبود مردم‌سالاری دینی، اسلام و مسلمین امنیت نخواهند داشت.

۲. ناامنی خانوادگی

بر اساس چارچوب نظری مقاله، گفته شد که صدرالمتألهین شیرازی، زنا و لواط را ذیل سد باب حیات، طبقه‌بندی می‌کند و گرچه درست است که زنا نسل را از بین نمی‌برد؛ نظام ارث و نسب را با اختلال مواجه می‌سازد و روال طبیعی زندگی را از بین می‌برد و باعث ناامنی می‌شود و مصداق بارز ظلم است؛ ظلم به خویش، ظلم به دیگران، ظلم به خدا.

به اعتقاد مهدویت پژوهان، بیش‌ترین خریدار سخنان مدعیان، بانوان هستند. بانوان به دلیل باور استوار به مدعیان تمامی خواسته‌های آنان را اجابت می‌کنند. مدعی هم با روش‌های

1. www.nsr313.com/home/archives/473.

۲. اسحاقی و دیگران، ۱۳۹۹ به نقل از یعقوبی، ص ۱۴۹.

مختلف می‌کوشد این گروه از مریدان را از خانه و خانواده جدا کند، لذا بیش‌تر زنانی که جذب این گروه‌ها شده‌اند، با همسران و خانواده خود دچار چالش و مشکل شده و کار بسیاری از آن‌ها به جدایی و طلاق انجامیده است.

سوء استفاده از بانوان مختص مدعیان مرد نبوده و زنان مدعی نیز با روش‌های گوناگون از مریدان خود سوء استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها آن است که از مدعیان مریدان خود را بدون اطلاع سرپرستان و به منظر جذب کمک‌های مالی به عقد برخی افراد در شهرهای دیگر در می‌آورند.

احمد اسماعیل برای رسیدن به مقاصد خویش به زنانی که به او گرویده‌اند دستور داده برای جذب هرچه بیش‌تر پیروان به روسپیگری روی آورند.^۱

ب. سد باب معیشت

برخی از محققان، نخستین اهداف مدعیان را به دست آوردن ثروت می‌دانند و معتقدند تمامی کسانی که به گونه‌ای گرفتار این انحراف هستند، در پی گردآوری وجوهات و نذورات مریدان، با عناوینی مانند وکیل امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هستند.^۲ تعدادی از پژوهشگران نیز دومین دلیل ورود انحرافات در مسئله مهدویت را «سوء استفاده‌های مالی» یا «سوء استفاده‌های مقامی» ذکر می‌کنند و به تاریخچه آن و از جمله ابوحزمه بطائنی و شلمغانی نیز اشاره‌ای دارند.^۳ در واقع ثروت، یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های پیدایش ادعاها در عرصه مهدویت و هر عرصه دیگر دینی است؛ چراکه مردم حاضرند تمام زندگی خود را در اختیار کسانی قرار دهند که باور دارند هدفی جز پیشبرد دین ندارند. مدعیان با آگاهی از این روحیه مردم، به ادعاها و فعالیت‌های انحرافی روی می‌آورند و با روش‌های متنوع و گوناگون از مریدان پول می‌گیرند.^۴ از

۱. کارشناس، تحلیل جریان مدعی‌یمنی، ص ۱۵۴.

۲. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۱۲.

۳. شریعتی سبزواری، مهدویت و عقل و دین، ص ۳۷۹ - ۳۸۰.

۴. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۰۳ - ۱۰۴.

این رو، برخی از مدعیان (همچون محمود عرفانیان) از مریدان خود وجوهات شرعی می‌گرفتند.^۱ «حتی شخصی (سید حسن ابطحی) قرآنی را به امضای جعلی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه گذاشته و پولدارها را برای دیدن آن دعوت می‌کرد و پول فراوانی جمع می‌کرد».^۲ علاوه بر این، مدعیان دروغین برای اموال دیگران حرمتی قائل نیستند. احمد اسماعیل در پاسخ به این پرسش که آیا جایز است بیش از مبلغ حمل و نقل کالا از رئیس شرکت پول مطالبه کنم؛ می‌گوید: «اینان دشمنان ائمه علیهم السلام و مهدیین هستند و مال آن‌ها احترامی ندارد، هر مقداری که توانستی از مال او تصاحب کن و این کار برای تو جایز است».^۳ منظور او از دشمنان ائمه و مهدیین، احمد اسماعیل است؛ یعنی هر کس او را قبول ندارد، مال او هم فاقد حرمت است. طبق همین مبنا او در پاسخ به این سؤال که آیا استفاده شخصی از اینترنت همسایه یا از مراکز غیردولتی جایز است یا نه؛ می‌گوید: «اگر صاحب مال [در این جا] اینترنت [از نواصب ائمه علیهم السلام یا مهدیین یا پیروان ایشان باشد، در این صورت اموال او احترامی ندارد و استفاده از اینترنت او جایز است».^۴ او دستور داده است که خمس باید فقط به خودش پرداخت شود. در چنین جامعه‌ای امنیت اقتصادی وجود نخواهد داشت.

خاتمه

در این مقاله، چالش‌های امنیتی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت، بر اساس چارچوبی بومی که توسط صدرالمآلهین شیرازی ارائه شده است، تبیین گردید. طبق این چارچوب نظری جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت در شش عرصه، برای امت اسلامی تهدیدات امنیتی ایجاد می‌کنند: تهدیدات فرهنگی، اعتقادی، جانی، سیاسی، خانوادگی و اقتصادی که در جدول ذیل قابل مشاهده است:

۱. همان، ص ۳۵۷.

۲. شریعتی سبزواری، مهدویت و عقل و دین، ص ۳۸۰.

۳. کارشناس، تحلیل جریان مدعی یمانی، ص ۲۲۱.

۴. همان، ص ۲۰۳.

ردیف	چالش‌های امنیتی نظری		چالش‌های امنیتی عملی		
	سد باب معرفت		سد باب حیات		
	تهدیدات فرهنگی	تهدیدات اعتقادی	تهدیدات جانی	تهدیدات سیاسی	تهدیدات خانوادگی
۱	تعطیلی عقل	ادعای الوهیت و ربوبیت	هدر دانستن خون مسلمانان و غیرمسلمانان	نفی انتخابات	افزایش طلاق
۲	استخاره به جایگزینی جای عقل	ادعای عصمت	همکاری با ساواک ایران	نفی مردم سالاری دینی	سوء استفاده از بانوان
۳	خلع سلاح عقل	ادعای نسخ قرآن	همکاری با استخبارات صدام	نفی ولایت فقیه	توصیه به روسپیگری برای جذب پیروان
۴	اولویت دادن به احساسات، به جای عقلانیت	ادعای نبوت	قطع اعضای بدن منکر دروغیت مهدویت		کسب ثروت به هر قیمتی انگیزه اصلی غیراعلامی اکثر مدعیان
۵	انکار بدیهیات عقلی	ادعای امامت	قطع اعضای بدن تردید کننده در دستوره‌های مدعی دروغین مهدویت		
۶	پذیرش اجتماع ضدین و نقیضین در عمل	ادعا بابت	اقدام برای ترور مراجع عظام تقلید		
۷	نفی علوم عقلی، از جمله فلسفه، منطق و اصول فقه	ادعای مرجعیت تقلید			
		ادعای وجود رکن رابع			

چنان‌که ملاحظه می‌شود، چارچوب نظری سه وجهی سد باب معرفت، سد باب حیات و سد باب معیشت، دارای ظرفیت و جامعیت مناسبی برای طبقه‌بندی جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت و نقد و بررسی آن‌ها است و این کارهای پیچیده را به صورت روشمند میسر می‌سازد.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان گفت مدعیان دروغین مهدویت خواسته یا ناخواسته، جاهلانه یا خائنانه منابع قدرت اسلام ناب را تضعیف می‌کنند. عقلانیت، قرآن کریم، آموزه‌های اصیل اسلام ناب، اصول دین، فروع دین، حوزه‌های علمیه، مراجع عظام تقلید، روحانیت، ولایت فقیه، مردم‌سالاری دینی و مشارکت مردم در انتخابات، رعایت حلال و حرام، احترام به جان و مال و ناموس دیگران و ... همه از منابع قدرت اسلام ناب محمدی هستند که جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین با بدعت و تضعیف و خدشه به آن‌ها و جابه‌جایی دوست و دشمن به ناامنی فرهنگی و معرفتی، ناامنی جانی و مالی و ناامنی سیاسی و اقتصادی و خانوادگی دامن می‌زنند و باعث تشتت و تفرقه در جهان اسلام و جبهه مقاومت و تقویت مستکبران جهانی، مخصوصاً دولت تروریست آمریکا می‌شوند.

متأسفانه در جهان تسنن، وهابیت و در مقطعی داعش خبیث وهابی ریشه و حتی پا گرفت؛ اما در جهان تشیع به دلیل مقاومت و برخورد عالمانه و قاطعانه روحانیت و به ویژه مراجع عظام تقلید، مدعیان دروغین نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند و کینه و دشمنی آن‌ها نسبت به مراجع گرانقدر و معظم تقلید هم به سبب مقاومت شجاعانه و آگاهانه آن بزرگواران است.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

مفاتیح الجنان

۱. احمد اسماعیل، *العجل*، اصدارات انصار الامام المهدي، طبعه محقق، الطبعة الثالثة، ۱۴۳۱ و ۲۰۱۰ م.
۲. اسحاقیان درچه، جواد و حیدری چراتی، حجت، *تحلیل راهکارهای مشترک نفوذ جریان های انحرافی معاصر در بستر آموزه های مهدویت*، فصلنامه انتظار موعود، سال ۲۰، شماره ۶۸، بهار ۱۳۹۹.
۳. اسحاقیان درچه، جواد، *بررسی و نقد مستندات جریان انحرافی احمد اسماعیل*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
۴. —، *تحلیل روند و فرآیند فرق و جریان های انحرافی*، تهران: میراث فرهیختگان، ۱۴۰۱.
۵. افتخاری، اصغر، *امنیت ملی: رهیافت ها و آثار*، فصلنامه مطالعات راهبردی. (پیش شماره ۲)، تابستان ۱۳۷۷.
۶. افتخاری، اصغر، امنیت، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۷. اکبری آهنگر، رضا، *مروری بر تاریخچه و تفکرات انجمن حجتیه*، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵.
۸. امام خمینی، سید روح الله، *شرح چهل حدیث*، چاپ بیست و نهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۳.
۹. آیتی، نصرت الله و شهبازیان، محمد، *ادعاهای قرآنی برخی مدعیان دروغین در بهره گیری از رؤیا برای تشخیص حجت الاهی*، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۳.
۱۰. آیتی، نصرت الله، *نقد و بررسی مدعیان مهدویت؛ با تکیه بر آرای احمد الحسن*، فصلنامه مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۲.

۱۱. البخاری، محمد بن إسماعیل، **صحیح البخاری**، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دمشق: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۲. پورسیدآقایی، مسعود و غلامی، محمد، **بازنمایی ترفندهای عالم‌گریزی از سوی مدعیان مهدویت در ایران معاصر**، فصلنامه پژوهشهای مهدوی، سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸.
۱۳. پورسیدآقایی، سیدمسعود و فهیمی اصفهانی، سیدمحمد، **روش‌شناسی القاء شبیه توسط مخالفان و مدعیان دروغین مهدویت**، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۴۰۰.
۱۴. جعفری، محمدصابر، **حذف عالمان دین راهبرد مشترک فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت**، فصلنامه پژوهشهای مهدوی، سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸.
۱۵. جعفریان، رسول، **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران**، تهران، نشر علم، ۱۳۹۰.
۱۶. جعفریان، رسول، **مهدیان دروغین به ضمیمه هفت رساله**، تهران، نشر علم، ۱۴۰۰.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۴، **شناخت‌شناسی در قرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. جوادی آملی، مرتضی، **سیاست الاهی در حکمت متعالیه؛ شرح مشهد پنجم الشواهد الربوبیه**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹.
۱۹. حجامی، حسین، **نقد و بررسی جریان احمد اسماعیل**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۰. حسین حجامی، **شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۲۱. محمّدی هوشیار، علی، **درسنامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری**، انتشارات تولی، قم، ۱۳۹۶.
۲۲. رحیم‌پور ازغدی، حسن، **امت اسلامی** (بازخوانی اندیشه راهبردی رهبر معظم انقلاب درباره وحدت اسلامی)، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۷.
۲۳. رحیم‌پور ازغدی، حسن، **مهدی؛ ده انقلاب در یک انقلاب**، تهران، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، ۱۳۹۶.

۲۴. سلطانی، مصطفی، *آشنایی با جریان های انحرافی*، قم، دانشگاه ادیان مذاهب، ۱۳۹۴.

۲۵. آیت الله سیستانی، علی، <https://www.sistani.org/persian/archive/25698/>

۲۶. محمد شیرازی، صدرالدین، *الشواهد الربوبیه*، تصحیح، تحقیق و مقدمه: مصطفی

محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲.

۲۷. شریعتی سبزواری، محمدباقر، *مهدویت و عقل و دین*، قم، بوستان کتاب ۱۴۰۲

۲۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، *تفسیر القرآن المجید*، گردآورنده: محمد علی ایازی، قم،

بوستان کتاب، ۱۴۲۴ق.

۲۹. شیخ مفید، محمد بن محمد، *المسائل العکبریة*، محقق: علی اکبر الهی خراسانی، قم،

دار المفید، ۱۴۱۳ق.

۳۰. ذوعلم، علی، *واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران*، زمانه، سال چهارم،

شهریور ۱۳۸۴، شماره ۳۶.

۳۱. صفری فروشانی، نعمت الله و عرفان، امیرمحسن، *گونه شناسی مدعیان دروغین*

مهدویت، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳.

۳۲. عبدالرحمانی، رضا و دیگران، *بررسی نقش عرفان های نوپدید بر امنیت اخلاقی*،

پژوهشهای اطلاعاتی و جنایی، شماره ۳، ۱۳۹۶.

۳۳. عرفان، امیرمحسن، فصلنامه انتظار موعود، *بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان*

دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان، دوره ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

۳۴. علی کارشناس، *تحلیل جریان مدعی یمانی*، قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

علیه السلام، انتشارات زمزم، ۱۴۰۰.

۳۵. قندی، مهدی، *آسیب شناسی موعودگرایی: با تأکید بر آسیب گستری مسیح نمایان*،

تهران، گوی، ۱۳۹۵.

۳۶. کاظمی، بهرام، *عدالت و مهدویت*، فصلنامه انتظار، دوره ۴، شماره ۱۳، مهر ۱۳۸۳.

۳۷. کامیاب، مسلم، *بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اساعیل*، قم،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰.

۳۸. کورانی عاملی، علی، *دجال بصره*، [https://www.m-mahdi.com/persian/books-](https://www.m-mahdi.com/persian/books-254#7/)

254#7/

۳۹. کاشف الغطاء، شیخ جعفر، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، قم، انتشارات

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۲۲ق.

۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۷، *الکافی*، قم، مؤسسه دار الحدیث العلمیة الثقافیة.

۴۱. لک زایی، نجف، *امنیت متعالیه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.

۴۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۸۶.

۴۳. ملایی، حسن، *لغزشهای اعتقادی در عصر غیب؛ گونه‌ها، زمینه‌ها و راهکارها*، قم،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر نشر علم و ترویج
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصليتان علميتان

السنة الخامسة - العدد ١٢ - خريف وشتاء ١٤٠٣

تم وبناءاً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧/ ٢/ ١٤٠١ من قبل شورى إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية .
ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

هيئة التحرير (حسب الحروف):

الهي نجاد، حسين (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).
بهروزي لك، غلام رضا (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).
سليمان بهبهاني، عبد الرحيم (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).
شاكري زاردهي، روح الله (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).
صفري فروشاني، نعمة الله (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).
عرفان، أمير محسن (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).
كلباسي، مجتبی (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).
مروجي طبسي، نجم الدين (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).
يوسفیان، مهدي (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).

صاحب الإمتياز :

معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء.

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم.

المدير المسؤول:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسي

رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٤١٠، رقم الفاكس: ١٢٥٣٧٧٢٧١٦٠

الصندوق البريدي: ٣٧١٣٥١١٩

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع الإلكتروني: www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

الشابا: ٢٤١-٢٧١٧

سعر المجلة: ٣,٠٠٠,٠٠٠ ريال

مكانة الحجّة الحيّة الإلهيّة في هندسة الدين

محمود أبازري^١

يُعَدُّ الدين الإسلامي أشمل برنامج للخلاص البشري، حيث يحظى كلُّ مكوّنٍ من مكوّنات خارطة الطريق هذه بمكانةٍ خاصّةٍ من حيث الأهمية. ومن أهمِّ أصول مذهب الإمامية الشيعي الإيمان بوجود الحجّة الإلهيّة في كلّ زمانٍ. وإنّ المسألة الجوهرية هنا تتجلّى في تحديد مكانة هذا الاعتقاد ضمن بنية الدين. فمراجعة الآيات القرآنية والأحاديث النبويّة، يتبيّن أنّ ولاية الحجّة الحيّة الإلهيّة تُشكّل بوابة دخولٍ إلى حقيقة الدين، وأنّ توحيد العبادة يتحقّق عملياً من خلال القبول بطاعة هذه الحجّة والامتثال لأمرها. كما أنّ مصير الإنسان الأبديّ، سواءً في النجاة أو الهلاك، مرتبطٌ مباشرةً بنوع تفاعله مع هذه الحجّة، ويكتسب أداء فروض الدين حقّق العبودية لله حين يؤدي في ظلّ ولايتها. إنّ أهمية هذا الاعتقاد دفعت النصوص الوحيّة إلى إبراز قصص الأمم السابقة في ضوء تعاملهم مع حجج الله الحيّة، ليكون ذلك عبرةً وعظةً تدلُّنا على ماهية وكيفية وغاية التفاعل مع الإمام المنتظر. أمّا الدراسة الحالية، فقد تناولت هذا الموضوعَ بنهجٍ معرفيٍّ تبيينيٍّ، بهدف إعادة تركيز الانتباه إلى هذا الاعتقاد لدى المنتظرين وحجّهم على السعي لاكتساب فهمٍ أعمقٍ له.

الكلمات المفتاحية: الحجّة الحيّة، المهديّة، الإمام الزمان، القرآن، الدين، الهداية.

أثر فكرة المقاومة في تعزيز جوهر وعمل الانتظار النشيط؛ معتمداً على آراء آية الله الخامني

مصطفى بهشتي بور^١

اعتبر الله تعالى الصّمود في وجه الظّغيان واجباً إلهياً، وأمر عباده بعدم الخضوع للظلم، بل بمواجهته بكلّ إخلاصٍ وقوة. إنّ «نظرية المقاومة» هي الاستراتيجية الأساسية التي قدّمها القائدان المؤسسان للثورة الإسلامية - الإمام الخميني ثمّ خلفه الصالح آية الله الخامني - لمواجهة هذا الهجوم الشامل على الإسلام والمستضعفين. وبما أنّ المهديّة والانتظار النشيط يعدّان من الأهداف الكبرى لثقافة المقاومة، ويجمع بينهما ارتباط وثيق لا مثيل له، يبرز التساؤل: كيف يُعزّز ترسيخُ فكرة المقاومة جوهر الانتظار النشيط ووظيفته؟

يهدف هذا البحث، بالمنهج الوصفي التحليلي واستناداً إلى مصادر مكتبية، إلى الإجابة على سؤالين رئيسيين: أولاً، ما هي طبيعة ومكونات الانتظار النشيط في فكر الإمام الخامني؟ ثانياً، ما تأثير ثقافة المقاومة في تعزيز جوهر هذا الانتظار ووظائفه؟

تخلص الدراسة إلى أنّ المقاومة تعزّز عناصر الانتظار الجوهريّة—كالنقد والاعتقاد والثقة والشوق—في البعد النظري، كما تُسهّم على الصعيد العمليّ في تغيير الخطاب العالميّ، وتهيئة شروط الظهور، وتسريع وقوعه. إضافةً إلى ذلك، تفجّر روح الأمل والإيمان والمعركة في النفوس، وتُربّي جيلاً منتظراً، وتوقظ الوعي الإسلاميّ، وتوحي بالوحدة والتضامن بين المظلومين في العالم، وتقوّي الصبر والتصميم وحسّ الاعتماد على الذات في المجتمعات المنتظرة. ومن ثمّ، تستمرّ قدرة الأمة الثورية والإماميّة على السير نحو تحقيق الأهداف السامية—إقامة الحضارة الإسلامية الجديدة وظهور ولاة الله الأعظم—بصورة متعاظمة ومتضافرة.

الكلمات المفتاحية: فكرة المقاومة، الانتظار النشيط، المقاومة، المهديّة، آية الله الخامني.

١. باحث من المستوى الثالث في مركز المهدي في قم.

تحليل دور الحكم الديني في تعزيز وتثبيت بصيرة المنتظرين في عصر الغيبة

عادل فاطميان^١

يتخذ هذا المقال موقفاً تحليلياً لبيان مكانة الحكم الديني في صون وتعزيز بصيرة المنتظرين خلال فترة الغيبة. تُعدُّ العناية بالأبعاد الثقافية والاجتماعية والسياسية، وعلى وجه الخصوص الجوانب المعرفية للعوام، وحفظ عقائدهم وأفكارهم من فتن آخر الزمان، من أهم واجبات الحكم الديني. فبصفته مؤسسة قوية في مجالي الإدارة والتنفيذ، يستطيع الحكم الديني—بترسيخ البعد المعرفي لدى المنتظرين في عصر الغيبة—أن يُنبههم إلى المخاطر والانحرافات القائمة. كما يُمكن للمنتظرين، عبر تعزيز أسسهم العقائدية وتقوية أفكارهم ومعتقداتهم، النجاة من فتن آخر الزمان والشعور المثلح بحضور الحجة الإلهية.

ووفقاً لما استُخلص من دراسة وصفية—تحليلية مبنية على مراجعة المصادر المكتبية، يتبين أن الحكم

الديني يُساهم في تقوية بصيرة المنتظرين عبر:

١. ترسيخ الإيمان بوجود الإمام الزمان (عجل الله فرجه)،
 ٢. تغذية روح الأمل بجمالية الظهور،
 ٣. تأسيس فكرة الجهاد ضد المدعين الزائفين،
 ٤. تعزيز مبدأ مقاومة الأعداء وعداءتهم،
- وغيرها من المبادئ التي تحصن البصيرة وتزود المنتظرين بقدرة أكبر على اليقظة والاستعداد.
- الكلمات المفتاحية: الحكم الديني، تعزيز البصيرة، المنتظرين، عصر الغيبة.

١. طالب علم من المستوى الرابع في الحوزة العلمية في قم.

هندسة ثقافة الاقتصاد في الحضارة المهدوية (مع التأكيد على مبدأي القناعة والمساواة)

خوداموراد سليمان^١

أمير عباس خسروي^٢

تعدُّ المشكلات الاقتصادية والمعيشية الناجمة عن التفاوت والحشع من أبرز تحديات المجتمع قبل الظهور. وفي مواجهة ذلك، يأتي الإصلاح الاقتصادي من قِبَل المهديِّ القائم (عجل الله فرجه) - كما ورد في أقوال الأئمة المعصومين - كإجراءٍ أساسيٍّ لمعالجة شؤون الناس وسدِّ مشكلاتهم المعيشية. تهدف هذه الدراسة إلى إظهار دور الرفاهية الاقتصادية في تكوين الحضارة المهدوية، مع التركيز على مبدأي القناعة والمساواة. ويتجلى ذلك عبر ثلاثة محاورٍ رئيسية:

١. استعراض الأزمات والمشكلات الاقتصادية السائدة قبل الظهور.

٢. كشف مظاهر الفساد في النظام الاقتصادي القائم.

٣. تقييم درجة استعداد الوعي العام لاستبدال النظام الاقتصادي الحاليِّ بأخرى فاعلة وعادلة.

باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، تظهر نتائج البحث أنَّ من أبرز معالم التقدم الاقتصادي في المجتمع المهدويِّ:

• تحسُّن مستوى المعيشة انطلاقاً من مبدأي القناعة والمساواة،

• إنزال بركات أرضية وسماوية واسعة،

• زيادة مشروعة في الأرزاق والأموال،

• وَقَع القضاء التام على الفقر والتخلُّف المعيشي.

والأهمُّ أنَّ أثر الرفاهية الاقتصادية على نموِّ المجتمع المهدويِّ روحانيًّا وأخلاقياً لا يُمكن إنكاره.

الكلمات المفتاحية: الرفاهية الاقتصادية، الحضارة المهدوية، عصر الظهور، المساواة، القناعة.

١. أستاذ مشارك، معهد قم للعلوم والثقافة الإسلامية، إيران.

٢. خريج المستوى الثالث من حوزة قم العلمية.

آثار النظرة السطحية إلى مفهوم الانتظار في مجال الحضارة الإسلامية الجديدة

حجت حيدري چرائی^۱

مرضيه عيوضي^۲

يُعدُّ «الانتظار» من المفاهيم المحورية في الثقافة الدينية والاجتماعية، لما يحمله من قدرة فريدة على تحفيز الحركات الحضارية. ومع ذلك، فإنَّ التعامل السطحي والتبسيطي مع هذا المفهوم قد يحوِّله من دافع تحويُّ عميقٍ إلى اعتقادٍ خامدٍ لا طائل منه، ما يؤدي إلى ركود اجتماعي وثقافي يُعيقُ جهودَ الإصلاح الديني والعدلي والحضاري.

في المقابل، فإنَّ تبني نظرة عميقة وواعية للانتظار يمنحه دورَ المحرك الإبداعي والعدلي والحضاري في المجتمع.

بناءً على المنهج الوصفي التحليلي والاعتماد على المصادر المكتبية، تكشف نتائج الدراسة أنَّ:

١. التأمّل العميق في مفهوم الانتظار وإعادة النظر في طرق ترويجه أساسيان لاستثمار طاقاته الحضارية.

٢. الاهتمام بالأبعاد الروحية والاجتماعية للانتظار يوجِّه المجتمع نحو تنمية شاملة وتقدُّم مستدام.

٣. الانتظار السطحي يقود إلى تفسيرات محدودة ويُقلِّل من الإبداع الاجتماعي، ويضعف رأس المال البشري، ويهمِّش دور الفرد في الإصلاح والتحوُّل الاجتماعي.

٤. غياب منهج انتظاري نشط يعيق مواجهة الأزمات ويؤخِّر تحقيق العدالة الاجتماعية من خلال التركيز الحصري على النتائج الروحية دون التطبيق العملي اليومي.

الكلمات المفتاحية: مدعي يماني، مدعي خراساني، مهدوية، تيارات انحرافية، علامات الظهور.

١. الباحث في مركز أبحاث المهذوية والوعدية، انتظار بوياء.

٢. ماجستير في الدراسات الاجتماعية للمسلمين (جامعة طهران).

صياغة التحديات الأمنية لحركات الانحراف ومدعي المهدوية الكذابين

رضا لك زاني^١

يُعَدُّ "الأمن"، ولا سيما "الأمن العقائدي"، من الحاجات الحيوية والضرورية للإنسان المتدين، ومن ثمَّ وجب تحديدهُ ومعالجتهُ كلَّ ما يهدِّده. وإنَّ الحركات المنحرفة ومدعي المهدوية الكذابين يطرحون تحدياتٍ متعدّدة، من شأنها أن تُخلَّ بالأمن في المجتمعات الإسلامية، وخصوصًا في الجمهورية الإسلامية الإيرانية. في هذه الدراسة، تمَّ استخدامُ الإطار النظري الذي طرحه صدر المتألهين الشيرازي لتصنيف هذه التحديات، فتبيّن أنّ هذه الحركات تتصدّى للأمة الإسلامية عبر ثلاثة "سدود" أمنية:

١. سدُّ باب المعرفة: تعويقُ الوصولِ إلى الحقائق الدينية والمعارف الأصيلية.
٢. سدُّ باب الحياة: المساسُ بأمن الفرد والجماعة على مستوى الوجود والهوية.
٣. سدُّ باب المعيشة: تعطيلُ سُبُل العيش الكريم والاعتماد على الرُّشد الاقتصادي والاجتماعي.

وتُعَدُّ الاستفادة من هذا الإطار النظري، المشتق من نظرية الدلالة في منطق الأصول الفقهيّة، الابتكارَ الرئيس لهذه المقالة العلمية.

الكلمات المفتاحية: الحركات المنحرفة، مدعو المهدوية الكذابين، الأمن، سدُّ باب المعرفة، سدُّ باب الحياة، سدُّ باب المعيشة.

١. عضو هیئۀ التدریس فی معهد الإمام الصادق (ع) لبحوث العلوم الإسلامیة.

Framing the Security Challenges Posed by Deviant Movements and False Claimants to Mahdism

*Riḍā Lak-Zāī*¹

Abstract

“Security,” particularly “ideological security,” is a vital necessity for the religious individual and must be defended against any threats. Deviant movements and false claimants to the Mahdi create a variety of security challenges for Muslim communities—including the Islamic Republic. This article employs the theoretical framework developed by Ṣadr al-Mutā’allehin Shīrāzī to identify and categorize these challenges. According to this schema, deviant currents and spurious claimants confront the Islamic Ummah with security threats across three domains: the “Barrier at the Gate of Knowledge,” the “Barrier at the Gate of Life,” and the “Barrier at the Gate of Livelihood.” The application of this Shari‘at logical framework represents the principal innovation of the study. Methodologically, the paper draws on the Theory of Implication, derived from the disciplines of logic and principles of jurisprudence.

Keywords: Deviant Movements, False Mahdist Claimants, Security, Barrier of Knowledge, Barrier of Life, Barrier of Livelihood.

¹ Member of the faculty of Imam diq Islamic Sciences Research Institute; rlakzaee@gmail.com

Consequences of Superficial View of the Concept of Expectation in the Field of New Islamic Civilization

Hojjat Heydari Cherati¹

Marzieh Eyazi²

Abstract

Intizār/ “Awaiting” is a pivotal concept within religious and social culture, possessing unparalleled potential to inspire civilizational initiatives. However, a superficial or simplistic engagement with this notion can thwart its transformative power, reducing it from a dynamic catalyst into a passive, ineffectual belief that breeds cultural and social stagnation. Such a passive expectation fosters irresponsibility and deters collective efforts toward religiously grounded reform, justice-seeking, and civilizational progress. Conversely, a profound and engaged understanding of awaiting can stimulate creativity, justice-orientation, and social dynamism.

Drawing on descriptive-analytical methods and library research, this study examines the repercussions of superficial interpretations of awaiting. Our findings indicate that only through deep reflection on the spiritual and social dimensions of awaiting—and by reforming how it is promoted—can communities fully harness its civilizational potential. In contrast, superficial awaiting yields limited, constrained interpretations; diminishes social creativity and human capital; neglects individual responsibility in societal transformation; squanders human capacities; engenders unpreparedness for crises due to the absence of proactive engagement; and delays the realization of social justice by emphasizing exclusively spiritual outcomes at the expense of practical, everyday reform.

Keywords: Superficial Awaiting, Dynamic Awaiting, Civilizational Building, Social Justice.

¹ Researcher at the Mahdism and Promisedism Research Center, Entezar Pouya.

² Master of Social Studies of People (University of Tehran). me.eyvazi@yahoo.com

Engineering the Economic Culture in Mahdavi Civilization (Emphasizing the Principles of Contentment and Equity)

Khodā-Morād Salimyān¹
Amir-Abbās Khusrawī²

Abstract

Among the most pressing challenges of the pre-appearance world are the socioeconomic hardships afflicting people, born of inequality and insatiable greed. In response, one of the foundational measures of the Promised Savior, Imam al-Mahdī, as conveyed by the Infallible Guides, is the rectification of these injustices and the resolution of economic problems.

The present study seeks to illuminate the role of economic welfare in the formation of the Mahdī's civilization, with particular emphasis on two guiding principles: contentment (Qanā'ah) and equity (Musāwah). To achieve this, it first diagnoses the prevailing "economic problems and crises," examines the "corruption within the existing economic order," and assesses the "readiness of the public mind to embrace a new, efficient economic system"—each a prerequisite for meaningful reform.

Employing a descriptive analytical methodology, the article's findings demonstrate that in the Mahdavi society, Improved livelihood anchored in contentment and equity, Abundant earthly and heavenly blessings, Lawful increase of wealth and Eradication of poverty and destitution represent the hallmarks of economic progress. Crucially, this research underscores that the impact of economic welfare on the spiritual growth and moral elevation of the Mahdic civilization is undeniable.

Keywords: Economic Welfare, Mahdic Civilization, Appearance Era, Equity, Contentment.

1 Associate professor of Islamic Sciences and Culture Institute in Qom; kh.salimian@isca.ac.ir

2 . Student of level 3 at the Mahdism specialized Center in Qom.

The Analysis of the Role of Religious Governance in Strengthening and Consolidating the Worldview of the Awaiters during the Occultation

'*Ādil Fāṭimiyān*'

Abstract

This paper aims to elucidate the pivotal position of religious governance in fortifying and consolidating the worldview of the Awaiters (*Muntaẓirīn*) during the period of occultation. Among the foremost duties of a religious government is tending to the cultural, social, and political dimensions of its constituents—most critically their cognitive and belief systems—shielding them from the trials and deceptions of the End Times. As a potent executive and managerial institution, religious governance can heighten the Awaiters' awareness of existing threats and deviations by reinforcing their intellectual preparedness. By nurturing their doctrinal foundations and solidifying their convictions, it ensures that the Awaiters are rescued from the perils of eschatological seductions and acutely feel their urgent need for the presence of the Divine Proof (*Ḥujjat-Allāh*).

Drawing on an analytical descriptive methodology and comprehensive library research, this study finds that religious governance can support the Awaiters' worldview through strengthening belief in the existence of the Imam al Mahdī, fostering an indomitable spirit of hope regarding the certainty of the Appearance, cultivating a mindset of vigilance and resistance against false claimants, reinforcing the principle of steadfast opposition to the enemies of faith, and....

Keywords: Religious Governance, Worldview Reinforcement, Awaiters, Occultation.

1 Student of level 4 at Messianism branch in Qom seminary.

The Impact of the Concept of Resistance on Reinforcing the Nature and Function of the Active Awaiting; Based on Ayatollah Khamenei's Perspectives

*Muṣṭafā Beheshti-Pour*¹

Abstract

God has ordained steadfastness against tyranny as a sacred duty, commanding His servants neither to bow to injustice nor to submit, but to confront it with every fiber of their being. The “theory of resistance” is the fundamental strategy articulated and recommended by the leaders of the Islamic Revolution in response to this multifaceted onslaught. Given that both Mahdism and the spirit of awaiting the Savior occupy central, mutually reinforcing roles within the culture of resistance, a critical question arises: How does strengthening the concept of resistance affect a dynamic, proactive form of awaiting?

This paper employs a descriptive-analytical methodology, drawing on library research, to answer two interrelated questions: first, what are the essence and constituent elements of “active awaiting” in Ayatollah Khamenei’s thought? And second, in what ways does the culture of resistance bolster the nature and function of such active awaiting? We argue that resistance enhances the substantive dimensions of active awaiting—namely critique, conviction, trust, and ardent longing—and, in practical terms, transforms the global discourse, creates conditions conducive to the Savior’s emergence, and accelerates that process. Further, it fosters hope, faith, and a fighting spirit among those who await, cultivates a generation of vigilant believers, galvanizes Islamic awakening and solidarity among the oppressed, and strengthens patience, resilience, self-confidence, and communal resolve. Through these mechanisms, the revolutionary, Imam-aligned nation’s capacity to realize its lofty objectives—the establishment of a new Islamic civilization under the supreme leadership of the Mahdi—continually expands.

Keywords: Concept of Resistance, Active Awaiting, Resistance Culture, Mahdism, Ayatollah Khamenei.

¹ Student of level 3 at the Mahdism specialized Center; beheshtipour@gmail.com

The Role of the Living Divine Proof in the Architecture of Religion

*Mahmūd Abādhari*¹

Abstract

Islam offers the most complete and comprehensive road-map for human salvation, wherein each of its components occupies a distinct and significant position. Among the central tenets of Twelver Shi'a is the belief in the perpetual presence of a Ḥujjat (Divine Proof) in every era. What demands deeper reflection, however, is the role of this belief within the overall structure of religion. A study of Qur'anic verses and the Prophet's traditions reveals that the Wilāyah (divinely designated authority) of the Living Divine Proof functions as the gateway to the essence of religion itself. Practical monotheism is actualized through the acknowledgment and obedience to this living authority, and the eternal fate of human beings—salvation or perdition—is intimately tied to their manner of engagement with him. Moreover, all branches of religious practice attain the status of true servitude only when rooted in this Wilāyah. The gravity of this truth is such that the Qur'anic narrative frequently recounts the stories of earlier peoples through the lens of their response to the living Divine authority of their time. These accounts are intended to prompt reflection on the what, how, and why of engaging with the current Imam. The present study, adopting a doctrinal-epistemological approach, aims to re-center this foundational belief within the consciousness of those awaiting the Imam, and to encourage an active pursuit of deeper understanding and alignment with this truth.

Keywords: Living Divine Proof, Mahdism, Imam al-Mahdi, Qur'an, Religion, Divine Guidance.

¹ Professor at the Mahdism Specialized Center; abazari14@gmail.com

Pursuant to letter No. 15728 dated May 17, 2022, issued by "Licensing and Scientific Ranking Council of the seminary of Qom", the semi-annual Journal Research on the Promised was promoted from number one to the scholarly-promotional rank.

According to the legislation of "Supreme Council for Cultural Revolution" No. 625 dated June 10, 2008, ranking seminary journals have the same validity as the journals of the "Ministry of Science Research and Technology."

**In the Name of Allah, the Most
Beneficent, the Most Merciful**



Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism
THIRD YEAR, NO. 12, AUTUMN/ WINTER 2023-2024

Magazine Owner:

Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya (Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Managing Editor:

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi **Editor in Chief:**

Clergy of Islam Mahdi Yousefian

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Mohammad Reza Mojiri

English Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Elahinezhad, Hussein (Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Research Center)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir al-Ulum University)

Solaymani Behbahani, Abdul-Rahim (Professor at Qom Seminary)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Assistant Professor at Tehran University)

Safari Foroushani, Nematollah (Professor at Al-Mustafa International University)

Erfan, Amir Mohsen (Assistant Professor at Islamic Maaref University)

Kalbasi, Mojtaba (Professor at University and Seminary)

Moravveji Tabasi, Najm al-Din (Professor at Qom Seminary)

Yousefian, Mahdi (Seminary Scholar, Assistant Professor Al-Mustafa International University)



Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh), Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119

Website: <http://mouoodmag.ir>

Email: mouoodmag@gmail.com

Social network channel Address: [@mahdaviatmag](https://www.instagram.com/mahdaviatmag)

ISSN: 2717-0241

Price: 3.000.000 Rials